

ماهنامه جله ۱۶ نیاز اندیشه روز

این شماره: آینده نگری

شماره شانزدهم :: تیر ماه ۱۴۰۰
مهارت های فرهنگی برای زندگی در حال تحول





ماهنامه جلا :: نیاز اندیشه روز

Brilliance Monthly

مهارت‌های فرهنگی

آینده و تفکر به هم پیوند فورده اند و راه آینده در آثار اندیشمندان گشوده می شود

● مدیر مسئول: شهرزاد تولیت

● سردبیر: محسن فردرو

● با همکاری گروه نویسندگان - گروه کارشناسی دفتر آینده پژوهی

● امور اجرایی: مریم علاءالدینی

● هماهنگی: سارا فردرو

● طراحی و صفحه آرایی: محبوبه براهیمیان

● اطلاع رسانی: محمدرضا پیری - حسین قدمی

● نشانی پایگاه اینترنتی: Fekrvarzi.ir

علاقمندان می‌توانند مطالب، دیدگاه‌ها و آثار فرهنگی و هنری خود را برای

انتشار به آدرس Fekrvarzi@gmail.com ارسال نمایند

فهرست مطالب

- ۴ - سخن سردبیر.....
- ۵ - روش شناسی آینده پژوهی.....
- ۶ - آینده نگری بعنوان یک ضرورت اساسی
- ۸ - سؤال اساسی در آینده نگری.....
- ۱۰ - اهمیت پیش بینی.....
- ۱۲ - هنر فکر کردن به آینده.....
- ۱۴ - فهم درست آینده.....
- ۱۵ - آینده نگری بعنوان فرایندی پویا.....
- ۱۶ - پالایش پیش بینی.....
- ۱۸ - آینده نگری در قلمرو و افق زمانی.....
- ۲۰ - مولفه های آینده نگری.....
- ۲۱ - گرد آوری اطلاعات
- ۲۲ - قدرت تبیینی نظریه ها
- ۲۳ - آینده نگاری.....
- ۲۵ - محورهای آینده نگری
- ۲۶ - فلسفه آینده نگاری.....
- ۳۰ - سیستم های اجتماعی.....
- ۳۱ - تحولات فرهنگی و اجتماعی
- ۳۴ - چالش های قدیم و جدید.....
- ۳۷ - سبک زندگی و تغییرات آینده.....
- ۴۰ - آینده جهانی سازی
- ۴۲ - مسئولیت دولت ها در آینده.....
- ۴۳ - فضای ارتباطی آینده.....

فهرست مطالب

- ۴۴ سازمان های آینده.....
- ۴۶ آینده و تفکر به هم پیوند خورده اند.....
- ۴۷ برگزاری دوره مجازی آینده نگری.....
- ۴۸ کتاب در جستجوی آینده.....
- ۴۹ معرفی منابع برای مطالعات بیشتر.....
- ۵۱ حامیان این شماره ماهنامه.....

سخن سردبیر

محسن فردرو



آینده برای هر یک از ما دارای مفاهیم متفاوتی است، برای تعدادی سخن از آینده، به معنای برنامه ریزی برای دستیابی به اهداف است. ما در این مجموعه از دیدگاه های متفاوت به آینده نگاه می کنیم، با این هدف که بتوانیم با شناخت بهتر از آینده، بر آن اثر بگذاریم و به آینده شکل دهیم. آینده بر همه ابعاد زندگی ما اثر می گذارد و معمولا مهمترین تاثیر آینده بر زندگی ما در حوزه تحولات فرهنگی و اجتماعی مشاهده می شود. زمانی که افکار و پنداشت های روزمره مردم تغییر می یابد و زمانی که در محیط اجتماعی و گروه ها و نهادهای اجتماعی اندیشه ها و رفتارهای جدیدی دیده می شود و نگرانی از تغییر اوضاع پدید می آید، ما به آینده توجه می کنیم. معمولا آینده در افکار ما مملو از نگرانی ها و ناملایمات و نارضایتی و تغییرات ناخواسته است. اما آینده هنگامی نگران کننده و اضطراب آمیز است که قبلا به آن فکر نکرده و تحولات آن را پیش بینی نکرده باشیم. آینده نگری دانشی است که در دهه های اخیر بصورت علمی مورد توجه قرار گرفته است و همواره از گذشته دور در افکار و آراء و جوامع بشری مورد توجه نخبگان و اداره کنندگان سیاسی و اجتماعی قرار داشته است. جای بسی تعجب است که هنوز افراد و سازمان هایی وجود دارند که آینده نگری را جدی تلقی نمی کنند. شاید دلیل اصلی این افراد و سازمان ها، گفتمان ها و مطالعاتی است که بدون پشتوانه صحیح و دقیق علمی ارائه شده باشد.

در جستجوی آینده نام کتابی است که اینجانب آنرا تدوین کرده و قبلا به زیور چاپ آراسته شده است در این شماره مطالب منتخب این کتاب در ویرایش جدید برای علاقمندان بصورت مجله ای آماده شده است. این نوشتار حاصل تدریس اینجانب در کلاس های مهندسی فرهنگی در شرایط بحران ناشی از تهدیدات در دوره کارشناسی ارشد و کلاس روش تحقیق کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی و تدریس چالش های فرهنگی جهان معاصر و جلسات مطالعات آینده پژوهی در موسسه مطالعات توسعه فرهنگی می باشد. امید است دوستان علاقمند با مروری بر این نوشتار برای تکمیل مباحث، ما را یاری رسانند.

من الله التوفیق



روش شناسی آینده پژوهی

آینده پژوهی مبحثی محتوایی و ناظر بر مسائل "روشی" است. آینده پژوهی آمیزه‌ای از علم و هنر است. برای تصویرسازی آینده به توصیف موارد ذیل نیازمندیم:

- (۱) تشریح اهداف و ارزش‌ها؛
- (۲) توصیف روندها؛
- (۳) تبیین شرایط؛
- (۴) تصویرسازی از آینده‌های ممکن و محتمل
- (۵) ابداع، ارزیابی و انتخاب گزینه‌های بدیل

آینده نگری نیازمند داشتن چشم انداز است. چشم‌انداز، شکل‌بخشیدن به فردای مطلوب است. هر چشم‌اندازی باید به سه پرسش اساسی پاسخ دهد:

- چه اقدامی باید انجام شود؟
- چرا باید انجام شود؟
- چگونه باید انجام شود؟

روش شناسی آینده پژوهی با روش شناسی علمی، اگر چه نزدیک، اما متفاوت است. تهیه و تدوین سناریوهای محتمل از آینده، گاه چنان با عدم قطعیت‌هایی روبروست که روش شناسی علمی نمی‌تواند راهی برای اثبات نتایج آن ارائه نماید با وجود این آینده پژوهان بایستی با روش تحقیق علمی آشنایی کامل داشته باشند. برای آینده پژوهی به فرایندهایی نیاز داریم:

- فرایند سازماندهی فکر و پارادایم‌های عام
- فرایند سازماندهی دانش موجود
- فرایند سازماندهی ایده‌های تازه
- فرایند تشخیص دگرگونی‌های اجتماعی در آینده
- فرایند تشخیص تحولات فناوری در آینده
- فرایند تشخیص نیازهای آینده
- فرایند ترسیم و تصویرسازی آینده‌های محتمل
- فرایند طراحی آینده مطلوب و آرمانی
- فرایند انتقال از تصویرسازی تا سیاست‌گذاری و اقدام برای آینده
- فرایند تشخیص چگونگی پایدارسازی آینده مطلوب

- کاوش
- تامین منابع
- مبادله اطلاعات، دانش، بصیرت
- انجام R&D
- توسعه نیروی انسانی
- معرفی تکنولوژی
- تولید کالا و خدمات
- در مورد هر یک، توضیحات مشروحی در کتب مربوط ارائه شده است.

- تحلیل روند
- روش تأثیر متقاطع
- روش دلفی
- روش سناریوسازی
- فناوری‌های کلیدی
- چشم‌اندازسازی
- نقشه راه
- مدل‌سازی
- شبیه‌سازی
- ... هر نظام آینده پژوهی وظایفی مهم نیز دارد:
- ایجاد دانش «جدید»

- ها و ایجاد تفاهم و همکاری و هم‌رایی و اعتماد سازی و طراحی و تمرین و مقابله با موانع و سازماندهی، نیاز داریم. هنگامی که آینده‌پژوه به بررسی آینده‌های محتمل می‌پردازد، کوشش می‌کند تا حد ممکن روشی علمی را اتخاذ کند.
- از جمله روش آینده‌پژوهی به این موارد اشاره شده است:

- برای رسیدن به اهداف در آینده پژوهی، به کسب آگاهی و یادگیری و قدرت شهود و گمانه زنی و شناخت الگوها و نواندیشی و تقویت روابط و تولید دانش و هم‌اندیشی و خلاقیت و مشورت و برنامه ریزی و مدل‌سازی و تقسیم کار و تضارب آراء و ایجاد شرایط مناسب و مهارت و هوشیاری و صرف انرژی و تامین منابع و انتقال تجربه

آینده نگری بعنوان یک ضرورت اساسی

هیچ شخصی و سازمانی نمی توانند با قطعیت از آینده سخن بگویند اما نگرانی از آینده ما را مجبور می سازد بر بخت و اقبال تکیه نکنیم و بدون طرح و برنامه خود را به آینده نسپاریم. آینده ترکیبی است از وقایع گوناگون که بر اساس الگوهای منظم و نا منظم شکل می پذیرد و انسان ها و جوامع در شکل دهی آینده از طریق تصویر سازی و عمل و قصد و نیت اثر گذار خواهند بود. آینده پژوهی دانشی کاربردی است و با اهمیت که به جای پیش گویی آینده به پیش بینی آینده از طریق بررسی وقایع و رویداد های محتمل و الگوهای منظم و نا منظم رویدادهای گذشته و تاریخی می پردازد، در حالیکه به چشم اندازها و تصاویر ساخته شده انسان ها و جوامع از آینده توجه دارد و اقدام ها و اعمال و اهداف و انگیزه های مردمان و جوامع را مرور می نماید. آینده پژوهان رسالتی به دوش دارند که در آن تصویر های مثبت آینده و ایجاد امید و حرکت و تلاش و سودمندی در آن نهفته است. کسانی که در آینده پژوهی از تاریکی ها و جبر های تاریخی و نا بودی و نا ملایمات آینده سخن می گویند ممکن است موجب انحراف افراد و جوامع و ایجاد بحران های اجتماعی و روانی شوند. به همین دلیل آینده پژوهی نیازمند داشتن احساس مسئولیت، کسب تجربه و بهره گیری از فنون و ابزار های مناسب است. آینده پژوهی در سطوح مختلفی شامل سطوح فردی، جمعی، سازمانی، بومی، منطقه ای، ملی و فرا ملی انجام می شود و در هر سطح از دانش، ویژگی ها و اصول و فرآیندهای متفاوتی برخوردار است. موضوعات آینده پژوهی نیز گسترده اند، از تحولات علوم و فناوری گرفته تا ایدئولوژی ها و حکومت ها و تمدن ها هر یک نیازمند متخصصین ویژه و معرفت و دانش و مسیر های گوناگون است. پس همانطور که از پزشک کودکان نباید انتظار جراحی چشم بیماران کودک و بزرگسال را داشته باشیم، از آینده پژوهان سازمانی، نایستی انتظار پیش بینی تحولات ایدئولوژیک و تغییرات اجتماعی را داشته باشیم. در حالیکه اصول و مبانی مشترکی بر همه ی فعالیت های آینده پژوهی حکمفرما است، اما یافتن





مسیر، به سوی آینده های محتمل و مطلوب در هر موضوع و در هر سطح به تخصص و تجربه و دانش متفاوتی نیاز دارد. ظهور فناوری های نوین ارتباطی در دهه های اخیر و تحولات گسترده آن و اثرات فرهنگی و اجتماعی عمیقی که بر شیوه زندگی و رفتار مردمان، در جوامع دنیا داشته است، آینده پژوهی در این حوزه را ضروری و تخصصی شدن آن را بیش از پیش نموده است.

مسئله مهم، تاثیر فناوری های نوین ارتباطی در سطوح گوناگون فردی، جمعی، سازمانی، ملی و فراملی و اثرات گسترده آن بر زندگی مردم و بر دولت های و حکومت ها و حوزه های فرا ملی است. در واقع آینده پژوهان، بیش از بقیه موارد، با حوزه گسترده ای از رویدادها، متغیرها، الگوهای منظم و نامنظم و اهداف و اعمال و نیت ها و اثرات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، روبرو شده اند و فعالیت آنان نیازمند تدبیر و دقت و تخصص بیش از اندازه است.

گفته اند که: برای برخی از ما، زندگی کردن، به معنای ساکن بودن در جهانی است که خود آن را نساخته ایم و تنها می توانیم به بخش کوچکی از آن شکل دهیم. پس درگیری جمعی ما با جهان و ساختن محیط؛ زمینه اصلی تبیین روابط اجتماعی ماست.

این روابط حاصل جمع:

گذشته تاریخی

توانایی های گونه انسانی

و فرهنگ است.

تجسم ما از آینده بسیار مهم و اساسی است. زمانی کسی گفته بود بهتر است به آینده توجه کنیم، چون قرار است بقیه عمرمان را در آن بگذرانیم. گاه برای هر یک از ما، معضلات روزانه آنقدر گرفتاری به بار می آورد که فکر کردن به آینده را ناممکن میسازد. تجربه افراد و گروه های موفق، نشان می دهد، لازم است حتی در سخت ترین و بحرانی ترین شرایط به آینده فکر کنیم. آینده مطلوب را باید تصور کرد و آنرا تجسم بخشید. داشتن بینش مثبت به آینده شاید نیرومندترین انگیزه برای ما باشد.

موفقیت هر ملت پیامد تصویر مثبتی است که از آینده داشته است. تاریخ نشان میدهد ملت های موفق ابتدا با تصور مثبت از آینده آغاز کرده اند و آنرا به بینش و چشم انداز تبدیل کرده و سپس به آن دست یافته اند. داشتن بینش نسبت به آینده مقدم بر همه برنامه های ما است.

منشاء آینده پژوهی چیست؟ و آینده پژوهان چه کسانی هستند و چه نوع دستاوردهایی داشته اند؟ برای جستجو از منشاء آینده پژوهی نه لازم است سراغ پیشگویی و پیشگویان قدیمی برویم و نه لازم است منشاء آن را به دهه های اخیر و سخنرانی ها و دیدگاه های متفکران غربی و یا افتتاح دانشکده های آینده پژوهی برسانیم.

آینده پژوهی در افکار و پنداشت های همه انسان ها بعنوان یک نیاز ضروری وجود داشته و دارد. مطالعه و تحقیق اولین قدم شناخت مسائل و تفکر جدی در باره حل مسائل برای رویارویی با آینده است.

نیاز به برخورداری از زندگی رضایت بخش، انسان ها را به مطالعه و تحقیق برای حل مسائل و چالش ها و دستیابی به شرایط بهتر در آینده واداشته است. ماهیت محیط زیست انسان ها، چنین اقتضای می نماید که در مقابل تغییرات بالقوه ای که ممکن است رخ دهد آمادگی داشته باشند و برای حل مشکلاتی که احتمال وقوع آن را می دهند و یا بوقوع پیوسته است تلاش نمایند و از تجربه های گذشته برای جلوگیری از خسارات احتمالی آینده استفاده نمایند. شکل گیری سازمان های بزرگ در سده های گذشته، بیش از پیش ضرورت مطالعه و تحقیق در مسائل و چالش های پیش رو و احتمالی را، برای آنان ضروری ساخته است و سفارش کارهای تحقیقاتی متعدد و مداوم را موجب شده است.

انتظاری که از همه علوم بشری می رود اینست که بتوانند از طریق درک پیچیدگی های هستی، روند تغییرات و تحولات را تشخیص و بصورت قوانین روشن و الگوهای دقیق به ثبت رسانند تا وقوع حوادث و پدیده ها قابل پیش بینی و بدیهی تلقی شود و بتوانیم بطور آگاهانه و منعطف با تغییرات و حوادث معمول روبرو شویم.

سئوال اساسی در آینده نگری

تحقیقات با یک سؤال اصلی یا پرسش آغازین شروع می شود. سؤالی که بر اساس واقعیت های اجتماعی و مشاهده وضعیتی در معرض تغییر، طرح شده است. مشکل کار در طرح همین سؤال اصلی است، چرا که اکثر مردم و سازمان ها تصور می کنند از جریان تحولات و تغییرات در پیش رو مطلع اند و نیازی به طرح سؤال وجستجو برای پاسخگویی ندارند و یا با طرح سئوالات و گمانه های غلط بر پیچیدگی موضوع می افزایند. سؤال در مورد تحولات آینده اگر درست طرح نشود، جواب های صحیح بدست نخواهد آمد. برای مثال رییس یکی از سازمان های کشور از شما سؤال می نماید بعنوان یک آینده پژوه وضعیت سازمان ما رادر آینده چگونه پیش بینی می نمایید؟ پاسخ چنین سئوالی می تواند این باشد که سازمان شما در بیست سال آینده یکی از موفق ترین سازمان های دنیا خواهد بود. اگر



چه رییس سازمان از این پاسخ مسرور خواهد شد، اما سؤال و جواب هر دو غلط طرح و پاسخ داده شده است. برای هر گونه تحقیق علمی و آینده نگری نیازمند طرح سئوالات دقیق و حساب شده عینی و مشاهده پذیر هستیم تا از طریق اطلاعات جمع آوری شده قابل اندازه گیری صحیح باشد و پاسخ نیز، در نظامی از قواعد تفکر و با استفاده از زبان منطق و عقل و بکارگیری شیوه و ابزار متناسب تحقیق پاسخ داده شود. کارشناسان معتقدند که هدف هر مطالعه کوششی است برای شناخت بهتر عمیق تر و روشن تر با استفاده از قواعد منطقی عقلی و تحلیل شواهد تجربی بدست آمده از مشاهدات و کانون هر تحقیق پدیده خاصی است که در شرایط معینی بدلیل وجود متغیرها و عوامل شناخته شده یا ناشناخته در معرض تغییر قرار می گیرد.

برای تحقیق و آینده پژوهی، به دستاوردهای به رسمیت شناخته شده علمی و مفروضات جا افتاده پیشینی نیاز داریم که بین اندیشمندان مشترک می باشد و به آن پارادایم می گوئیم. پارادایم ها اگر چه همواره می توانند مورد تردید قرار گیرند و دگرگون شوند، اما بعنوان پیش فرض های اولیه و بنیان های فلسفی و متافیزیکی، شالوده فعالیت تحقیق و آینده پژوهی قرار می گیرند. یکی از پارادایم های شناخته شده پارادایم نظم است که در مفروضات آن، جهان هستی دارای نظم بوده و مطابق قوانین عام ماده و حرکت عمل می نماید. مجموعه ای از مفروضات و نظریه ها و طرح ها و مدل ها و ارزش هاست که توسط جمعی از اندیشمندان بصورت مشترک بکار گرفته شده است. این پارادایم می تواند در شروع مطالعه ما شالوده عمل و سرمشق ما قرار گیرد ولی ممکن است در ادامه کار علمی بتوانیم بخشی از آن را از نو تعریف و تجدید نظر نماییم. از سوی دیگر هر کار تحقیق به یک مدل نیاز دارد تا بعنوان یک نظام راهنما طرح ما را در معرض انطباق قرار دهد. در این مسیر بایستی اطلاعات را، روشن تر و دقیق تر نمود و مفروضات را در برابر شواهد موجود به آزمون گذاشت و سپس بر اساس پندارهای عقل سلیم، بصورت قیاسی یا استقرایی، یافته ها را منظم تر نمود و نتایج را در حد یک شناخت علمی که فراتر از تجربه عادی مردم باشد و مورد قبول نخبگان و اندیشمندان قرار گیرد طرح نمود. ما مجبوریم به نظریه ها و فرضیه ها توجه نماییم و مشاهدات خود را تکمیل کنیم و با مفهوم سازی صحیح و جمع آوری اطلاعات و تعمیم آنها به استقرا یا قیاس، متوسل شویم. برای رسیدن به نتیجه ما به ابزارسازی و مقیاس سازی و نمونه گیری نیاز داریم.

سؤال اساسی وجود دارد که همه ما قبل از شروع آینده

پژوهی بایستی به آن پاسخ دهیم. آیا آینده، تداوم حال و گذشته است؟ آینده الزاماً ادامه ی خطی گذشته و حال نیست؛ زیرا در شکل پذیری آینده عوامل متعددی دخالت دارند. جهان همواره عرصه ی تحولات شتابنده بوده است و تحول در فناوری عمده ترین نقش را در ایجاد تغییر در شیون و ابعاد مختلف زندگی داشته است. آینده پژوهی پیش بینی رخدادهای آینده است. مطالعات آینده پژوهی جوان، پراکنده و غیر منسجم است و برخی تلاش می کنند آن را به یک رشته علمی و دانشگاهی تبدیل سازند. باید دانست که آینده پژوهی تلفیقی است از دانش و فناوری، هنر و سیاست و شناخت جامعه و بسیاری از تخصص های گوناگون دیگر و متخصصان آن قبل از دانشگاه، در بنگاه ها و سازمان ها و موسسات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی حضور دارند. معمولاً آینده پژوهان در خط اول نوآوری و تفکر عملیاتی و حرفه ای و تحلیل و ارزیابی و تصمیم سازی هستند و در بسیاری از موارد نمی توانند در انتظار تایید علمی نظریات و تحقیقات بنیادی و دانشگاهی باشند. آینده پژوهان می خواهند بدانند که کدام پدیده ها امکان پذیر هستند (آینده ی ممکن)، احتمال بروز کدام پدیده ها بیشتر است (آینده ی محتمل) و کدام پدیده ها باید رخ دهند (آینده ی مطلوب). یادمان باشد تصمیم گیری رویکردی آینده گرا است؛ رویکردی که به شدت نیازمند آفرینش تصویرهایی از آینده های ممکن و گزینش مناسب ترین آینده است. بر همین قیاس، انسان ها، خواه به تنهایی و خواه در چارچوب سازمان ها و نهادهای سیاسی و اجتماعی، نوعی نظام تصمیم گیری ارزش بنیان هستند. آینده پژوهی نیازمند نوآوری و درک و خلاقیت و فهم از آینده و داشتن جسارت برای تغییر و تحولات و ایده سازی و تصویر سازی است و نمی تواند در تارو پود تعاریف و روش ها و چارچوب های خشک و غیر قابل انعطاف گرفتار شود. آینده پژوهی در مواردی با حدس و گمان و سناریو سازی و با عدم اطمینان روبروست و نمی تواند دلایل علمی و متقن و تجربه شده علمی ارائه نماید. آینده پژوهی می کوشد یافته ها و اظهاراتش تا حد ممکن متقن و موجه و روشمند باشد، اما گاه نمی تواند تصورات محتمل از آینده را اثبات نماید. مطالعه و بررسی آینده و گزینش مطلوب ترین آینده برای همه ما اهمیت دارد. آرمان آینده پژوهی کشف آینده های محتمل، گزینش بهترین و در صورت امکان معماری آن است.

بسیاری از حوادث و رویدادهای آینده قابل پیش بینی هستند. رویکردهای آینده پژوهانه، امکان کنش گری در رخدادهای آینده را فراهم می سازند.

اهمیت پیش بینی

محل کار، بدلیل حجم جمعیت مراجعه کننده به مترو دقیق نبوده است و برنامه ما با تاخیر روبرو شده است. پس، فردا نگرانی در این جدول تعداد مراجعین به مترو می باشد که می تواند برنامه ما را با اختلال روبرو سازد. اگر اطلاعات بیرونی از وقایع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و اقتصادی را به این جدول بیافزاییم، ممکن است در اجرای برنامه تغییراتی حاصل شود. برای مثال اخبار شب رادیو و تلویزیون از اعتصاب عمومی کارمندان مترو خبر می دهد و نگرانی شما از به هم خوردن زمان برنامه حضور و سفر درون شهری با مترو افزایش می یابد. به عبارت بهتر، اکنون پیش بینی دقیق تری از برنامه های در پیش رو و فعالیت های فردا صبح خود بعمل می آوریم. جدول های برنامه و پیش بینی در زندگی روزمره ما غالباً به صورت نوشتاری در نمی آید و بصورت الگوی عادات رفتاری اجرا می شود. به همین دلیل هنگامی که در یک روز بارانی برای سوار شدن به تاکسی و حضور در محل کار به خیابان می آییم و متوجه می شویم بر خلاف عادات سابق از تا کسی های همیشگی خبری نیست و خیابان به دلیل باران از ترافیک سنگین برخوردار شده و نظم رفت و آمد شهری به هم خورده است، نگران می شویم. عادت رفتاری در سوار شدن به تاکسی و حضور در محل کار موجب عدم پیش بینی وضع هوا در برنامه شده است و در تغییر برنامه ها دچار غفلت شده ایم. اما خانم یا آقای کارمند مثالی، با استفاده از کسب خبر تغییرات آب و هوای فردا صبح، با پیش بینی قبلی توانسته اند به موقع و با وسیله ی لازم و در زمان مناسب و دقیق به محل کار خود برسند.

اگر اطلاعاتی در مورد وضع آب و هوا وجود نداشت، مجبور بودیم به حدس و گمان بپردازیم و بر اساس حضور در فصل تابستان یا زمستان در مورد امکان بارندگی و تغییر برنامه ها، گمانه زنی کنیم. جدول دومی، که با آن رو برو می شویم، جدول حدس ها و گمان هایی است که به دلیل عدم اطلاع از وقایع آینده در ذهن ما وجود دارد و میتوان آن را بصورت نوشتاری تنظیم نمود. جدول برنامه ها و زمان و جدول حدس ها و گمان ها با جدول سومی از درس ها و تجربیات گذشته کامل می شود که در آن رویدادهای گذشته با نقد و تحلیل گذشته بصورت یک منبع راهنما عمل می کند. برای مثال کشاورزی که در گذشته تجربه یک بذر بی حاصل را داشته است در جدول تجربیات گذشته خود آن را ثبت کرده و دارای نقد و تحلیل از آن بذر میباشد. جدولی که ممکن است هیچوقت بصورت نوشتاری در نیآورده است. جدول مهم چهارمی هم وجود دارد که جدول راهکارهای ممکن و انتظارات افراد برای رسیدن

برخی معتقدند که آینده پژوهی با پیش بینی آغاز می شود. ما در زندگی روزمره بصورت مداوم برای انجام کارهای مان نیازمند پیش بینی هستیم. خانم و یا آقای کارمندی، بعد از ظهر که از محل کار خویش عازم منزل می باشد، بر اساس پیش بینی، وضعیت ترافیک و هزینه حمل و نقل و مدت زمانی که صرف جابجایی خواهد شد، مسیر خود به سوی منزل را انتخاب می کند. ایشان از بازار نزدیک منزل، مواد غذایی لازم برای تهیه شام را پیش بینی و خریداری می نماید. احتمال دارد با پیش بینی احتمال حضور میهمانان ناخوانده، نسبت به تهیه مواد غذایی برای پذیرایی از میهمانان نیز فکری اندیشیده باشد. قبل از رسیدن به منزل پیش بینی می نماید که همسرش و بچه ها بر اساس روال گذشته چگونه به استقبال وی خواهند رفت و شاید برای کودک خردسال خویش نیز هدیه ای کوچک تهیه نماید تا در هنگام ورود به منزل و استقبال از او به کودک خردسالش اهداء نماید. او صبح همان روز، قبل از خروج از منزل با پیش بینی وضع هوا و هزینه های روزمره و با پیش بینی کارهای خویش، پول لازم برای مخارج بعد از ظهر را تامین نموده است. به این ترتیب، هر یک از ما، به نوبه خود در زندگی روزمره، نیازمند تفکر و تامل و پیش بینی نیازها و اعمال و فعالیت هایی هستیم که در آینده نزدیک با آن رو برو می شویم. در بخشی از کارها و فعالیت های زندگی، پیش بینی ها، بر اساس رویدادهای مداوم و عادات و برنامه های ثابت که بصورت روزانه انجام می دهیم، آسان تر و اصلاح پذیر تر می شود، تا آنجا که می توانیم جدول زمانی دقیقی از برنامه های خود، تنظیم و پیش بینی نمائیم. جداول پیش بینی شامل زمان وقوع رویداد پیش بینی شده و ابزارها و امکانات لازم است. برای مثال جدول برنامه فردا خانم و یا آقای کارمند مثالی ما، شامل زمان خروج از منزل، زمان ورود قطار مترو به ایستگاه، زمان حضور در محل کار، زمان مراجعه ارباب رجوع، زمان کار، زمان نماز ظهر و زمان بازگشت به منزل، زمان ورود قطار مترو، زمان حضور در بازار، زمان خرید و زمان حضور در منزل است. این جدول از دو ستون برنامه و زمان تشکیل شده است و می تواند ستون های دیگری شامل منابع، برآورد، نیازها، ابزارها، همکاران و دستور العمل ها و شرایط نیز داشته باشد. می توان گفت که تنظیم جدول برنامه اولین اقدام برای پیش بینی کارها و فعالیت ها در آینده نزدیک است. اگر در ستون هایی از جدول مذکور، ستون انتظارات، امیدها و نگرانی ها را بیافزاییم، می توانیم به مرور زمان جدول را تحلیل کنیم. برای مثال انتظار من از زمان حضور قطار مترو و زمان حضور در

قابل مشاهده و استفاده هستند. موضوعاتی مانند محیط زیست ، جنگ ها، بهداشت ، تجارت ، توسعه ، اقتصاد و فناوری پارادایم ها و چارچوب های نظری وجود دارند و آینده پژوهان نیز با تکیه بر یکی از این تئوری ها، نتیجه گیری و اعلام نظر می نمایند. همچنین آینده نگری بسیار متأثر از ظهور و افول ارزش های انسانی و تمایلات مردم آن عصر است. چرا که در آینده پژوهی تصمیم و عزم و تصور عمومی از آینده که متأثر از تمایلات و ارزش های عمومی مردم آن عصر می باشد تاثیر گذار است و گاه باید ارزش ها و تمایلات غالب و رایج مردم در دوره های زمانی آینده را پیش بینی کنیم تا بتوانیم تحولات آینده را پیش بینی نمائیم. برای نمونه جداول ساده مورد نظر را ترسیم می کنیم:

جدول درس ها و تجربیات

درس ها و تجربیات	
وقایع و رویدادها	
وقایع و رویدادها	
وقایع و رویدادها	
وقایع و رویدادها	

جدول مسائل و راهکارها

راهکارها	
مسائل	
مسائل	
مسائل	
مسائل	

جدول پیش بینی برنامه ها و زمان

نگرانی ها	انتظارات	دستورالعمل ها	همکاران	منابع	زمان	
						برنامه ها
						برنامه ها
						برنامه ها

جدول احتمالات (حدس ها و گمان ها)

حدس و گمان ها	
تحولات و تغییرات	
تحولات و تغییرات	
تحولات و تغییرات	

جدول دسته بندی علائم

روندها	پیام ها	علائم	
			اطلاعات دریافتی
			اطلاعات دریافتی
			اطلاعات دریافتی
			اطلاعات دریافتی

در آینده نگری از ترسیم جداول و تنظیم اطلاعات و تجربیات و دسته بندی آنها بسیار استفاده می شود. جداول می توانند بموقع ما را در تحلیل و نتیجه گیری یاری رسانند. موسسات بزرگی در دنیا فعالیت می نمایند که فقط خروجی کار آنها در قالب جداول تغییرات و تحلیل آن است و مراجعه کنندگان زیادی دارد.

هنر فکر کردن به آینده

شما برای فکر کردن به آینده می توانید فرسنگ ها راه دور را طی کنید . اما این راه را نمی توانید بدون تمرکز کردن دنبال نمایید . برای دستیابی به آینده بایستی بر موضوعی واحد تمرکز کنید و آنرا در آینده ببینید . برای دیدن آینده لازم است بانک اطلاعات گسترده ای که نزد شماست (تحقیقات موجود، کتابخانه ها ، اینترنت و ...) را حول و حوش موضوعی که به آن علاقمند هستید منظم نمایید . به آینده فکر کردن بر خلاف عالم خواب و رویا و اوهام زدگی، به روشنایی ، بیداری، تمرکز و دقت حواس و نکته بینی نیاز دارد. همه ما عادت کرده ایم این کلمه یا جمله را بکار ببریم : من فکر می کنم یا در حال فکر کردن بودم و یا به نظرم می رسد ... (و جملات نظیر آن). واقعیت اینست که در اکثر مواردی که ما این کلمات یا جمله ها را بکار می بریم در حال فکر کردن نیستیم بلکه در حال رویا یا خواب زدگی و وهم زدگی و ذهن پریشی هستیم . فکر کردن بر خلاف تصور ما هنگامی اتفاق می افتد که ما دقیقا بر روی موضوعی متمرکز شده و ابعاد و اجزاء آن را تحلیل می کنیم. آیا در حال دیدن یک فیلم یا خواندن یک روزنامه و یا خواندن یک کتاب و یا در حال رانندگی در حال فکر کردن هستیم؟ خیر. فقط صحنه ها و افکار و رویا ها و تصورات در مقابل ما با شتاب عبور می کنند و حواس ما را به بازی می گیرند. بر خلاف فکر کردن، هنگامی که حواس ما به بازی گرفته می شود خسته و سست و دارای مشغله ذهنی می شویم . اما فکر کردن واقعی، نه تنها خستگی و مشغله ذهنی ایجاد نمی کند، بلکه سرشار از انرژی است و به جریان سازی ذهن و بیداری و هشیاری می انجامد. پس در اکثر موارد مفهوم غلطی از فکر کردن را بجای فکر کردن واقعی بکار می بریم و روش های اشتباهی نیز برای فکر کردن داریم. خانم ها از جمله اشخاص هستند که استعداد زیادی برای ایجاد مشغله ذهنی برای خود و دیگران دارند و به آن فکر کردن می گویند. در حالیکه افکار آنان در بسیاری از موارد غیر متمرکز، سرشار از رویاها و تصورات پراکنده، غیر قابل کنترل است و جز خستگی و سستی و گرفتاری و شلوغی ذهنی برای آنان چیزی به ارمغان نمی گذارد ، به همین دلیل پریشانی فکر، عمل در خور تقدیری نیست، مگر که فکر کردن واقعی و اساسی باشد و با آرامش ذهنی و تمرکز و استدلال و تجزیه و تحلیل روشن بینانه همراه باشد.

آینده نگری نیز می تواند با پریشانی فکر صورت گیرد و نتیجه ای جز مشغله ذهنی به بار نیاورد . در آینده نگری بایستی اطلاعات موجود را بر روی موضوعی واحد، متمرکز و مورد مطالعه و بررسی قرار داد. در هر بار مطالعه موضوعات جدید ، ایده ها و جرقه هایی از فکر و اندیشه در ذهن متبلور می شود که قابل یادداشت برداری و ثبت است اما قابل استناد نیست . اگر در بررسی موضوعات و مطالب ، جرقه ها و ایده پردازی ها شکل نگیرد شما هنوز قدرت تخیل خود را به خوبی بکار نرفته اید . قدرت تخیل با وهم زدگی و پریشان احوالی متفاوت است ، قدرت تخیل بایستی سازنده، مثبت ، امید بخش و موجب آرامش روانی شود. در حالیکه اوهام زدگی و پریشان احوال ، نوعی تخیل منفی، غیر سازنده و نا امیدکننده است . در قدرت تخیل، نوآوری و خلاقیت بروز می یابد و ایده ها و جرقه های فکری یکی پس از دیگری زده می شود.



دانشجویان جوان، بسیاری از موضوعات را رودررو، بازسازی و فرآیندهای آن را تجزیه و تحلیل نمایند.

بزرگترین مشکلی که دانشجویان جوان با آن روبرو هستند عدم آگاهی و عدم داشتن اطلاعات نیست، امروزه با وجود بانک ها و منابع اطلاعاتی در دسترس بازم تحقیقات دانشجویی ضعیف و کم مایه است، بزرگترین مشکل دانشجویان جوان در درس روش تحقیق خطاهای انسانی و خطاهای روشی است آنچه با عنوان هنر فکر کردن از آن یاد کردیم. عبور از اوهام و مشغله ذهنی به سمت تصورات خلاق و جریان سازی ذهن در بیداری و هوشیاری و عبور از خطاهای انسانی در تفکر، لازم است. برخلاف تصور برخی افراد آینده نگری با آزاداندیشی متفاوت است. آزاداندیشی نوعی شعار فریبنده است که به نوعی سرگرمی فکری شباهت دارد، مانند کسانی که با حل جداول مختلف میخواهند قدرت تفکر و اندیشه خود را آشکار نمایند.

آینده نگری نیازمند انعطاف فکری است، اما نه به مفهوم اینکه ذهن را آزاد بگذاریم از هر دری سخنی را بشنود و گلی را بچیند. بلکه آینده پژوهی به سخت گیری در انتخاب و گزینش اطلاعات و حذف اوهام و حذف افکار مشغله ساز، نیاز دارد. دنیای امروز ما سرشار از اطلاعات و افکار مشغله ساز است و موجب سردر گمی انسان ها شده است. ساعت تماشای تلویزیون و ماهواره و رادیو و خواندن صفحات زیاد روزنامه جز ذهن های پر مشغله و خسته رمقی برای انسان های عصر حاضر نگذاشته است. آینده نگری به گزینش و انتخاب اطلاعات و حشو زواید نیاز دارد. کنار گذاشتن اطلاعات بی شماری که ممکن است در جای خود مثبت و ارزشمند باشند اما موجب مشغله ذهن می شوند.

آینده نگری به چشمان تیز بین و ذهن های روشن نیاز دارد. بسیاری از موسسات مطالعاتی و آینده پژوهی جز ائتلاف فکر و اندیشه و وقت دستاوردی ندارند. چرا که روش های فکر کردن به آینده را تجربه نکرده اند. علاقه کافی نیست، جمع آوری اطلاعات و دانش کافی نیست، آینده پژوهی نیازمند تمرین های ذهنی و تقویت تمرکز و دوری از خطاهای انسانی در تفکر است. در آینده پژوهی به تصورات خلاق نیاز داریم که در افکار مشوش و غیر فرهیخته شکل نمی گیرد.

تفکر آینده با یک جمله کوتاه آغاز می شود " مسئله و مشکل آینده چیست؟" سپس کنار گذاشتن هیجان های کاذب و تبلیغات و دوری از سرو صداهای دروغین عامیانه رسانه ای و حذف و حشو زواید اطلاعات موجود و گزینش اطلاعات صحیح و آنگاه ایده ها و چرخه های فکری و ثبت آنها و تجزیه و تحلیل منطقی و بدست آوردن فرضیه های اولیه و بعد از آن قرار دادن موضوع در چرخه تفکر، شامل مطالعه بیشتر و بکارگیری روش های آینده پژوهی، مطالعه روند ها و فرایندها و مدل سازی و... مجدد، برون نگری و تکمیل دانش و تکمیل اطلاعات ذهن و قرار دادن اندیشه های کوچک در کنار یکدیگر برای درک آینده ای که رخ خواهد نمود.

در این مسیر بتدریج جایگاه عقل آشکار می شود. پس از ثبت ایده ها و یاد داشت ها، تجزیه و تحلیل منطقی ایده ها و جرقه های فکری آغاز می شود و عقل منطقی از کنار هم گذاشتن آنها، تحلیل و فرض های اولیه ای را پیشنهاد می نماید. این فرض ها یا فرضیه ها، نقطه آغاز حرکت ما در آینده پژوهی خواهد بود.

بدین ترتیب جریان ذهنی، شامل تصورات، احساسات، اطلاعات، به سادگی در مسیر منطقی قرار می گیرد و به شکل فرضیات اولیه برای بررسی و مطالعه بعدی آماده می شود. از آنجا که تصورات و عملیات ذهنی با احساسات و انگیزه ها و آمال و آرزوها و خواسته ها و ارزش های ما گره خورده است، آینده پژوهان بایستی مردمانی دارای اخلاق و ارزش ها و احساسات و انگیزه ها و آمال و آرزوهای راستین باشند و سطح فرهیختگی آنان از سطوح افراد مادی، خود بین و خود اندیش و منفعت طلب گذر کرده و به ارزش ها و آمال و آرزوهای انسان دوستانه و الهی نزدیک شده باشد. وجود آینده پژوهان بایستی از تصورات و خواسته ها و آرزوها و نفرت های کوتاه بینانه و ناخود آگاه خالی شده باشد تا روح و اندیشه آنان امکان تبلور و عملیات ذهنی اصیل و اساسی و آگاهانه را داشته باشد. بر خلاف روش های معمول فکر، آینده نگری به جای درون نگری به اطلاعات تکمیلی و برون نگری نیاز دارد. درست در لحظه ای که اطلاعات و فرضیه های درون شما را اشغال کرده است شما به پرتوهایی از هوشیاری در بیرون خود نیاز دارید. برای دستیابی به این پرتوهای آگاهی و هوشیاری در بیرون خود، بایستی تلاش نمائید. با نرمش پذیری و انعطاف فکری، روح و عقل خود را برای افکار بیرون از خود آماده سازید. این امر به مفهوم این نیست که آنچه در بیرون خود وجود دارد بر آنچه در درون قرار دارد اولویت دارد، این مرحله فرصتی است برای اینکه آنچه بدست آورده اید را کامل ندانید و تلاش دیگری برای آنچه ممکن است از دید شما پنهان مانده باشد انجام دهید. آینده پژوهان اندیشمندان بزرگی نیستند و قرار نیست مشکلات همیشگی بشریت را حل نمایند، بلکه انسان هایی هستند که یاد گرفته اند چگونه اندیشه های کوچک خود را برای یافتن پاسخ های آینده جمع بندی نمایند.

توانایی آینده پژوهان به قدرت ذهنی و نظم فکری آنها در جریان سازی فکر ارتباط دارد. آنها مجبورند بینش و بصیرت وجودی خود را تقویت نمایند و به موضوعات و مباحث و مطالب و اطلاعاتی توجه کنند که دیگران به آنها نپرداخته و یا آنها را نادیده گرفته اند. آینده پژوهان گاه مجبورند مانند کودکان، جریان و موضوعات روبروی خود را تقلید و بازسازی نمایند تا بتوانند آنها را درک کنند، تقلید و مدل سازی از آنچه قبلاً روی داده است، موجب می شود نکات پنهان و دلایل و انگیزه ها و روش ها و میدان عمل موضوعات آشکار شود. در درس روش تحقیق اساتید از دانشجو می خواهند که انجام یک تحقیق را تقلید و بازسازی نمایند نه بدان دلیل که از تحقیق دانشجویی، انتظار نتیجه گیری دارند، بلکه بدان دلیل که این تقلید موجب آشکار شدن روش ها و شناخت میدان عمل می شود. آینده پژوهان مجبورند مانند

فهم درست آینده

برای تشخیص سره از ناسره در مورد پیش بینی های آینده نیازمند داشتن مرجع یا مراجع تشخیص هستیم، مهمترین مرجع، موسسات معتبر آینده پژوهی هستند. پیش بینی اشخاص، افراد حقیقی، کارشناسان و عوامل ذیربط در حالیکه ممکن است به ظاهر چشم گیر و جذاب باشد دلیل عدم امکان راست آزمایی، ارزش آینده پژوهی ندارد و موجب سردرگمی تصمیم گیرندگان می شود. بدین منظور لازم است موسسات آینده پژوهی تشکیل و در گذر زمان بتدریج اعتبار مطالعات آینده نگرانه آنها آشکار شود. موسسات معتبر برای ارائه نظرات و پیش بینی آینده مجبورند دقت های لازم را در چارچوب های مفهومی، استاندارد های تخصصی و خطوط راهنما بعمل آورند. فرصت ها و موفقیت ها و منافع آینده متاثر از روش و شیوه صحیح آینده پژوهی است و گرنه بایستی منتظر شکست ها و ضرر و زیان های فراوان باشیم. موسسات معتبر آینده پژوهی مجبورند برای پیش بینی و فهم درست آینده از محیط کنونی، اطلاعات دقیق داشته باشند.

بدون تردید محیط آینده بسیار متفاوت خواهد بود، اما شناخت محیط کنونی و عواملی که موجب حدوث آن شده است، فرآیند ها و الگوهای تغییر را آشکار می سازد و ممکن است تحولات آینده نیز بر مبنای این فرآیند ها و الگو ها به وقوع بپیوندند. از سوی دیگر اطلاع از فن آوری های نوین، تغییرات محیطی و شناخت عوامل تغییر، می تواند پیش بینی های ما را متناسب تر نماید. برای پیش بینی آینده لازم است روند کلیه تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تجاری و علمی مورد بررسی قرار گیرد و آمارها و جداول منتشر شده دستگاه ها و سازمان های معتبر در عرصه عمومی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

موسسات آینده پژوهی به مراکز معتبر اطلاعات و داده های تخصصی وابسته اند و معمولاً مراکز ارائه دهنده پژوهش های آماری بخش بزرگ نتایج کار خود را به موسسات آینده پژوهی منتقل و بخشی کوچکی را عرضه عمومی و رسانه ای می نمایند. گاه رسانه ها می توانند بخشی از مواد اولیه و منابع اطلاعاتی را برای موسسات آینده پژوهی فراهم سازند اما بدون تردید بخش بزرگی از اطلاعات منتشر شده رسانه ها در افکار عمومی مخدوش و ناقص است و می تواند موجب گمراهی موسسات آینده پژوهی شود. موسسات آینده پژوهی مجبورند با حوزه کارشناسان ارشد و متخصصان در بخش های مختلف، در تماس مداوم باشند و یافته های اولیه را برای تجزیه و تحلیل و تشخیص سره از ناسره، در اختیار اعضاء زبده و همکار در اتاق فکرهای آینده پژوهی قرار دهند. به همین دلیل موسسات آینده پژوهی هر چقدر با موضوعات اختصاصی روبرو باشند، بهتر می توانند عمل نمایند، نسبت به هنگامیکه حیطه کار آینده پژوهی خود را به همه ی موضوعات گسترش می دهند. در نتیجه موسسات آینده پژوهی در حالیکه از کلیه تخصص های علمی بهره می گیرند وظیفه خودشان را به یک موضوع تخصصی محدود می نمایند. موسسات آینده پژوهی که طیف گسترده ای از موضوعات را همزمان پوشش می دهند، نمی توانند از دقت نظر و عمل لازم برخوردار باشند و نتیجه پیش بینی های آنها ضعیف و با اشتباهات حیرت انگیزی مخدوش می شود. برای فهم درست آینده بایستی نتایج و پیش بینی های حاصل از فعالیت موسسات معتبر آینده پژوهی را به خرد جمعی سپرد و بخشی از متخصصان و کارشناسان زبده در مورد احتمال وقوع پیش بینی انجام شده با روش بررسی و تخمین روند و تجزیه و تحلیل اظهار نظر نمایند که به آن پالایش پیش بینی گفته می شود.



آینده نگری بعنوان فرایندی پویا

جریان حرکت های اجتماعی
جریان حرکت های نظامی
جریان حرکت های فرهنگی
....

جهان آینده، نتیجه جریان ها و حرکت ها و نیروهای مختلف و گوناگونی است که بصورت متعامل عمل می نمایند و اراده تغییر و دستیابی به اهداف را در سر می پروراند. این جریان ها و حرکت ها هر گاه پیوند زنده، سازمان دهی شده، هوشیار و هماهنگ با هم شوند، سرعت تحولات را افزایش خواهند داد. آینده جهان امروز با مفاهیمی همچون جهانی سازی، اقتصاد بدون مرز، فدرالیسم جهانی، نوآوری های فناوری، ارتباطات جهانی، مقررات بین المللی، تجارت جهانی، مهاجرت، سلطه مصرف کننده، بحران های اجتماعی، کاهش قدرت دولت های ملی، توانایی نظامی هوشمند، ایده های نو، ... گره خورده است و هر یک از این مفاهیم بصورت جریان های قوی و موثر برای شکل دادن به آینده در حرکت است. در هر آینده ای تعدادی برنده و تعدادی بازنده خواهند بود و بدون تردید برندگان آینده کسانی هستند که به آینده اندیشیده و در شکل دادن به آینده موثر بوده اند.

برندگان آینده توانسته اند پدیده های گسترده و در حال جریان را شناسایی و مدیریت نمایند. پدیده ها، همان جریان حرکت های متنوع نام برده می باشند، که پشت مرزهای ملی توقف نکرده و بصورت بین المللی همه کشورها را تحت تاثیر قرار میدهد.

آینده بصورت فرامرزی و فرا ملی اتفاق می افتد و از مرزهای قرار دادی عبور می نماید. به همین دلیل کشورها برای شناخت آینده نمی توانند فقط به پدیده ها و جریان حرکت های داخلی و درون زا بیندیشند بلکه بسیاری از تغییرات نتیجه عوامل برون زا خواهد بود.

اگر آینده را متأثر از شانس و اقبال و سرنوشت ندانیم، آینده می تواند فرایندی پویا باشد، برنامه ریزی شده، مشارکت خیز، و جهت دار که افراد، سازمان ها، دولت ها و ... به دلایل و اهداف داخلی آنرا اختیار می نمایند. از این منظر آینده شکل دادن به خواسته ها و آرزوها و برنامه ها و اهداف تصور شده و برنامه ریزی شده است. بنظر می رسد نزدیک به دو قرن است که ملت های اروپایی و غربی این مفهوم از آینده را پذیرفته و آنرا دنبال می نمایند. بدین ترتیب آینده روش جدیدی برای تفکر پیرامون چگونگی دستیابی به موضوعات و اهداف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، تجاری و علمی است.

آینده جهان امروز به شدت تحت تاثیر اهداف و برنامه ها و فعالیت های کشورهای پیشرفته، دولت ها و سرمایه داران و اتاق های فکر و نخبگان و اندیشمندان و شرکت ها و موسسات بزرگ تجاری است. پیش بینی آینده در واقع مفهومی ساده از شناخت افکار و آراء و اهداف و برنامه های این نوع عوامل و عناصر اثر گذار بر زندگی بشر است. آینده نگری را باید در مفهومی فراملی و جهانی مورد بررسی قرار داد و اثر تحولات جهانی را در منظر ملی و داخلی تحلیل نمود. آینده نگری شناخت فرایندها و جریان های جهانی در همه ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و تجاری و علمی و فناوری و .. است.

برآیند حاصل از جریان ها و نیروهای موثر بر آینده بصورت کنش و واکنش بر تحولات جهان اثر می گذارند و فشار زیادی را برای جهت دادن به تحولات جهان اعمال می نمایند. دانش و فناوری های نوین و منافع سیاستمداران و دولتمردان و سرمایه داران بیش از بقیه عوامل بر تحولات آینده اثر گذار می باشد.

جریان حرکت های فناورانه

جریان حرکت های اقتصادی و سرمایه

جریان حرکت های نیروی انسانی و کار

جریان حرکت های سیاسی

پالایش پیش بینی

افراد ومؤسسات دست اندرکار است. مؤسسات معتبر آینده پژوهی از طریق دستیابی بر نتایج و نمونه برداری های آماری تا حدودی می توانند پیش بینی ها را دقیق و معتبر سازند.

در بسیاری از موارد، افراد و مؤسسات آینده پژوهی نا معتبر، فقط وسیله تبلیغات و بزرگ نمایی برای تحت تاثیر قرار دادن توزیع کنندگان بودجه و سرمایه هستند و نتایج کار آنها اغلب پیش بینی های ویرایش نشده و مبهم و شایعه ساز است و متأسفانه بخشی از رسانه های جهان در کشورهای مختلف از این روش ها و نتایج آن بهره گیری می نمایند. به همین دلیل، لازم است حکومت ها و دولت ها و دستگاه ها و سازمان های هر کشور، مؤسسات آینده پژوهی معتبر و تخصصی مورد وثوق داشته باشند تا در طول زمان در دام پیش بینی های غیر معتبر آینده نگرانه قرار نگیرند.

برای فهم درست آینده بایستی پارادایم ها و مفروضات هر دوره زمانی را بخوبی بشناسیم. چرا که این پارادایم ها بر نتایج کار پیش بینی موثرند. پارادایم ها می توانند در تولید و پالایش اندیشه، ما را یاری رسانند. گاهی اوقات یک پارادایم عمومی و سنتی موجب رکود فکری در یک حوزه می شود و با شکستن آن پارادایم مسیر تحولات جدید باز می شود. پارادایم صاف بودن سطح زمین نسبت به کروی بودن زمین، پس از بی اعتبار شدن موجب وقوع تحولات گسترده بعدی در علوم و فنون و جغرافیا و سیاست شد.

برای فهم درست آینده بایستی از الگوهای معتبر فکری برای تجزیه و تحلیل و پیش بینی استفاده نمائیم. به همین منظور مؤسسات آینده پژوهی بایستی الگوهای دستیابی به نتیجه را برای سفارش دهندگان منتشر سازند. نقش مردم در پذیرش و یا عدم پذیرش تحولات و تغییرات را نمی توان نادیده گرفت. گاه پیش بینی های مؤسسات معتبر آینده پژوهی به دلیل عدم توجه به مردم و شناخت ارزش ها و افکار و آراء آنها موجب شکست پیش بینی ها شده است.

اشتباهاتی که بسیار از مؤسسات آینده پژوهی در مورد انقلاب اسلامی ایران نمودند عدم توجه به مردم مسلمان ایران و عدم و شناخت ارزش ها و آراء دینی و باورهای متعالی آنان

پیش بینی های آینده در سه حوزه زمانی کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت قرار می گیرد و پیش بینی بلند مدت نمی تواند بیش از یک دوره ۱۰ ساله تا ۲۰ ساله را پوشش دهد، پیش بینی هایی که دوران زمانی پیش از ۲۵ سال را هدف قرار می دهند از سطح پالایش و اعتبار سنجی خارج می شوند و امکان ارزیابی آنان عملاً امکان پذیر نخواهد بود.

برای پیش بینی آینده باید عوامل و بازیگران اثر گذار بر آینده و اهداف آنها را شناسایی و مورد بررسی قرار داد. عوامل اثر گذار می توانند متغیرهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، تجاری و علمی ... باشند. امروزه کلیه سازمان ها و دستگاه ها برای دستیابی به اهداف، از برنامه ریزی های دقیق کمک می گیرند و مؤسسات آینده پژوهی با اطلاع از برنامه ریزی های انجام شده، احتمال وقوع تغییرات و تحولات را پیش بینی می نمایند.

گاه پیش بینی ها برای اثر گذاری بر آینده منتشر می شوند و انتشار نتایج آن در راستای جلب همکاری و مشارکت دیگر



پیش بینی ها از الگویی منطقی برای تجزیه و تحلیل پیروی می کنند و معمولاً این الگوها از چارچوبی سیستمی و نظام مند برخوردارند. در این چارچوب سیستمی می توان سناریو های مختلف را طراحی و پیشنهاد نمود. بدیهی است اگر الگو و چارچوب سیستمی صحیح طراحی شده باشد، یکی از سناریو های پیشنهاد شده، نوعی آینده جایگزین خواهد بود. در سناریو ها امکان پاسخگویی سازمان ها وجود دارد و نقش افراد و دستگاه ها و سازمان ها در شکل دادن به آینده مورد توجه قرار می گیرد. هر عمل و تصمیم ما در این سناریوها می تواند وضعیت آینده را دچار تغییر نماید.

برای درک درست آینده نباید جانبدارانه مطالعه کنیم، هدف آینده پژوه باید روشن باشد و بتواند تا حد ممکن، اطمینان از فعالیت های خود داشته باشد و از داده های معتبر و واقعی استفاده نماید. آینده دارای خطوط زمانی و سرعت دسترسی است و برای فهم صحیح آینده بایستی به این دو عامل توجه نمود و از افق فکری مناسب برای بررسی مسائل برخوردار بود. برای فهم آینده نیاز داریم به این موضوعات توجه کنیم:

بود. به همین منظور گاه پیش بینی در مورد تحولات فن آوری درست انجام شده است اما عدم توجه به کشش بازار و عقاید یا استقبال و عدم استقبال مردم از آن پدیده، موجب اشتباه در نتایج پیش بینی شده است.

موسسات آینده پژوهی برای فهم آینده به مقیاس و مقیاس سازی نیاز دارند و فهم آینده در چارچوب اندازه گیری و مقیاس های پیشنهادی قابل درک می شود. این مقیاس ها از اولویت های سیاسی تا اولویت های عمومی و بازار سرمایه و مصرف را می تواند در بر گیرد. اندازه گیری و مقیاس سازی، موجب تشخیص روند ها و الگو های مداوم تغییر است. مقیاس ها به ما کمک می کند تا عوامل پیش برنده و عوامل باز دارنده را از یکدیگر تفکیک کنیم. در هر روند و الگوی مداوم تغییر شاهد حضور هم زمان عوامل پیش برنده و عوامل بازدارنده هستیم و از تاثیر این دو بر یکدیگر، نتایج پیش بینی تغییر خواهد نمود. گاه موسسات آینده پژوهی با تشخیص عوامل پیش برنده و بازدارنده می تواند ورود عوامل تسهیل کننده را برای دستیابی به هدف پیشنهاد دهند و بر نتایج واقعی جریان تاثیر گذار باشند. سرعت تغییرات عنصر بسیار مهمی است که در پیش بینی ها اهمیت دارد.

- ۲۱- تغییر در نظریه های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی
- ۲۲- روند تحولات فراملیتی
- ۲۳- روند تحولات جمعیتی
- ۲۴- خط مشی های بقاء جمعی و فردی
- ۲۵- تغییرات در قدرت نظامی
- ۲۶- پیدایش نظریات نوین و گسترش دانش بشری
- ۲۷- نیاز های اساسی بشر در هر دوره
- ۲۸- مشکلات و چالش های فعلی جهان معاصر
- ۲۹- جنبش های اجتماعی
- ۳۰- شخصیت ها و افکار مهم جهانی

- ۱۱- تحولات فناوری ها
- ۱۲- منابع محدود و کاستی های بشر
- ۱۳- شناخت تحولات در آموزش و تربیت نیروی انسانی
- ۱۴- تحولات در شهرنشینی و رفاه
- ۱۵- درس های گرفته شده از تجربیات گذشته
- ۱۶- بررسی نتایج مطالعات و تحقیقات معتبر و جدید
- ۱۷- بررسی مداوم آمارها
- ۱۸- مطالعه بحران های اتفاق افتاده و آثار آن
- ۱۹- برنامه ها و عملکرد موسسات بزرگ
- ۲۰- روند تغییرات فرهنگی

- ۱- شناخت گذشته و روند تحولات آن
- ۲- شناخت دولت ها و سیاست های اداره کشورها و جهان
- ۳- مقررات و تصمیمات اتخاذ شده در مجامع رسمی جهان
- ۴- تحولات اقتصادی و تجاری جهان
- ۵- منابع ثروت و تغییرات حاصل از آن
- ۶- منابع قدرت و تغییرات حاصل از آن
- ۷- جریان های مهم و ایدئولوژیک
- ۸- تقاضاهای فرهنگی و اجتماعی مطرح در جهان
- ۹- تغییر در پارادایم های عمومی و روح زمانه
- ۱۰- تحولات در مدیریت و سازمان ها

- تشخیص مسائل و چالش ها
- شناخت زنجیره عوامل و متغیر های موثر
- چرخه تعاملات فکری با متخصصان
- منحنی یادگیری و ارائه پیشنهادات در خصوص منافع و خطرات
- تشخیص تاکتیک ها و استراتژی های رقیب و مکمل
- پیش بینی وقایع و پیامدها مطلوب و نامطلوب
- آینده نگری و تصمیم سازی

- آینده پژوهی از انباشت تجربه و جمع آوری و جمع بندی دانش و اطلاعات در یک زمینه خاص شروع می شود و در اثر بررسی فرآیند های در پیش رو، به مرحله شناخت زنجیره عوامل و متغیر های موثر می رسد و از طریق چرخه تعاملات اندیشه ای با متخصصان، به تدریج بصورت یک منحنی یادگیری نتایج حاصل از آن افزایش می یابد.
- انباشت تجربه و جمع آوری و جمع بندی دانش و اطلاعات - بررسی و تشخیص فرآیندها



آینده نگری در قلمرو و افق زمانی

آینده نگری در قلمرو و افق زمانی انجام می شود و معمولاً دوره زمانی میان مدت ۵ تا ۷ سال مورد بررسی قرار می گیرد. آینده پژوهان مجبورند ابتدا به تشریح مسائل و چالش ها و تحولات بپردازند و با بررسی و تحلیل سیاست های عناصر تاثیر گذار، آنگاه پیامدهای مطلوب و نامطلوب و اثرات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را گزارش نمایند. برای آینده پژوهی به نیروهای متخصص آموزش دیده، بانک های اطلاعاتی، ابزارهای و روش های اندازه گیری و تحلیل، انعطاف و سرعت عمل در مطالعه و تحقیق، استدلال منطقی، گزینش هدفمند، تشخیص برنامه ها و سیاست ها، همفکری متخصصان، مشورت با نخبگان مطلع، ردیابی نوآورها، بررسی پارادایم های ذهنی عمومی مردم، بررسی پارادایم های نوآوران، بررسی نیازهای آینده، اجتناب از عام زدگی رسانه ای، ... نیازمندیم.

امروزه کلیه دستگاه ها و سازمان ها و بنگاه های تولیدی و خدماتی طیف وسیعی از انواع فناوری های نوین و پیشرفته را بکار گرفته اند و صنایع از فناوری های پیچیده ای برای انجام کارهای معمول استفاده می نمایند. تولید کلیه محصولات و ارائه خدمات و عرضه و فروش و توزیع کالاها به فناوری متکی شده است و تشخیص فناوری مناسب و چگونگی بهره گیری مطلوب از آن و بررسی پیامدهای ناشی از آن و انتخاب فناوری پیشرفته، به تصمیم گیری عقلایی متناسب با ارزش ها و اهداف دستگاه یا سازمان مربوط نیاز دارد. فناوری، دانش و روش بکارگیری ابزارها برای دستیابی به مقاصد کاربردی بشر است و بخشی از آن سخت افزاری و بخش دیگر، دانش بکارگیری و روش های اجرایی است. نوآوری های فناوری بصورت تدریجی یا بنیادی، تغییرات و تاثیرات بسیاری بر محصولات، بازار، سرعت عمل، ظرفیت، کارایی و مشتریان سازمان ها و بنگاه ها می گذارد. تشخیص سمت و سوی تحولات و اظهار نظر تخصصی در دنبال کردن

مسیرهای متفاوت فناوری به آینده پژوهی نیاز دارد.

آینده پژوهی به سازمان ها و بنگاه ها کمک می کند تا از ایده ها و نوآوری های فنی مطلع شده و فرصت های تازه در ارائه محصولات و خدمات و حضور و پاسخگویی به نیازها و ماندگاری در مقابل رقبا داشته باشند. دوران پر تلاطم و متغیر تحولات فناوری، و سرعت بسیار، مدیران شرکت ها و موسسات و سازمان ها را به چالش کشیده است و فشار تحولات فناوری، امکان ایستادگی در مقابل رقبا آشنا به تحقیق و توسعه و آینده پژوهی را سخت تر نموده است. گفته اند نوآوری مشغله ای پر هزینه و پر مخاطره است و دستگاه ها و سازمان ها و بنگاه هایی که نوآور نباشند و یا از تحولات آینده مطلع نباشند، مجبورند شکست در آینده نزدیک را بپذیرند.

بررسی مسائل محیطی در زندگی شهری و روستایی، بررسی فناوری های نوین، بررسی برنامه های جهانی، منطقه ای، ملی، بررسی منابع اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، بررسی تحولات علمی و نوآوری های تکنولوژیک، آشنایی با تکنولوژی اطلاعات، ردیابی سیاست ها و برنامه های جهانی سازی، تشخیص منافع و برنامه های سرمایه داری و سرمایه داران بزرگ، اطلاع از دستورالعمل ها و مقررات و تصمیمات اتخاذ شده در مراکز جهانی، تصویر سازی کلی از تحولات در پیش رو... در آینده پژوهی و نتایج حاصل از آن بسیار اثر گذار است.

آینده پژوهان کوشش می کنند با ترسیم درخت ارتباط حوزه های اصلی مسائل را با شاخه های خرد و اثر گذار و مرتبط با آن نشان دهند و آنرا بصورت درخت تصمیم سازی به مدیران ارائه نمایند. از جمله نیازهای آینده پژوهان اطلاع از تصویر نسبی و احتمالی از فضای آینده است. آینده ای که برای مثال در کتاب شگفتی های اجتناب ناپذیر نوشته شوارتز در سال ۲۰۰۳ آمده است و امروزه بعد از یازده سال قابل ارزیابی است:

- | | |
|-------------------------------------------------------------|------------------------------------------------|
| - ظهور رسانه های نوین | - ظهور نظامی کاملاً جدید در سطح جهانی |
| - بکارگیری قدرت نرم در عرصه های سیاسی و نظامی | - خروج آمریکا از پایگاه های نظامی خارجی |
| - ناپایداری در صحنه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی | - افزایش توانمندی فناوریانه نظامی پیشرفته |
| جهان | - پی گیری اهداف جنگ ستارگان |
| - موج های عظیم مهاجرت | - آمریکا پلیس جهانی با فناوری بالا |
| - تغییر آب و هوا در سطح جهان | - هند بازیگر فعال عرصه جهانی |
| - افزایش سالخوردگان | - اختلافات قدیمی بین مسلمانان |
| - رشد اقتصادی چین | - فشار بر سازمان ملل برای حرکت در مسیر آرمانی |
| - تغییر در خرده فرهنگ های قومی | - گسترش القاعده و تروریسم |
| - تشکیل جوامع بزرگ مسلمان | - موج بنیاد گرایی اسلامی |
| - افزایش سطح عظیم بهره وری با استفاده از رایانه ها و انقلاب | - فشار برای جنگ میان مسیحیان و مسلمانان |
| ارتباطی | - رشد فزاینده ی قدرت محاسباتی و توان رایانه ها |
| - مهندسی مولکولی مواد جدید | - کنترل بر فرایندهای زیست شناختی |
| - فناوری های جدید انرژی | - انرژی، حمل و نقل، و آب نیازهای دنیای جدید |
| - ربات های دقیق | - جایگزینی انرژی های تجدید پذیر با سوخت فسیلی |
| - افزایش سرمایه گذاری در گردشگری | - قطارهای الکتریکی |
| - دسترسی به اینترنت با پهنای باند وسیع | - افزایش دمای کره زمین |
| - تبدیل ساختار ژئوپولیتیک جهانی به وضعیت فرهنگی | - و نمونه های آن ... |

اگر هر یک از موارد نمونه فوق، به ترتیب دیگری اتفاق بیافتد، جهان متفاوتی از آنچه تصویر سازی شده است بوجود خواهد آمد. آیا بشر می تواند آینده های پیش بینی شده را تغییر دهد؟ بله. بدون شک امکان تغییر تحولات آینده وجود دارد. بخش بسیاری از آنچه که در بالا ذکر شد، پیش بینی سیاست ها و برنامه های کلان هستند که توسط موثرترین افراد و نخبگان تصمیم ساز در کشورهای پیشرفته دنیا طراحی و به اجرا گذارده شده است. اشخاصی که در مراکز قدرت تصمیم سازی جهان حضور دارند و به هر دلیلی خود را برای شکل دادن به آینده بشریت محق و یا دارای منافع می دانند.



مولفه های آینده نگری

دسترسی مستقیم به اطلاعات و آمار دقیق و قابل اعتماد در بسیاری از موارد ممکن نیست و آینده پژوهان از نداشتن اطلاعات و آمار دقیق و همچنین نداشتن شاخص های مناسب برای اندازه گیری تحولات آینده رنج می کشند. برای آینده پژوهی نیازمند شناخت مولفه های موثر بر موضوع هستیم. برای مثال جریان های سرمایه داری و منابع سرمایه ای در اقتصاد یکی از مولفه های تحولات آینده محسوب میشوند.

همچنین تغییرات فناوری از مولفه های مهم تاثیر گذار بر تحولات آینده است، نرخ جابجایی افراد، سرمایه ها و عوامل تولید، کالاها و خدمات، نیز مولفه های دیگر آینده پژوهی می توانند باشند. جغرافیا بعنوان طبیعت اولیه و تعامل فضایی میان بنگاه های اقتصادی طبیعت ثانویه از دیگر مولفه ها محسوب می شوند. فرایند تراکمی در توسعه نیز مولفه آینده پژوهی محسوب می شود. شکاف های توسعه ای، روند های سیاستگذاری، تحرکات نیروی کار، سرمایه گذاری داخلی و خارجی، فرصت های جدید زندگی، اوضاع بازارهای جهانی، موقعیت در رقابت های بین المللی، رشد اقتصادی، رفاه عمومی، خدمات فرا مرزی، فقر، فضای فرهنگی و فکری جوامع، ساختارهای دولتی و غیر دولتی، تغییرات سیاسی، محرک های جهانی، تسلط و تفوق سیاسی و نظامی، جنبش های اجتماعی، روند فعالیت شرکت های چند ملیتی، تهدیدات محیط زیست، جریان های بومی، مهاجرت های قانونی و غیر قانونی، کالاهای حیاتی، نرخ تقاضا و مصرف کالاها و خدمات، بحران های سیاسی و اجتماعی، احساسات عمومی مردم، امنیت و ناامنی، فشارهای بین المللی، رضایت و نارضایتی عمومی، تصورات و افکار عمومی مردم، فرصت ها و چالش های نوین، اضطراب های عمومی، بحران ها، نوآوری ها و ابداعات و اختراعات، قدرت ارتباطات، توانایی شبکه حمل و نقل، بازارهای صادراتی، صنایع، تحولات جمعیتی، ائتلاف ها و اتحاد های سیاسی و نظامی، تحولات در محیط های نهادی، حاکمیت در سطح بین المللی، صلح جهانی، خشونت های سیاسی، گفتمان های جهان شمول، ایدئولوژی های فعال، اصلاحات ساختاری در کشورهای در حال توسعه و ... هر یک می تواند در موضوعات مختلف بعنوان مولفه های آینده پژوهی بکار گرفته شود.

گردآوری اطلاعات

می شوند. در مطالعه اکتشافی گشودن محورهای تفکر و وسعت بخشیدن به چشم اندازه‌ها و فرمول بندی مجدد پرسش آغازی انجام می شود و با تعریف داده های مناسب و جمع آوری آن مسیر میدان مطالعه و تحقیق با ابزارهای مشاهده و گرد آوری تکمیل می گردد.

بعد از جمع آوری اطلاعات مخزن مربوط نیازمند تنظیم و تحلیل است. تحلیل اطلاعات بر اساس الگوهای موجود یا الگوهای جدید انجام می شود. امور متضاد و خلاف جریان معمول و اطلاعات غیر عادی نیز قابل توجه و دقت می باشند و لازم است مجددا کنترل شوند. تشابه ها و تضادها می تواند به ما امکان تعمیم بخشی و تبیین دهد. پیوند دادن اطلاعات، مستلزم دقت نظر و شناخت و مهارت و ابتکار و خلاقیت می باشد. به این مرحله پردازش اطلاعات گویند. در واقع آماده کردن داده های خام برای انواع تحلیل ها را پردازش اطلاعات می گویند.

در پاره ای از اطلاعات جریان تحلیل به سادگی حاصل می شود، اما در پاره ای موارد نیز بدون اطلاع از الگوهای کلان، امکان تحلیل فراهم نمی شود.

برای تحلیل لازم است اطلاعات موجود کد گذاری و دسته بندی و تجزیه و ترکیب شود تا بصورت دسته های معنایی، آشکار و قابل استنتاج گردد. در این شرایط استفاده از داده های قبلی و تحلیل های سابق و یا مطالعه روندهای تاریخی می تواند محقق و آینده پژوه را بهتر راهنمایی نماید.

اگر داده ها با سئوالات و فرضیه های قبلی تطبیق داده شوند نتایج سریع تر حاصل خواهد شد.

رابطه بین ممتغیرهای مستقل یا محرک با متغیر وابسته و تحلیل آن ضروری است. در هر مورد به مقیاس ها و شاخص های متعددی نیاز داریم. فعالیت پیچیده ای که سنجش موضوعات به آن وابسته است.

ضرب المثلی است که می گوید اگر طالب چیزی هستی آنرا بخوبی جستجو کن. برای دستیابی به نتیجه، جستجو بایستی به روش صحیح انجام شود. سئوالات باید دقیق و بی ابهام و روشن باشند. پاسخگویان نیز باید بالقوه قادر به ارائه پاسخ صحیح باشند، در غیر اینصورت پاسخ ها نتیجه بخش نخواهد بود. مصاحبه یا پرسشنامه، پیمایش تلفنی و اینترنتی و مکتوب، حضوری و غیر حضوری هر یک روشی برای گرد آوری اطلاعات است.

آینده نگری به شدت نیازمند گرد آوری اطلاعات است و پاسخگویان بایستی ویژگی های لازم برای پژوهش آینده را داشته باشند. این ویژگی ها شامل اطلاع داشتن، تخصص، نخبگی، متخصص بودن، در جریان بودن و نمونه های آن است.

روش های آزمایشی و میدانی نیز می توانند مکمل جمع آوری اطلاعات باشند. حضور در محیط و مطالعه آینده پژوهانه بیش از همه موثر و کارساز خواهد بود. غلبه بر پیش داوری ها و ساختن پیش فرض ها و بررسی منطقی آنها و مقایسه با واقعیات عینی روش علمی محسوب





قدرت تبیین نظریه ها

سازمان ها و نهادها و یا برنامه ها ، مصنوعات و پدیده ها باشند. مجموعه ای از موردها که مطالعه خواهند شد. در طول تحقیق نبایستی واحد های تحلیل تغییر کنند و گزینه نتایج صحیح بدست نخواهد آمد. تمام مشاهدات بایستی به لحاظ محدوده و مقطع زمانی روشن باشد. مطالعات با کسب اطلاع از گذشته شروع می شود و با مرور وضعیت حال نتایجی برای پیش بینی آینده فراهم می آورد. برخلاف تحقیقات مقطعی که در زمان معینی صورت می گیرد، تحقیقات آینده پژوهی بیشتر مطالعات طولی هستند که یا بصورت روند پژوهی داده های مرتبط با یک موضوع را در فواصل زمانی مقایسه می کنند و یا بصورت دسته ای، داده های مربوط به موضوعات مشابه و گروهی از افراد را در گذشت زمان مرور می نمایند و یا بصورت نمونه ای، موضوعات و افراد معینی را در طول زمان بررسی می نمایند. در هر سه مورد اطلاعات و داده های پیوسته ای در باره افراد و گروه ها و موضوعات در طول زمان بررسی و تغییر و تحول آنها مورد مطالعه قرار می گیرد.

از ویژگی های عام مطالعات آینده می توانیم به مواردی اشاره کنیم: - جمع آوری شواهد پراکنده و دسته بندی آنها برای دستیابی به الگویی برای درک پیوستگی متغیرها - مطالعه واحد های اجتماعی و حوادث و وقایع و اخبار که معرف تحولات آینده هستند

- مفهوم سازی با استفاده از مفاهیم موجود و بررسی متغیرها - بکارگیری زبان منطقی و عقل - هر موضوع آینده پژوهی دارای طرح مطالعه (Research design) است. برنامه عمل برای رفتن از نقطه پرسش به نتیجه گیری های آتی. در این طرح پرسش های اولیه و اصلی با نحوه گردآوری داده ها و اطلاعات مشخص می شود. چه پرسش هایی مورد بررسی قرار می گیرند، چه داده هایی مناسب و مربوط اند؟، چگونه

داشتن نظریه های قدرتمند که بتوانند با تبیین و تحلیل صحیح واقعیت ها، برای پیش بینی آینده به ما یاری رسانند، در هر فعالیت علمی ضروری است. بدیهی است این درک از واقعیت ها نسبی و در بعدی از جهان موفقیت خواهد داشت. تبیین مشاهدات آشکار و پیش بینی های بدیع ، دو عامل موفقیت نظریه ها دانسته اند. بررسی واقعیت ها از طریق شواهد تجربی و تعبیر و تفسیر این واقعیت ها در کار تحقیق امری ضروری است. واقعیت ها در سه حوزه گذشته ، حال و آینده قرار دارند. مطالعه گذشته بعنوان تاریخ و مطالعه واقعیت های امروز، به ما در فهم ساز و کار آینده کمک می کند. به همین دلیل روشن بودن محدوده زمانی هر تحقیق اهمیت دارد. مطالعه فرایندها، نهادها، قواعد و مقررات، ساختارها و تغییرات آنها در محدوده های زمانی، نیازمند داشتن نظریه های تبیینی قدرتمند است. معمولاً محققان تلاش می نمایند نظریه ای مرتبط ، انتخاب و برای تبیین از آن استفاده نمایند. تلاش آنها می تواند دوسویه باشد و به ترسیم نظریه های جدید نیز بیانجامد. اهداف تحقیقات و آینده پژوهی ها متفاوتند. کشف عرصه های ناشناخته ، تشریح واقعیت ها و شواهد، علت یابی وقوع رویدادها، حل مسائل و انتخاب راه حل های مناسب، پیش بینی آینده، توصیف وضعیت محیطی، شناخت جدید و

اهداف و انتظارات به این دلیل اهمیت دارند که از ابتدا مشخص می گردد که نتیجه کار راجع به چه چیزی خواهد بود. اهداف و انتظارات ، در طرح درست سئوالات اولیه و انتخاب آن ما را یاری می رساند. بر مبنای نظریه ای منتخب برای سئوالات فرضیه هایی طرح کرده و به تبیین روابط متغیرها، از طریق آزمون فرضیه ها اقدام می کنیم. شاید بتوانیم بدین ترتیب به تبیین جدیدی در باره علل رخ داده دست یابیم و از این طریق تحولات دیگری را پیش بینی نماییم. واحد های تحلیل می توانند افراد و گروه ها یا

آینده نگاری

در هر نوع از انواع دانش مهندسی، فرهنگ عنصر مهم و پویا می باشد و هر وقت از آن غفلت شود نتیجه کار مهندسی ضعیف و نامطلوب، و هر وقت مورد توجه قرار گیرد، فعالیت مهندسی کارساز و اثر بخش است. امروزه مهندسی در همه رشته ها به فرهنگ نگاه عمیق و اساسی دارند. همچنین آینده سازی نیز بدون در نظر گرفتن فرهنگ امکان پذیر نمی باشد و آینده بصورت مستقیم تحت تاثیر فرهنگ ها می باشد. آینده سازی یا مهندسی آینده بدون توجه به مدیریت عناصر موثر بر آینده و بدون توجه به مدیریت فرهنگ، نتیجه بخش نخواهد بود. در واقع آینده سازی یا مهندسی آینده با مهندسی فرهنگ مرتبط است. از فرهنگ بعنوان یکی از مهمترین عوامل موثر بر مدیریت نیز نام برده می شود. تفاوت های فرهنگی در جهان و مشاهده و بروز رفتارهای متفاوت که برگرفته از ارزش ها و باورهای مختلف هستند، حضور فرهنگ در عرصه های منطقه ای و بین المللی را آشکار نموده است؛ بطوریکه درک و شناخت فرهنگ ها، امکان مدیریت اثر بخش را فراهم می آورد. اگرچه هنوز در دنیا نگرش هایی وجود دارد که مدیریت در حوزه فرهنگ را امکان پذیر نمی داند، لیکن بررسی تاریخ معاصر، حکایت از تاثیر دولت ها و سیاست ها بر تغییرات فرهنگی ملت ها بوده است.

همانگونه که نمیتوان نقش مدیریت کشورهای توسعه یافته را بر اقتصاد، بازار جهانی، جابجایی عمده سرمایه ها و داراییها و در مبادلات ارزی بین المللی نادیده گرفت، نمیتوان تاثیر مدیریت کشورهای پیشرفته را بر حوزه فرهنگ و ارتباطات فرهنگی کشورهای جهان نادیده انگاشت. انقلاب ارتباطات تاثیر

باید داده ها گرد آوری شوند؟، چگونه باید نتایج را تحلیل کرد؟ در طرح، پرسش ها و فرض ها و قضایا و واحد های تحلیل و پیوندهای منطقی داده ها و معیارهای تفسیر بصورت اولیه و ساده تعیین می گردد. مانند نقشه راه. در جامعه چه می گذرد؟ و این گذر در آینده چگونه اثر خواهد گذاشت؟ ساخت کلی وقایع، عناصر اصلی، چگونگی ارتباط بازیگران، سازو کارها و مکانیسم ها، الگوها مورد بررسی قرار می گیرند.

بیشتر مطالعات آینده بصورت مورد پژوهی (Case study) به اجرا در می آیند. مورد پژوهی در مورد تصمیمات، فرایندها، برنامه ها، نهادها، ورودیها اجرا و نتایج آن اعلام می شود. کندو کاو در پدیده های معاصر در بستر واقعی آن و با استفاده از منابع متعدد. در آینده پژوهی به نوعی نظام تعلیلی نیازمندیم و آینده پژوه اجازه ندارد که با توجه به یک متغیر خاص هر نوع مسئله ای را تبیین نماید، بلکه باید رابطه متغیرهای موثر را در نوعی نظام تعلیلی نسبت به یکدیگر و نسبت به متغیر وابسته بدقت بررسی نماید. برای درک پدیده ها لازم است مفاهیم مورد نظر را آگاهانه تعریف نماییم. تعریف مورد نیاز ما تعریف اسمی و یا تعریف فلسفی نیست، بلکه تعریف مورد نیاز ما تعریفی است که بتوان با مشخصات مطرح در آن مفهوم را مطالعه و اندازه گیری نمود. آیا واقعا همان چیزی را مطالعه و اندازه گیری می کنیم که قصد آن را داریم؟. مطالعه و سنجش مستلزم تعیین متغیرها است. متغیرها معمولا دو وجهی هستند و می توانند پیوسته باشند. نقش متغیرهای مداخله گر و نهفته بسیار در آینده پژوهی اهمیت دارد. در تئوری ها از طریق متغیرهای هادی (Sensitizing concepts) نسبت به اهمیت احتمالی مجموعه خاصی از متغیرها آگاه می شویم. استنباط روابط علی، کاری است بغایت فنی و مشکل، بطوریکه بسیاری غالبا بر اثر عدم اطلاع، همبستگی های خاصی را به دلخواه به منزله علت واقعی بر می گزینند و دفاع عاطفی می نمایند.

محققان مجبورند برای تعیین ابعاد موضوع به ساختن مفاهیم روی آورند تا بتوانند ضمن تعریف شاخص ها ابعاد مفهوم را اندازه گیری نمایند. مفاهیم اصطلاحات مجردی اند که برای توضیح و فهماندن منظورمان بکار می بریم. همچنین مجموعه عملیاتی که طی آن ها مدل تحلیلی (مفاهیم و فرضیه ها) با واقعیت های عینی بازبینی می شود و با داده های عینی مقابله می شود مشاهده نام دارد. تکنیک های مشاهده تعیین می نماید که ما چه چیزی را مشاهده می کنیم. محققان مجبورند از نمونه گیری و مطالعه نمونه ها به نتیجه گیری بپردازند چرا که همیشه امکان مطالعه همه جامعه مورد نظر وجود ندارد. نمونه هامنتخبی از عناصر و واحدها هستند که از کل همه عناصر جامعه آماری گرفته شده اند. نمونه گیری روش های ویژه خود را دارد.

به دانش مهندسی شده، در حوزه فعالیت خودشان است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایده مهندسی فرهنگی در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح شد. نخبگان و دست اندرکاران فرهنگی کشور بصورت مختلف تلاش نمودند تا این تفکر و ایده را ساری و جاری سازند. انتشارات مقالات و اسناد و هفته نامه ها و ویژه نامه ها و برگزاری نشست های مختلف بر ابعاد پیچیده موضوع صحنه گذاشت. موضوع روشن و بر مبنای یک محور مهم استوار بود و آن اینکه برای دست یابی به اهداف فرهنگی بایستی از روش و شیوه مهندسی شده بهره گرفت، درست به معنای استاندارد سازی و سیستمی اندیشیدن و نقشه عمل داشتن و محاسبه و دقت و بکارگیری ابزار مناسب کار. همان روش و شیوه ای که در برنامه ریزی و آینده سازی مورد استفاده قرار می گیرد.

مهندسی آینده و مهندسی فرهنگ از تفکر فلسفی آغاز می شود. چرا نیازمند مهندسی آینده و مهندسی فرهنگ هستیم؟، چه کسانی با چه اهدافی حق دارند آینده و فرهنگ را تغییر دهند؟ مهندسی آینده و مهندسی فرهنگ تا کجا می تواند تغییرات انجام دهد؟ و بسیاری سئوالات نمونه که در این حوزه به لحاظ تفکر فلسفی مطرح است.

برای شروع بایستی ابعاد گسترده مفهوم و رابطه آینده و فرهنگ را مطالعه نماییم و در مرحله بعد شیوه ای مهندسی شده را برای روبرو شدن با آینده و تغییرات و تحولات فرهنگی و اجتماعی بکار گیریم.



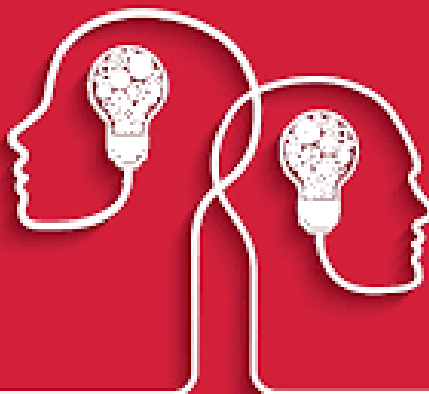
اساسی بر الگوهای زندگی، ارزش ها و باورهای فرهنگی ملل در حال توسعه داشته و شیوه زندگی مورد نظر غربی ها از طرق گوناگون و متناسب با الگوهای غربی به جهان سوم منتقل و مدیریت می شود.

کشورهای در حال توسعه به لحاظ فرهنگی به طور غیر قابل تفکیکی با کشورهای غربی مرتبط شده اند و ارتباط نامتعادل و ناموزونی بین فرهنگ غربی و فرهنگ ملی و منطقه ای به سود کشورهای غربی برقرار شده است، این وابستگی فرهنگی بتدریج آزادی عمل داخلی را بر دولت ها و ملت ها محدود می نماید و مشروعیت فرهنگی ملت ها را به چالش می کشاند، حتی اگر نخواهیم بحث سلطه فرهنگی را مد نظر قرار دهیم، امروزه با گسترش ارتباطات و افزایش انتقال پذیری فرهنگی استقلال و رشد فرهنگی ملت ها نیازمند دانش مدیریت در حوزه فرهنگ است. کشورها و ملت ها به لحاظ شیوه زندگی متفاوتند و این تفاوت ها در درآمد ملی، کمیت و کیفیت ساختارهای زیربنایی و سطوح آموزشی و در حیات سیاسی و اجتماعی آنهاست.

برای توسعه این کشورها لازم است برنامه های توسعه با روش متناسب با فرهنگ و خواسته های مردم و مشارکت آنها تنظیم شود، اگر چه نقش عوامل تاثیرگذار بین المللی را نمی توان فراموش کرد، اما تاکید بر توانایی های بالفعل و بالقوه مردمی و توجه به فرهنگ و ساختار فرهنگی و اجتماعی هر کشور می تواند پایه های مستحکم توسعه ای را فراهم آورد. برنامه های توسعه کشورها به نوعی مهندسی آینده است و بامهندسی فرهنگ همراه می باشد.

معمولاً وقتی از مهندسی صحبت می کنیم، مهندسی را بعنوان علمی بکار می بریم که محور آن اندازه گیری، استاندارد سازی، دقت، بکارگیری ابزار های مناسب، سیستمی اندیشیدن، و بکارگیری ریاضیات و محاسبات دقیق است. دانش مهندسی به بشر کمک کرده است تا بتواند از طریق عملیات دقیق اندازه گیری و استاندارد سازی و محاسبات حساب شده به دست یافته های فراوانی در حوزه های مختلف برسد. ساخت سازه های بزرگ فنی و عمرانی و ساخت دستگاههای کوچک الکترونیکی و انجام عملیات فضایی و تولید مواد جدید شیمیایی و استخراج معادن و برقراری شبکه های برق و ارتباطات، همه نتیجه دانش مهندسی و زیر ساخت های مهندسی در حوزه های مختلف بوده است.

در علوم انسانی نیز اندیشمندان کوشش کرده اند در طول سالهای متمادی دانش مهندسی را در علوم انسانی بکار گیرند اما با توجه به تفاوت های ماهوی بین علوم انسانی و علوم طبیعی و فیزیک، این کار با مشکلات و تنگناهای بسیاری روبرو بوده است. جامعه شناسان اولیه نام مهندسی اجتماع را برای کار خود انتخاب کرده بودند و بتدریج با روبرو شدن سختی ها از آن عقب نشینی کردند در حالیکه آرمان بسیاری از دست اندرکاران علوم انسانی دستیابی



محورهای آینده نگری

رویکرد اساسی آینده پژوهی، توجه به تغییرات و تداوم ها در سال های آینده است. مهم ترین تغییرات ملموس که در سال های اخیر مردم و دولت ها با آن روبرو بوده اند و عناصر مهمی که موجب تداوم روند ها شده است. جای هیچگونه شکی نیست که هر گونه تداوم و تغییر نیازمند علل و عواملی است و بخش بزرگی از این علل و عوامل توسط نیروهای انسانی شامل افراد و موسسات، سازمان ها و دولت ها، بوجود آمده و تقویت شده و جریان می یابند. بخش گسترده ای از این علل و عوامل توسط حوزه های سیاستگذاری، مقررات گذاری و آیین نامه های بین المللی تسهیل جریان می یابند و قراردادهای و منافع بین المللی و تجارت و منافع اقتصادی نتایج مطلوب را حمایت می نمایند. در نتیجه آثار کلیدی آن بتدریج آشکار می شود و با پذیرش تدریجی و همگرایی وسیع به شکل عمومی موجب تحول آینده می شود. آینده پژوهی می تواند بر محورهایی استوار باشد:

- ۱ - همگرایی علوم، صنایع، سرمایه ها، اطلاعات، نگرش ها و تفکرهای جهانی و اثر گذاری آنها بر یکدیگر
- ۲ - تشخیص ناهماهنگی سرعت تغییرات ساختاری با تحولات فرهنگی و رفتارهای اجتماعی
- ۳ - فرایندهای انتقال در حوزه های مختلف
- ۴ - تاثیرات توزیعی سیاست ها و برنامه های کلان در جهان بر دیگر جوامع
- ۵ - تلاطم ها و آستانه پذیرش تغییرات
- ۶ - روندهای رضایت بخش و غیر رضایت بخش
- ۷ - تله های تاریخی در نابودی تمدن ها
- ۸ - منابع ناکارآمد و نابرابری های توزیعی
- ۹ - کاستی های بارز جهانی و میزان انتظارات افزایشی نیازها
- ۱۰ - اثرات پیوستن به موافقت نامه های جهانی
- ۱۱ - رشد و تجربه های نوین جهانی
- ۱۲ - چشم اندازها و تئوری های جهان شمول
- ۱۳ - بررسی آثار تفکرات انقلابی
- ۱۴ - ...



فلسفه آینده نگاری

فرهنگ و آینده، در فلسفه غرب سمت و سوهایی را هدف گرفته که با آرمان ها و اعتقادات اسلامی متفاوت است و در اختیار زورمندان و سرمایه دارانی است که اهداف انسانی را کنار گذاشته و منافع فردی و غیر انسانی را دنبال می نمایند. شاید در هیچ دینی به اندازه دین اسلام، حمایت از علم و دانش صورت نگرفته باشد و آیات الهی و احادیث نبوی و روایت معصومان، گواه این ادعاست. از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل است که از گهواره تا گور دانش بجوید و در اصول کافی آمده است دانشمندی که مردم از علم او بهر مند شوند از هفتاد هزار عابد فاضل تر است. این تاکید اسلام بر علم و دانش موجب شده است که فرهنگ و تمدن اسلامی در نقطه اوج خود تمدنی پیشرفته در سطوح عالی علمی و عقلی باشد. در دوران تاریکی اروپا، دوره طلایی اسلام در دوران عباسی شکل گرفت و دولت اسلامی به لحاظ ثروت و سیادت فرهنگی و معرفتی به قله های رفیع دست یافت. تجارت، صناعت، ادبیات، فلسفه، علوم مختلف طب و نجوم و... حرکت و نشاط علمی را سرعت بخشید. ایرانیان نیز مردمی اهل هوش و تعقل بوده و دوران اسلامی تاثیرات فراوان علمی و فرهنگی در پیشرفت تمدن اسلامی داشته اند. ظهور اسلام، انقلابی دینی، سیاسی و اجتماعی بود و تغییر اساسی در زندگی مردمان جوامع اسلامی داشت. متفکر شهید استاد مرتضی مطهری در کتاب تکامل اجتماعی انسان می نویسد آیا همانطور که بشریت در ابزارها پیشرفت کرده است در حسن روابط انسان ها با یکدیگر نیز پیشرفت پیدا شده است یا نه؟

آیا انسان ها در احساس تعاون نسبت به یکدیگر پیش آمده اند؟ یعنی انسان امروز از انسان گذشته نسبت به انسان های دیگر بیشتر احساس تعاون می کند؟ آیا در احساس مسئولیت نسبت به انسان های دیگر به همان نسبت پیشروی پیدا شده است؟... آیا تجاوز انسان به حقوق انسان کاهش یافته است؟ آیا بطور کلی ارزش های انسانی به نسبت پیشرفت های مادی انسان ها پیشرفت کرده است؟ استاد مطهری از طرح این سئوالات به سمت بررسی نقش دین و انبیا در پیشرفت بشر حرکت کرده و می نویسد: این مسئله همیشه برای بشر مطرح بوده است که هدف زندگی چیست؟ یعنی انسان برای چه زندگی می کند و

بدون تردید همه انتظار داریم تمدن ها برای بشریت رستگاری و سعادت را به ارمغان بیاورند و زمامداران جز خوشبختی و سعادت برای مردمان خود قصد و نیت دیگر نداشته باشند. در غیر اینصورت هر نوع تمدن و هر زمامداری که از رستگاری و سعادت دوری گزیند موجب رنج و درد بشریت را فراهم خواهد آورد. بدین ترتیب هر دانش و ابزار و عملی نیز در جوامع انسانی از این نکته تبعیت خواهد داشت که علوم و ابزارها و اعمال انسانی در راستای سعادت و رستگاری بشر معنی و مفهوم و ارزش می یابد و اگر در این راستا نباشد فقط زحمت و درد را برای بشریت به همراه خواهد داشت.

محققان سده هیجدهم و نوزدهم میلادی میان فرهنگ و تمدن فرقی نمی گذاشتند و این دو را به معنای میراث اجتماعی بشر میدانستند. به معنای وسیع کلمه تمدن و فرهنگ مجموعه مرکبی از علم، اعتقاد، هنر، قانون، اخلاق، رسوم و توانایی های فردی و جمعی بشر است. تاریخ تمدن هر قوم و ملتی، نشان دهنده کوشش ها و خلاقیت هایی است که افراد آن برای رشد حیات جمعی بشر داشته اند. این تلاش ها می تواند در حوزه های اقتصادی و سیاسی و علمی و هنری و اخلاقی باشد. تاریخ تمدن بشر را می توان فرایند مهندسی آینده یا آینده سازی بشر تعریف نمود. تاریخ نشان داده است هنگامی که فرهنگ قوم و ملتی به حد معینی از کمال فکری رسیده است، شکل گیری تمدن نیز آغاز شده است (آینده سازی آغاز شده است). قبل از دستیابی به آینده (تمدن) لازم است فرهنگ متبلور شود و مهندسی فرهنگ، جلودار مهندسی آینده است. در فلسفه مهندسی فرهنگ و مهندسی آینده این مهم نهفته است که این دو نوع مهندسی، در راستای شکل گیری تمدن بشر و در مسیر رستگاری و سعادت جوامع قرار دارد و هدفی غیر آن نمی تواند ارزشمند باشد. اندیشیدن در باره جهان و بحث آزادانه و بدون قید و شرط در باره آن را بحث فلسفی گفته اند و اگر این بحث ها و تفکر و تعقل را در حریم اعتقادات انجام دهیم آن بحث را علم کلام گفته اند (Theology). علاقمندیم بحث مهندسی فرهنگ و آینده را از زاویه فرهنگ و تمدن اسلامی دنبال نماییم و به نوعی ابتدا از زاویه علم کلام آن را مطالعه کنیم. مهندسی

کسب اخلاق را مهندسی کرده و دسته بندی و غایت و راه و روش های دستیابی به آن را فراهم آورد. او می نویسد: غرض ما در این کتاب آن است که برای خود اخلاقی کسب کنیم که افعالی که از آن صادر می گردد همه نیکو و زیبا باشد و با این همه بر ما آسان باشد و مشقت و رنجی در آنها نباشد. این امر به کمک صنعت و به ترتیب تعلیمی امکان پذیر است و راه آن اینست که نخست نفوس خود را بشناسیم که چه هستند و برای چه در ما بوجود آمده اند؟ یعنی کمال و غایت آنها را بدانیم و ملکات آنها را دریابیم تا بتوانیم بدین مرتبه بلند ارتقاء یابیم. همچنین بر ماست بدانیم که چه چیزهایی مانع راه ما در رسیدن به این هدف است و چه اموری این موانع را بر طرف می سازد و برعکس چه اموری آن هدف را فاسد می کند و گمراه می سازد تا زیانکار می گردد... این مسکویه در ادامه به مبادی علم اخلاق و طبقه بندی موجودات می پردازد. سپس قواعدی همچون قاعده وسط و اطراف را طرح می نماید و فرق خیر و شر را بیان می کند و بیان می دارد که مقصود انسان از حیات کسب خیر است. در فلسفه اسلامی، حکمت یا فلسفه را به اولی (الهیات) و فلسفه وسطی (ریاضیات) و سفلی (طبیعیات) تقسیم می کنند. فلسفه وسطی به هشت اصل و هفت فرع تقسیم می شود. علوم تعلیم در اسلام همان علوم عددی است که ما امروزه علوم ریاضی می نامیم و مسلمین فیزیک و شیمی را هم به آن پیوند می زدند. علوم ریاضی خاص حساب، جبر، هندسه مثلثات، علم فلک و موسیقی و علم الحیل (مکانیک) و علم منظر بود. صفر را اعراب به اعداد افزودند و خواص اعداد را وسعت بخشیدند. فیلسوفان مسلمان به ریاضیات اهمیت می دادند و حتی الکندی معتقد بود فلسفه بدون ریاضیات فهمیده نمی شود و ریاضیات بر پایه براهین است و نه بر پایه ظن. لگاریتم یا علم انساب (نسبت های ریاضی) بر پایه جمع و تفریق و ضرب و تقسیم است که نخستین بار در ذهن مسلمین جرقه زد. در سال ۲۱۰ هجری - قمری کتاب الجمع و التفریق را سنان بن الفتح حرانی نوشت و در کتاب المکعبات بر روی شیوه توزیع اعداد سخن گفت. خوارزمی از بزرگترین ریاضیدانان مسلمان علم جبر و الگوریتم را پایه گذاری و وارد مرحله علمی نمود. هندسه از مفهوم اندازه فارسی ریشه گرفته است. ابن خلدون می گوید هندسه مقادیر متصل مانند خط و سطح و جسم و مقادیر منفصل مانند اعداد است ... هندسه چون مباحث عقلی را روشن و استوار می کند و براهین آن روشن و ترتیب آشکاری دارد، مورد استقبال فیلسوفان مسلمان قرار گرفت. می گویند بر سر در خانه یا مکتب افلاطون نوشته بود هر کس هندسه نمی داند وارد نشود. شیوخ مسلمان می

در زندگی چگونه باید باشد؟ انسان چه موجودی است و چه استعدادهایی در او نهفته است؟ انبیا برای کمک و دستگیری انسان آمده اند. انسان برای رسیدن به سعادت آفریده شده است و از دیدگاه قرآن کریم خلقت انسان عبث و بیهوده نیست و خالق حکیم انسان را آفریده تا به او هدف و آرمان بدهد و هدف و آرمانی که اسلام می خواهد فقط خداست.

بر اساس این نظریات می توان فهمید که اگر انسان با خدا آشنا شود و با کتاب و معیار خو گیرد عدالت در میان مردمان رایج می شود. سعادت انسان ها را فقط خدا می تواند تامین کند و دلهای انسان ها فقط با نام خدا آرام می گیرد و در این صورت است که همه انسان ها می توانند با داشتن هدف مشترک زندگی اجتماعی مناسب و مطلوب داشته باشند. اگر هدف مشترک وجود نداشته باشد امکان همکاری افراد وجود ندارد. استاد مطهری می نویسد هیچ اجتماعی از یک سلسله هدفهای معنوی یا ارزش های معنوی بی نیاز نیست و ایمان به خدا سرسلسله ایمان به معنویات است. بدین ترتیب روح تعاون و همکاری در جوامع به داشتن اهداف مشترک و ارزش های معنوی مشترک بین اعضا جامعه ارتباط دارد و بدون اعتقاد به خدا و ایمان به پیامبر و روز واپسین امکان تعاون و همکاری افراد جامعه پدید نمی آید و زندگی انسان ها بدون تعاون و همکاری با مشکلات فراوان روبرو شده و امکان پذیر نخواهد بود. سعادت دنیوی و اخروی که غایت عبادت خداوند یکتا بود، در فلسفه و کلام اسلامی، موجب شد که علم و دانش بشردر راستای خداشناسی و عبادت و اطاعت خداوند متعال و در مسیر سعادت و رستگاری بشر باشد. جوامع اسلامی از همان ابتدا برای دستیابی به آرمان های الهی به جامعه سازی اسلامی پرداختند. علم اخلاق در جهان اسلام اگر چه با نظریات متقابل روبرو بود، رشد نمود. در علم اخلاق، معرفت و کسب فضایل و شناخت رذایل و دوری از آن مطرح می شود. کتب اخلاقی بسیاری در تاریخ تمدن اسلام نگاشته شده است. در این کتب تلاش شده است اخلاق و سلوک را بعنوان راهنمای رفتار و قانون زندگانی برای مردم قرار دهند و به جرات گفته اند که به مرور روزگار تاثیر این آموزه ها در قلب و روح مردم مسلمان ته نشین شده و همه حرکات مادی و معنوی آنها را اداره می کند. موضوع عدل و لطف و حسن و قبح عقلی و شرعی در این مباحث مطرح شده و عرفان و تصوف نیز تاثیر خود را بر اخلاق و جهان بینی و طرز زندگی گروه بسیاری از مردم سرزمین های اسلامی داشته اند.

ابوعلی ابن مسکویه رازی در کتاب تهذیب الاخلاق بر اساس کتب پیشینیانش همچون الکندی و فارابی کوشش می کند

معاش و ادامه حیاتش ضروری است و برای رسیدن به برترین کمالات خویش نیازمند اشیاء زیادی است که یک تنه نمی تواند به تهیه و انجام همه آنها قیام کند. لذا ممکن نیست بتواند به کمالی که برای آن آفریده شده است برسد مگر به اجتماع جماعت زیادی که همکاری می کنند و هر یکی از آنها، یکی از نیازمندی های دیگری را فراهم می سازند... آنگاه فارابی به مبحثی می پردازد که در اصطلاح علم الاجتماع جدید آن را فرضیه اندامواری اجتماع می گویند (تئوری ارگانیک). فارابی می گوید مدینه فاضله مانند بدن است که اندام های آن برای تکمیل حیات و جهت حفظ او در همکاری هستند. ابن خلدون نیز بصورت دقیق اشکال گوناگون حکومت دولت ها و نهادها و اشکال پیچیده مدنیت را مورد بحث و بررسی قرار می دهد. بسیاری از نام آوران مسلمان را در ریاضیات، هندسه، طب، حکمت، فلسفه، سیاست، نجوم می توان نام برد. بدنبال این بودیم که نشان دهیم اندیشیدن در مورد حیات بشری و اهداف زندگی و زندگی اجتماعی و بکارگیری علمی مانند هندسه و ریاضیات و مهندسی اندیشیدن به جامعه، همواره در میان اندیشمندان مسلمان مطرح بوده است. شاید مشخص باشد علت تاکید و استفاده مسلمانان از هندسه چیزی نبود جز اینکه هندسه و اندازه گیری می تواند ملاک ها و قضایای دقیق و متقن ارائه نماید و عقل و تفکر را از غلط اندیشی دور سازد و منطق لازم برای دقت عمل را فراهم می آورد. تاکید فیلسوفان به ریاضیات و هندسه نیز همین دلیل بوده است. در مسیر جامعه سازی اندیشه ای موفق خواهد بود که بر اساس معیارهای دقیق محاسباتی و سیستمی اندیشیدن، به پیش رود و آن را می توان مهندسی اهداف نام نهاد.

همانگونه که یک مسلک و یک فلسفه زندگی بر نوعی اعتقاد و بینش و ارزیابی در باره هستی مبتنی است. هندسه نیز بر نوعی تحلیل و برداشت از جهان مبتنی است. جهان شناسی هندسه یا شناخت هندسی و ریاضی بر مبنای مکانیسم ویژه ای عمل می نماید. مکانیسم عمل هندسه و ریاضی بر مبنای شناخت سیستمی قرار دارد. سیستم مجموعه ای است از اجزای که هم پیوسته که ارتباط کنشی و واکنشی با هم دارند و از نظم و سازمان حساب شده ای در جهت تحقق هدفهای معین برخوردارند. اندازه گیری و ارتباط بین اجزا در زمره کار هندسه مفهوم می یابد. جهان بینی هندسی از یک سو همچون جهان بینی علمی جزء شناسی می کند و از سوی دیگر می تواند فراتر از جهان بینی علمی از نوعی جهان بینی فلسفی برخوردار باشد. جهان شناسی علمی بدلیل ماهیت علوم که به فرضیه و آزمون متکی هستند، صرفا ارزش فنی و عملی دارند و ارزش نظری

گفتند: ممارست علم هندسه برای فکر به منزله صابون برای جامه هاست که شوخ های آنها را فرو می زاید و آنها را از پلیدی ها و آلودگی ها پاک می کند.

بخشی از علم هندسه به اشکال کروی و مخروطات بر میگردد که در محاسبه افلاک و کرات استفاده می شد و بخشی در ساختمان سازی و درودگری و بخشی نیز در زمین پیمایی و اندازه گیری مساحت و بخشی نیز به علم مناظر و مرایا و نور مرتبط بود. مسلمانان در دوره ای که اقوام دیگر هندسه را زمین گذاشته و فراموش کرده بودند آن را حفظ و تقویت کردند و بعدها اروپاییان هندسه را از مسلمانان اخذ کردند.

مسلمانان نبوغ شان در جبر بود و به مثلثات اهتمام زیاد داشتند. رصد سنوآت و نجوم با این علوم صورت می گرفت. هندسه همچنین در جغرافیا برای مسلمانان کاربرد داشت. دانشمندان اسلامی صورت الارض یا قطع الارض را با عبارت های متفاوت برای علم نگارش زمین و وصف احوال طبیعی، انسانی، اقتصادی و اجتماعی بکار می بردند و بر اساس تاکید قرآن مجید که به سیر زمین و اندیشیدن در آفاق و انفس توصیه کرده است، علاقه فراوان داشتند. ریاضی دانان مسلمان، اطلسی از نقشه های آسمان و زمین تهیه کردند و در شناخت جغرافیایی به سرزمین ها و جوامع بشری رجوع و آداب و رسوم اجتماعی و تاریخی را بررسی و تحلیل نمودند.

مدارس و مراکز علمی مسلمانان در اقصی نقاط سرزمین های اسلامی توسعه یافته بود و شمار دانش پژوهان مسلمان به هزاران نفر می رسید. معلوم است که در فلسفه، علوم و حکمت اسلامی جایگاه ارزشمندی برای هندسه وجود دارد و مسلمانان برای دست یابی به اهداف و کشف و تحلیل و محاسبه از حساب و هندسه و جبر و مثلثات بهره ها برده اند و در تمدن اسلامی ریاضیات و هندسه جایگاه مهمی داشته است و با مهندسی اهداف به پیشرفت های بزرگی نائل آمده اند.

باید دانست که دانشمندان مسلمان به سیاست و حکومت توجه داشتند. سیاست واژه ای تازی به معنای رام کردن و تربیت ستوران و چارپایان و نیز پاس داشتن ملک و حکم راندن بر رعیت و قهر کردن و هیبت نمودن و ضبط کردن مردم از فسق به ترسانیدن و انذار آمده است. ابونصر فارابی به فلسفه سیاسی و فن سیاست در اسلام توجه نمود. او بیان می کند که ایجاد فضیلت ممکن نیست مگر بوسیله حکومتی که در پرتو آن این افعال و سنن و عادات و ملکات و اخلاق در شهرها و میان مردمان رواج یابد و حاصل این خدمت را سیاست می نامید. در کتاب آراء فارابی آمده است که: آدمی زاده نیازمند به اجتماع و تعاون است زیرا اجتماع برای قوام زندگانی یعنی تهیه

تفکر هندسی مبتنی بر جهان بینی اسلامی است که قرابت زیادی با هم دارند. فرهنگ بطور کلی به کلیه دست آوردها و توانایی های فکری و شناختی و ابزاری و رفتاری بشر گفته می شود و هر قوم و جامعه و ملتی می تواند دست آوردهایی در طول تاریخ کسب نماید و آنرا ثبت کرده و نسل به نسل منتقل نموده و به دیگر مردمان نیز انتقال دهد. تاریخ تمدن اسلامی سرشار از توانایی ها و دستاوردهای ملل مسلمان است که توانسته اند با توجه به ارزش ها و باورهای اسلامی، خلاقیت های فکری و نوآوری های گسترده علمی، خدمات فراوانی را در حوزه های گوناگون زندگی بشر مانند علوم، فلسفه، عرفان، معماری، اخلاق و... به بشریت ارائه نمایند. فرهنگ اسلامی بر قرآن تکیه کرده و ریشه آن آموزه های دین اسلام در قرآن و احادیث نبوی و سنت رسول اکرم (ص) و معصومین (ع) است.

همچنین قرآن کریم ویژگی هایی را برای انسان در آفرینش و فطرت قائل شده است. سرشت و طبیعت بشر برای پذیرش خداوند و دین الهی می باشد که بدلائل و عواملی گوناگون می تواند در انسان تغییر کند و از راه اصلی منحرف شود. فطرت انسان، مانند غریزه در امور مادی، به امور معنوی و انسانی مرتبط است و در سرشت بشر فطریاتی مانند خداپرستی، حقیقت خواهی، ارزش های انسانی، خیر اخلاقی، زیبایی دوستی،... قرار دارد. بر این اساس اصول ارزش های انسانی همواره ثابت هستند و در مسیر زندگی ممکن است دچار کاستی هایی شوند و تعلیم و تربیت اسلامی می تواند انسان را به سمت فطرت اصلی خود و ارزش های ثابت انسانی هدایت نموده و او را به سوی کمال هدایت نماید. فرهنگ اسلامی بر مبنای جهان بینی توحیدی دارای اهداف و اصول روشن می باشد و مسیر زندگی انسان ها دارای چشم انداز دنیوی و اخروی و چارچوب های طراحی شده است. اندیشه سیستمی و علت و معلول این توانایی را به دست اندرکاران اجتماع می دهد که بتوانند مسیر حرکت و تحول فردی و جمعی را مهندسی نموده و با اندازه گیری دقیق و محاسبات روشن کاستی و کمبودها را شناسایی و تعلیم و تربیت را روشنند و بر مکانیسم های دقیق انجام دهند.

انتظار از مهندسی فرهنگ و مهندسی آینده، بر این مفاهیم استوار شده است و بنظر می رسد غربی ها توانسته اند در طول دوپست سال گذشته بر این دانش مسلط شوند و جوامع بشری را بر مبنای جهان بینی ماتریالیسم و سکولاریسم به کمک ابزارهای گوناگون، مهندسی نمایند.

بدیهی است صحنه ای که در روبرو داریم از فرضیات و اصول و نظریه های انتزاعی و تجربی گوناگون برخوردار می باشد و نیازمند تحلیل و تفکر و نوآوری ذهنی است.

ندارند. علوم نمی توانند پاسخگوی مسائل کلان و اساسی باشند و به مسائل محدود و جزئی در حد تجربه و اندازه گیری محدود می شوند. از سوی دیگر جهان بینی فلسفی دقت جهان بینی علمی را ندارد، اما در عوض متکی به یک سلسله اصول بدیهی و غیر قابل انکار است که با روش برهان و استدلال پیش می روند و چهره و تفکر کلان در باره جهان را امکان پذیر می سازد. هندسه بدلیل ماهیت سیستمی دیدن جهان، از جمله علمی است که می تواند با جهان بینی فلسفی وحدت قلمرو داشته باشد. علت نزدیک بودن هندسه با فلسفه همین توانایی هندسه است. از آنجا که جهان شناسی مذهبی اسلام نیز رنگ و بوی استدلالی دارد، همواره هندسه و ریاضیات بدلیل ماهیت اثباتی و استدلالی و عقلی و منطقی مورد علاقه فیلسوفان مسلمان بوده است. در جهان بینی توحیدی جهان از یک مشیت حکیمانه پدید آمده است و نظام هستی بر اساس خیر و جود و رحمت و رسانیدن موجودات به کمالات شایسته آنها استوار است. موجودات جهان با نظامی هماهنگ به یک سو و به طرف مرکز هستی تکامل می یابند و حیات و زندگی معنا و روح و هدف دارد. در این جهان بینی افراد نسبت و در برابر یکدیگر مسئولیت دارند و همه به سوی خداوند یکتای بی نیاز مطلق در حرکتند. اراده و مشیت الهی بصورت سنت و قانون و اصل کلی در جهان جریان دارد و این سنت ها و قوانین الهی تغییر نمی کند و آنچه تغییر می کند بر اساس سنت های الهی است. دنیا و آخرت به یکدیگر پیوسته است و بر اساس حکم قضا و قدر الهی، انسان آزاد و مختار و مسئول و حاکم بر سرنوشت خویش آفریده شده است. واقع گرایی و حقیقت گرایی در جهان بینی اسلامی توحید ذاتی صفاتی و افعالی و وحدت و یگانگی جهان و حکمت و نظام عادلانه الهی و نظام علی و معلولی همه بستر مناسبی است که با تفکر هندسی هماهنگ است و هندسه ابزار مناسب شناخت و تحلیل را برای فیلسوفان اسلامی فراهم می آورد و مانند دیگر فیلسوفان یونانی هندسه و ریاضی را کلید درک جهان می دانند. در زیر سطح شلوغ و پر از دهم جهان نظمی دقیق و عالی نهفته که با اصول ریاضی انطباق دارد و عقل می تواند آنرا درک کند. این تفکر بعدها نیز پایه پیشرفت های علمی قرار گرفت و روابط علت و معلولی و الگوهای منظم جهان بیش از پیش آشکار گردید. دکارت با کاربرد جبر در هندسه، ریاضی را بدلیل برهان های ساده و بنیادین و قیاس و استنتاج منطقی مهم دانست و کاربرد روش ریاضی را برای کشف حوزه های ناشناخته ضروری دانست. فرهنگ اسلامی بر مبنای آنچه جهان بینی توحیدی گفته می شود انسان و جهان و موجودات و روابط علت و معلولی و مسئولیت افراد را تعریف میکند و مهندسی فرهنگ، بکارگیری



سیستم های اجتماعی

اجزاء سیستم ها به حدی است که اگر یک جزء بدرستی عمل ننماید، عملکرد دیگر اجزا نیز با اختلال روبرو می شود. در همه سیستم ها گرایش به تعادل و حفظ و مانایی سیستم وجود دارد. نگرش سیستمی بررسی پدیده ها را از طریق در نظر گرفتن کلیت آنها انجام می دهد و چهارچوبی منطقی ارائه می نماید تا اداره سیستم در موقعیتی شناخته شده و قابل تحلیل صورت گیرد و نقش و وظیفه هر جزء و ارتباط آن با دیگر اجزا و راه حل های رفع مشکلات فراهم شود. در مهندسی آینده نیز بر اساس تئوری عمومی سیستم ها یا نگرش سیستمی، کل جامعه بعنوان یک سیستم اجتماعی مورد بررسی قرار دارد و به کمک مهندسی و اندازه گیری و ابزار سازی و استاندارد سازی نقش هر جزء و میزان تغییرات و اصلاحات نظارت و پیشنهاد داده می شود.

مهندسی فرهنگ و آینده، در سیستم های اجتماعی از تجزیه و تحلیل سیستم آغاز می شود. در تجزیه و تحلیل سیستم، جنبه های گوناگون سیستم شناخته شده و آگاهی از چگونگی عملکرد اجزای آن پدید می آید. برای شناخت یک سیستم اجتماعی بایستی اجزاء آن را بشناسیم. برای مهندسی فرهنگ و مهندسی آینده نیازمند شناخت مکانیزم سیستم اجتماعی در هر بخش و حوزه هستیم تا بتوانیم عملکرد اجزای آن را درک نموده و برای تغییرات پیشنهادی و احتمالی امکان برنامه ریزی و پیش بینی داشته باشیم.

شود تا چگونگی عملکرد سیستم را مشخص سازد و در صورت لزوم اصلاحاتی در سیستم بوجود آید. در سیستم های اجتماعی بصورت مستمر این فرایند، پیشنهادات لازم برای تغییرات و اصلاح فعالیت ها و رشد جامعه و سازمان ها فراهم می آورد. هر سیستم بطور کلی در محیطی قرار دارد که جزء پنجم سیستم محسوب می شود. محیط سیستم کلیه عوامل و متغیرهایی است که جزء سیستم نیستند اما بر روی آن اثر گذارند یا از آن تاثیر می پذیرند. برای مثال جغرافیا یکی از عوامل موثر بر سیستم های اجتماعی است. سیستم های اجتماعی و یا سیستم های اصلی خود از سیستم های کوچکتر و فرعی تشکیل شده اند که هر یک مانند یک سیستم بزرگ عمل می نماید و در مسیر هدفهای سیستم بزرگ تر فعالیت دارد. هر سیستم در برابر عواملی قرار می گیرد که موجودیت یا عملکرد سیستم را دچار بحران نموده و از مسیر نظم سیستم خارج می سازد این عوامل را آنتروپی می گویند. آنتروپی در سیستم های اجتماعی کلیه عوامل است که در نظم اجتماعی ایجاد اختلال کرده و موجب آسیب یا انحراف اجتماعی می شوند. اجزا سیستم در صورت هماهنگی و نظم از هم افزایی برخوردار شده که قبلا در یکایک آنها وجود نداشته و خواص جدیدی از خود نشان می دهند. برخی محققان کوشش کرده اند سیستم ها را از نظر ساختاری و عملکردی بصورت نظم سلسله مراتبی مشاهده نمایند. سیستم های اجتماعی با خصوصیت تحرک زیاد در سطوح بالایی قرار دارند. هماهنگی در

در هر سیستم به طور کلی سه ویژگی اصلی وجود دارد شامل هدف، کلیت، روابط متقابل بین اجزا. سیستم اجتماعی از جمله سیستم هایی است که ما را احاطه کرده است. این سیستم از اجزاء مرتبط با یکدیگر تشکیل شده که یک کل را تشکیل میدهند و در مسیر زندگی مطلوب انسان ها هدف گذاری شده است. هر سیستم از اجزایی تشکیل شده است و هر جزء نقشی را بعهده دارد. درونداد ها یا داده ها اولین جزء هر سیستم هستند که فعالیت سیستم را امکان پذیر می سازد. در سیستم اجتماعی، مجموعه نیروی انسانی هر جامعه، مواد اولیه، فناوری، سرمایه، تشکیلات، ساختارها، انرژی، اطلاعات و نمونه های آن همگی داده محسوب شده و بدون آنها ادامه فعالیت سیستم ناممکن است. دروندادها وقتی به سیستم وارد شدند، طبق فرایند سیستم در جریان تغییر و تبدیل قرار می گیرند. این مرحله جزء دوم هر سیستم است که با عنوان "فرایند تبدیل" نام برده شده است. در سیستم اجتماعی، انسان ها پس از تحول، در مسیر اجتماعی شدن قرار می گیرند و بتدریج با مفاهیم و شیوه ها و روش های زندگی و قوانین و رسوم و اخلاق آشنا شده و در نگرش های آنها تغییراتی پدید می آید. در مرحله سوم هر سیستم برونداد یا خروجی خواهد داشت. در سیستم اجتماعی، اجتماعی شدن انسان ها یا خدمات عمومی هر کدام نوعی ستانده یا خروجی سیستم محسوب می شوند. اما جزء چهارم هر سیستم بازخور است. فرایندی که بخشی از اطلاعات خروجی سیستم بکار گرفته می



تحولات فرهنگی واجتماعی

بنفس و شرایط سخت زندگی آشکار است. استثمار و فقر فرساینده سال هاست بر سرنوشت این جوامع سایه افکنده است.

جوامع مدرن شرایط متفاوت و برعکس دارند. دانشمندان در مورد چگونگی و روش های انتقال از سنتی به مدرن و تغییر اوضاع با هم اختلاف نظر دارند و تجربه کشورهای پیشرفته نیز گوناگون و برای همه کاربرد ندارد. در کشورهای شمال اروپا و آمریکا توسعه فنی نتیجه نوآوری و افزوده شدن تدریجی اطلاعات بوده است.

از پایان جنگ دوم جهانی جوامع سنتی نیاز به تغییر را احساس کرده و غیر قابل اجتناب دانستند اما در تمام موارد تغییرات فنی و مادی با تغییر در طرز تلقی افکار ارزشها اعتقادات و رفتار مردم همراه است و موجب از هم گسیختگی های فرهنگی می شود. از سوی دیگر در همه جوامع میل به تغییر با مقاومت در مقابل تغییر همراه است و از جمله عواملی که موجب این میل و باعث آن مقاومت میشود عوامل فرهنگی اجتماعی و روانی است. در سال های اخیر تاثیر عوامل انسانی در توسعه فنی روز به روز بیشتر مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته است.

ایجاد و دست یابی به توسعه فنی از نظر متخصصان علوم اجتماعی نوعی تغییر در ساخت جامعه طرح و بافت فرهنگ و رفتار مردم است و دگرگونی هایی که بر اثر برنامه های توسعه پدید می آید تغییرات برنامه ریزی شده یا جهت داده شده گفته میشود و بین این نوع تغییرات با تغییرات خود بخود و بدون برنامه جوامع تفاوت هایی وجود دارد. رفتار اجتماعی انسان ها ساخته و پرداخته سه نظام اصلی و اساسی است :

- نظام روابط اجتماعی که در آن افراد و گروه ها از طریق حقوق و وظایف توقعات و الزامات به هم مرتبط هستند.

- نظام رفتار دسته جمعی که مردم را بر اساس درکشان از موقعیت به سوی افکار و اعمالی سوق میدهد که منطبق با هنجارهایی است که آموخته است.

- نظام ادراک و رفتار فردی که ریشه در شرایط زیستی و تجربیات

برای آینده نگاری نیاز به شناخت تحولات فرهنگی و اجتماعی هستیم و برای شناخت بهتر و تشخیص ساختارها و فرایندها و مسیر جریان ها، لازم است جهان معاصر و خصوصیات آن را بشناسیم. حداقل ده ویژگی بارز و مهم برای جهان معاصر در قرن بیستم شمارش شده است:

۱ - توجه فوق العاده به علوم تجربی ، علمی که مبتنی بر مشاهده ، آزمایش ، نظریه پردازی و آزمون نظریه ها است .

۲ - توجه ویژه به تکنولوژی که در فارسی به آن فن آوری می گویند.

۳ - جهانی که در حال تحول است و لحظه به لحظه ، با پدیده های جدید صنعتی و علمی مواجه است .

۴ - بالا رفتن سطح رفاه زندگی ، سطح زندگی افراد براساس شاخص های ۸ گانه خوردن، آشامیدن، پوشاک، مسکن ، خواب ، استراحت ، غریزه جنسی و تفریح تعریف می شود.

۵ - جهان امروز، جهان اقتصاد سرمایه داری است که در آن سرمایه و سود حرف اول را می زند .

۶ - تفوق و برتری لیبرالیسم در عرصه سیاسی

۷ - توسعه اومانیسیم در حوزه فکر و اندیشه

۸ - ظهور فرد گرایی در مقابل جمع گرایی .

۹ - توجه ویژه به عقل گرایی . منظور از عقل گرایی ، تعبد گریزی و استدلال گرایی است.

۱۰ - چیره گی سکولاریسم یا دین زدایی

در جهان معاصر بخش از مردم در جوامع سنتی و بخشی در جوامع مدرن و بخشی نیز در جوامع شبه سنتی و شبه مدرن زندگی می نمایند؛ جوامع سنتی جوامعی هستند که در این جوامع تکنولوژی ساده و محدود است و در تولید هنوز از نیروهای مکانیکی استفاده نمی شود و انسان ها و حیوانات وسائل تولید هستند . شیوه های کشاورزی قدیمی و محصول کشاورزی کم و هر ساله دستخوش تغییرات آب و هواست. بهداشت و خدمات پزشکی ناچیز و بیماریهای مزمن شایع و شمار تولد و مرگ هر دو بالاست . فقر و عدم اعتماد



حیاتی انسان دارد.

جریان های تغییر، رابطه بین عناصر مختلف فرهنگی را دائما به هم میزنند. نظام های اجتماعی- فرهنگی، مجموعه واحد و کل مرتبط و معنی داری هستند. نهاد های اجتماعی و امور فرهنگی فقط در صورتی تغییر می یابند که قابلیت سازگاری با نهاد های اجتماعی و امور فرهنگی مرتبط با خود را داشته باشند و تغییراتی که در یک نهاد اجتماعی حاصل میشود موجب تغییراتی در سایر نهادها اجتماعی می شود. اوضاع جهان در چند دهه گذشته به سرعت تغییر کرده است: استقلال مستعمرات سابق، توسعه صنعتی کشورها، گام های بزرگ در خدمات بهداشتی و آموزشی، انقلاب سبز و تامین نیازهای غذایی با افزایش تولیدات کشاورزی، تاسیس دانشگاه ها و تربیت نیروهای متخصص، مهاجرت روستاییان به شهرها، توسعه شهرنشینی، افزایش جمعیت، فن آوری های نوین ارتباطی، تغییر جوامع سنتی به جوامع مدرن و شبه مدرن، پدید آمدن صنعت فرهنگ و فریب توده ها، نوسازی و تجدید گرایی، ملی گرایی، تعدد گرایی فرهنگی، شکل گیری نهاد تفریح و سرگرمی، مصرف انبوه فرهنگی، بحران هویت، جهانی سازی، ارتباطات فرا منطقه ای، فرهنگ توده ای و بسیاری تغییرات دیگر.

در جوامع شهری، افزایش مهاجرت و افزایش جمعیت و کاهش مرگ و میر ناشی از بیماری ها و گسترش مشاغل خدماتی زندگی در شهرها را گسترش داده است. کشش و جذب شهرها بدلیل دستمزد و وضع مالی و اقتصادی بهتر نسبت به روستاها وجود امکانات آموزشی و برخورداری از برق و گاز و نظایر اینها زندگی در شهرها را به مراتب جالب تر کرده است. توسعه شهرها در کشورهای رو به رشد با گسترش محله های فقیر نشین و حاشیه نشینی در کنار شهرهای بزرگ و آسیب های اجتماعی همراه بوده است. عدم انسجام اجتماعی و احساس تنهایی و بی هنجاری از جمله دیگر آسیب های شهری است. شهرها مراکز

تغییرند و اغلب تغییرات اجتماعی و اقتصادی از شهرها و از میان طبقات مرفه و بالا به افراد کم درآمد و عامی شهرها و سپس به روستاها از طریق روستاییان مهاجر منتقل می شود. خواسته ها و سلیقه های متفاوت و تازه و ایجاد ارزش های نو و میل به هم چشمی ورقابت را پدید می آورد.

شهر، مرکزی برای گسترش راه روش زندگی غربی و آزادی از قید و بند های اجتماعی است و موجب تغییر ویژگی های فرهنگ روستا می شود. بتدریج وابستگی های خانوادگی در روستاها کاهش یافته است و اقتصاد مبتنی بر پول زندگی روستاییان را مانند شهری ها، متاثر کرده است. تولید برای بازار نحوه همکاری های سنتی روستاییان را تغییر میدهد و مهاجرت روستاییان به شهر حتی بر نوع مصرف آنها و با تغییر در نوع مصرف غذایی و با سوء تغذیه نیز همراه است. اجرای برنامه های عمرانی و برنامه های توسعه و بکارگیری فنون و روش های جدید در مدیریت و توسعه صنایع و کشاورزی و بهداشت از خصوصیات دولت های معاصر جهان است و این برنامه ها چون با زندگی مردم و شیوه زندگی جمعی ارتباط دارد بر آن نیز موثر است و تاثیر آنها بر ساخت فرهنگ انکار ناپذیر است.

انقلاب صنعتی از نیمه قرن هجدهم در انگلستان و کشورهای غربی پدید آمد و جوامع کشاورزی را به صنعتی مبدل ساخت. این انقلاب نتیجه ترقیات علمی و پیشرفت مداوم غرب از پایان قرون وسطی به بعد است که دست آوردهای دیگر ملل بسوی غرب گشوده شد و علم جبر مسلمانان و صنعت چاپ چینی ها و... با تحقیقات قرن ۱۶ و ۱۷ بارورتر شد. رشد کشاورزی و بازرگانی خارجی و منابع جهان سوم و تحول جمعیتی و تنزل ضرائب مرگ و میر و خطوط راه آهن و مصرف صنایع فلزی؛ ماشین بخار و وسایل حمل و نقل سریع؛ سود فراوان کشورهای غربی و سرمایه گذاری انبوه؛ و... بر توسعه انقلاب صنعتی موثر شدند. اگرچه سرعت تحول و پیشرفت بشر افزایش یافت اما اثرات

پیشرفت انبوه زدایی باعث تولید کالاها برای هر شخص و وجود دستگاه های سریعتر و ارزانهتر تر می گردد. یکی از بارزترین نشانه های موج سوم حذف منشی ها در ادارات، بدلیل مکانیزه شدن کارهاست... موج سوم باعث دگرگونی ماهیت کار گردید یعنی دیگر کارها به مکان وابسته نیستند و در هر مکانی شخص می تواند کارهای خود را انجام دهد (فناوری ارتباطات و کنترل از راه دور)... در موج سوم انتقال کارها به خانه باعث اشتراک بیشتر زن و مرد در کارهای یکدیگر و در نتیجه ایجاد صمیمیت بیشتر می شود و باعث ادغام و تفکیک ناپذیری زندگی خصوصی و شغلی می گردد... موج سوم : تسریع در امر تصمیم گیری برای رقابت و انتقال اطلاعات...تنوع و تغییر سریع محصولات در حقیقت، تلاش شرکت ها برای دست آموز کردن مشتری ها، و ایجاد نیازهای کاذب در وی و در نتیجه سود بیشتر از طریق عرضه کالاهای گرانبه و اختصاصی می باشد... در حقیقت کارها در حال متنوع شدن (تخصصی تر شدن) می باشند و افراد فردیت بیشتری پیدا می کنند و دیگر به راحتی نمیتوان کسی را جایگزین کسی ساخت... تحول محصولات در حقیقت باعث انبوه زدایی می شود... در موج سوم شرکت نیز دوباره تعریف می شود و شرکت ها علاوه بر سود آفرینی وظیفه دارند خود را در مقابل محیط زیست، مسائل اخلاقی، سیاسی، نژادی و اجتماعی مسئول بدانند... درحقیقت فشارهای موجود از قبیل:

- تحول در محیط فیزیکی

- در تجهیز نیروهای اجتماعی

- در نقش اطلاعات

- در تشکیلات دولتی

- در اخلاق

باعث تعریف مجدد شرکت می شوند...

موج سوم یک جامعه فرا بازاری است و بازار با توجه به تولید برای مصارف شخص و فناوری های ارتباطی برای ارتباط تولید کننده و مصرف کننده دوباره تعریف می شود... در موج سوم پیشرفت بشر بر پایه فناوری یا ارتقاء سطح مادی نیست. درحقیقت پیشرفت یک راه مشخص نیست و معیار کاملی برای مقایسه پیشرفته تر نداریم. شاخص پیشرفت تنوع فراوان و غنای فرهنگ های بشری است... جامعه روز به روز متنوع تر و گروه گروه تر می شود و نیازهای فردی و محلی مهم تر می شوند. بنابراین سیاست کلی دولت ها که با همه یکسان برخورد می کنند، باعث خشم و انزجار مردم و طلب جدایی خواهی می گردد و وحدت ملی دولت ها را به خطر می اندازد. این تنوع ها و اختلاف ها به قدری کوچکند که دولت مرکزی نمی تواند از همه آنها آگاه شود و با آنها مبارزه نماید... برخی از مسائل نیز به قدری بزرگ اند که یک دولت به تنهایی نمی تواند آنها را کنترل کند مانند اقتصاد به هم پیوسته، تورم، سیاست های پولی، آب و هوا و... که اثرات فرامرزی هستند.

نامطلوب فراوانی نیز بر جای گذاشت. نابرابری شرایط و سطح زندگی مردم؛ بکارگیری زنان و کودکان در صنایع؛ شرایط سخت کارگران؛ استعمار کشورهای جهان سوم و مصرف انبوه و... از آن جمله اند. علاوه بر این، تغییرات بزرگ اجتماعی و فرهنگی بر جوامع مختلف داشت. تافلر در کتاب موج سوم به تحلیل گذشته، حال و آینده فن آوری های کلیدی جهان پرداخته است. تافلر آینده جهان را به تصویر کشیده و مطرح کرده است که چگونه شیوه زندگی، تجارت و ارتباطات بر پایه نیازها و در چهارچوب فن آوری ها تغییر خواهد کرد. موج سوم بر این مفهوم بنا شده که تاریخ بشر دو انقلاب (موج) را پشت سر گذاشته، انقلاب کشاورزی و انقلاب صنعتی و اکنون در سومین آن، یعنی انقلاب فناوری ارتباطات قرار داریم. بسیاری از تغییر و تحولات کنونی مستقل از هم و تصادفی نیستند و همه جزئی از یک پدیده گسترده ترند. یعنی غروب تمدن صنعتی و طلوع تمدنی نوین. تا زمانی که به این رخدادها به صورت تغییرات مجزا بنگریم و وسعت و معنی آنها را نادیده بگیریم، قادر نخواهیم بود برای آنها پاسخ های منسجم و کارسازی پیدا کنیم. به عنوان دولت ها، از منجلا ببحرانی به بحران دیگر می افتیم و بدون برنامه و بدون بینش به سوی آینده پیش خواهیم رفت. عصر الکترونیک یا موج سوم با از هم گسستن خانواده ها، متزلزل ساختن اقتصاد، فلج کردن سیستم های سیاسی و درهم شکستن ارزش ها بر همه اثر خواهد گذاشت. بسیاری از وجوه این تمدن در حال تکوین با تمدن صنعتی در تعارض است. این تمدن درعین حال که به مقدار زیاد فنی است، غیر صنعتی نیز میباشد. مسائل مهم جهان از قبیل غذا، انرژی، تسلیحات و جمعیت و... را در چهارچوب نظام صنعتی نمی توان حل کرد. جامعه آینده چگونه است؟ در نسل جدید افراد به میل خود به اطلاعات مورد نظر خود، در زمان مورد نظر خود به اطلاعات دسترسی پیدا می کنند و دیگر در محدودیت زمان و مکان قرار ندارند... افراد و سازمان ها برای شناخت یکدیگر احتیاج به اطلاعات دارند تا بتوانند باهم کار کنند و در مقابل هم عکس العمل مناسب انجام دهند و رقابت کنند. در نتیجه احتیاج به اطلاعات بیشتری می باشد... موج دوم در واقع قدرت عضلانی ما را افزایش داد و موج سوم قدرت مغز و تفکر و تصمیم گیری ما را افزایش داد... موج دوم حافظه را گسترش داد ولی آن را ایستا و فرسوده و منجمد و جامد کرد. ولی موج سوم هم آن را گسترش داد و هم دوباره جان داد (رایانه ها نیروی محرک تمدن)... در کشورهای پیشرفته حجم کارگران کمتر می شود زیرا اولاً صنایع معمولی به کشورهای در حال توسعه منتقل می شوند، ثانیاً فناوری باعث کاهش استفاده از کارگر و افزایش تولید می شود... دوره تولید در موج دوم طولانی مدت بود ولی در موج سوم کوتاه مدت است و کالاها عموماً سفارشی خواهند بود... در کشورهای پیشرفته، تولید کالاهای کلیدی با حجم کم ولی تخصصی همراه با هزینه پژوهش سنگین انجام می پذیرد...

در گزارش سازمان ملل متحد در آغاز هزاره میلادی آمده است: جوانان منبع خلاقیت، انرژی، ابتکار، پویایی و تجدید اجتماعی هستند، زود فرا می گیرند و خود را سریعاً تطبیق می دهند. اگر به آنها امکان رفتن به مدرسه و کاربایی داده شود، خواهند توانست سهم عظیمی در توسعه اقتصادی و رشد اجتماعی ایفا نمایند. اگر در دادن این فرصت‌ها به آنها کوتاهی کنیم، در بهترین حالت در اتلاف نابخشودنی امکانات انسانی شریک خواهیم بود، و در بدترین حالت در ایجاد نابسامانی‌های جوانان بدون امید سهم خواهیم شد که عبارتند از: از دست دادن روحیه و یک زندگی اجتماعی که از لحاظ اجتماعی غیر مولد، بالقوه مخرب می باشد و نیز خود افراد، جوامع آنها و حتی دموکراسی‌های شکننده. دنیا مواجه با چالش عمده بیکاری جوانان است، و با جهش تعداد جوانان در آینده وضع احتمالاً وخیم تر خواهد شد.

طبق برآورد سازمان جهانی کار ۶۰ میلیون جوان جویای کارند ولی پیدا نمی کنند که ۸۰ درصد آنها در کشورهای روبه رشد یا اقتصادهای در حال انتقال هستند. احتمال بیکار بودن جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله دو برابر احتمال بیکاری بزرگسالان است و در پاره‌ای از کشورهای در حال توسعه این نسبت بالاتر است. کارگران جوان احتمالاً آخرین نفراتی هستند که استخدام و اولین نفراتی هستند که اخراج می شوند و کمتر مورد حمایت قانون قرار می گیرند. بیکاری جوانان می تواند مخرب باشد، و دولت ها به طرق مختلف کوشیده اند با آن مقابله نمایند. ولی سیاست هایی که برای جوانان تدوین شده منجمله استخدام ترجیحی، تا حدود زیادی ناموفق بوده، به این دلیل ساده که از لحاظ اقتصادی ناپایدار است.

در اینجا مشکل تقاضای کلی غیر کافی مطرح است. اقتصادهای کم رشد نمی تواند فرصت های اشتغال به میزان کافی جهت استخدام جوانان خود ایجاد نماید. این عدم موفقیت به نوبه خود رشد را کاهش و فقر را تداوم می بخشد. تاکنون هیچکس راه حل ساده و آشکاری برای این دور که به خودی خود تداوم دارد پیدا نکرده است. طی نسل آینده، جمعیت شهری جهان دو برابر خواهد شد. تقریباً تمام افزایش در کشورهای در حال توسعه خواهد بود. غالباً شهرها به عنوان مهد تمدن، و منابع تجدید حیات فرهنگی و اقتصادی توصیف می شوند، ولی در مورد تقریباً یک سوم جمعیت شهرنشین جهان در حال توسعه که در فقر مفرط زندگی می کنند، وضع به هیچ وجه چنین نیست. اغلب این فقیران شهری چاره‌ای جز سکونت در خانه‌های کثیف و ناسالم یا حلبی آبادها را ندارند. با وجودی که سن جمعیت در شهرها، همانند کشورها، بطور متوسط بالا می رود، ولی حد متوسط سن ساکنین حلبی آبادها جوانتر می شود. حلبی آبادها با اسامی مختلف نامیده می شود، مانند کپرنشین و غیره، ولی معنای آن در تمام نقاط دنیا یکی است: شرایط زندگی نکبت بار که فاقد خدمات شهری مانند آب، بهداشت، جمع آوری زباله و فاضلاب هستند. مدرسه یا کلینیک در نزدیکی‌های آن وجود ندارد، جایی

چالش‌های قدیم و جدید



جهانی و جلب سرمایه‌گذاری خارجی موفق بوده‌اند. طی ۲۵ سال گذشته رشد سالانه آسیا و آمریکای لاتین به ترتیب ۷ و ۵ درصد بوده است. کشورهایی که از جهانی شدن کنار مانده‌اند بدترین وضع را داشته‌اند، و مشتمل بر قسمت های عظیمی از جنوب صحرا در آفریقا هستند.

جهانی شدن نابرابری را تشدید می‌کند. همانطور که بر منابع اقتصادی ناشی از آموزش و مهارت افزوده می‌شود، نابرابری درآمد اشخاصی که بدان دست یافته و آنهایی که بدان دست نیافته‌اند افزایش می‌یابد. این وضع هم در داخل کشورها و هم بین آنها صادق است. جهانی شدن ممکن است این اختلافات را تشدید کند. رقابت بیشتر جهانی نیز ممکن است کسب درآمد در کشورهایی که دستمزد آنان نسبتاً بالاست را محدود سازد، ولی تا این تاریخ این اثر عمدتاً در کشورهای صنعتی احساس شده است. این امر به نوبه خود مستلزم آن است که دوباره بیندیشیم چگونه فعالیت ها و مصالح مشترک خود را اداره کنیم، زیرا بسیاری از چالش‌هایی که امروزه فرا روی ما قرار دارد خارج از توانایی بسیاری از کشورها است که به تنهایی با آن مقابله نمایند. در سطح ملی باید بهتر حکومت کنیم و در سطح بین‌المللی باید یاد بگیریم چگونه با یکدیگر بهتر حکومت نماییم. منافع و فرصت های جهانی شدن در شمار نسبتاً معدودی از کشورها متمرکز شده و به طور نابرابری بین آنها گسترش یافته است.

برای بسیاری از مردم پدیده جهانی شدن به مفهوم آسیب‌پذیری بیشتر در مقابل نیروهای نا آشنا و غیر قابل پیش‌بینی بوده، که می‌تواند موجب ناپایداری اقتصادی و اختلال اجتماعی شود. نگرانی رو به افزایشی وجود دارد که تمامیت فرهنگ‌ها و حاکمیت کشورها ممکن است با خطر مواجه شود. حتی در قدرتمندترین کشورها مردم از خود می‌پرسند چه کسی در راس کارها قرار دارد، و نگران شغل خود هستند و از این بیم دارند که در جریان سریع جهانی شدن، صدای شان بگوش کسی نرسد. در ورای این ابزار نگرانی‌های گوناگون یک پیام واحد نهفته است. یعنی جهانی شدن باید مفهومی وسیع‌تر از صرفاً ایجاد بازارهای بزرگتر داشته باشد.

حوزه اقتصادی را نمی‌توان از بافت پیچیده تر زندگی اجتماعی و سیاسی جدا نموده، و آن را در مسیر خود رها کرد. یک اقتصاد جهانی برای بقا و شکوفا شدن باید بنیان محکمتری در ارزش‌های مشترک و رویه‌های نهادی داشته و باید مقاصد اجتماعی دامنه‌دار تر و جامع‌تر را به پیش ببرد.

انقلاب در ارتباطات به طرق دیگری نیز احساس می‌شود. اینترنت سریع‌ترین رشد ابزار ارتباطی را در تاریخ تمدن داشته و ممکن است سریع‌ترین وسیله اشاعه هرگونه اطلاعات باشد. تقارب و همراهی فن آوری اطلاعاتی و اینترنت و تجارت الکترونیکی، ممکن است به اندازه انقلاب صنعتی تحول برانگیز شود، و ممکن است صحنه اقتصاد جهانی را همچنان تغییر دهد و ساختارهای سازمانی را

برای ملاقات و پرداختن به امور اجتماعی، و نیز محوطه امنی برای بازی کودکان موجود نیست. ساکنین حلیی آبادها در شرایط ناامنی زندگی و کار می‌کنند، و در معرض بیماری، جنایت و خطرات زیست محیطی هستند. کمبود منابع تنها بخشی از علت به وجود آمدن حلیی آبادها و مسکن کثیف است. علل دیگر عبارتند از عملکرد ناقص و ضعیف بازار برای مستغلات و زمین، نظام مالی غیر مسئول، سیاست‌های شکست خورده، فساد و فقدان اساسی اراده سیاسی. ولی این شهرک‌ها در داخل شهرها، سرچشمه انرژی و ابتکار هستند که می‌توانند جهت بهبود امور رفاهی برای ساکنین آن و کل جامعه تجهیز شوند. نیمی از جمعیت دنیا هنوز مجبورند با مبلغی کمتر از دو دلار در روز بسر برند. تقریباً ۲/۱ میلیارد نفر (۵۰۰ میلیون در جنوب آسیا و ۳۰۰ میلیون در آفریقا) با کمتر از یک دلار درآمد در روز دست و پنجه نرم می‌کنند، مردمی که در آفریقا، جنوب صحرا زندگی می‌کنند به همان اندازه ۲۰ سال پیش فقیرند. این چنین محرومیت، بی‌نوایی، یاس، فقدان آزادی اساسی را به دنبال دارد که به نوبه خود به فقر تداوم می‌بخشد.

از کل جمعیت کارگری دنیا ۱۴۰ میلیون نفر کاملاً بیکارند و یک چهارم تا یک سوم بطور پاره وقت و یا با دستمزدی کمتر از آنچه که استحقاق دارند کار می‌کنند. ادامه نابرابری درآمد طی دهه گذشته نیز ناراحت کننده است. در سطح جهان یک میلیارد نفری که در کشورهای توسعه یافته زندگی می‌کنند ۶۰ درصد از درآمد دنیا را بدست می‌آورند، در حالی که ۵/۳ میلیارد نفر در کشورهای کم درآمد کمتر از ۲۰ درصد کسب می‌کنند.

بعضی کشورها نابرابری فزاینده داخلی را تجربه کرده‌اند، منجمله کشورهایهایی که در حال انتقال از کمونیسیم هستند. در دنیای در حال توسعه، شکاف و تفاوت درآمد در آمریکای لاتین محسوس‌تر از سایر نقاط، و بعد از آن جنوب صحرا در آفریقا است. فقر مفرط اهانت به کل بشریت است که مسائل دیگر را نیز وخیم‌تر میکند. مثلاً کشورهای فقیر (بخصوص کشورهایی که بین جوامع قومی و مذهبی آن نابرابری حاد وجود دارد)، احتمالاً بیشتر از کشورهای غنی درگیر مخاصمات می‌شوند. اغلب این جنگ‌ها داخلی هستند، ولی تقریباً همیشه مسائلی برای همسایگان ایجاد می‌کنند، یا اعطای کمک‌های بشر دوستانه را الزامی می‌نمایند.

علاوه بر این کشورهای فقیر غالباً ظرفیت و منابع برای اجرای سیاست‌هایی که از لحاظ زیست محیطی صحیح باشد را ندارند. این امر تاثیر منفی در حفظ و پایداری وضع نامطلوب معیشتی آنها داشته و آثار فقر آنها را تشدید می‌نماید. اگر مساعی خود را مضاعف و هم‌آهنگ نکنیم، فقر و نابرابری باز هم وخیم‌تر خواهد شد.

جمعیت جهان، انتظار می‌رود تا سال ۲۰۲۵، تعداد ۲ میلیارد نفر دیگر هم افزایش یابد، که تقریباً تمامی آن در کشورهای رو به رشد، و اکثراً در فقیرترین کشورها خواهد بود. کشورهایی که به رشد بالا دست یافته‌اند آنهایی هستند که در ادغام و یکپارچگی در اقتصاد

متحول سازد.

شاید مهمترین نکته این باشد که این فن آوری ها ممکن است مردم را که تحت شرایط دیگر و در نتیجه بعد مسافت، فرهنگ و طبقه بندی اقتصادی دچار تفرقه می شدند، قادر سازد که مستقیماً با یکدیگر در ارتباط قرار گیرند، که خود بالقوه تفاهم بهتری ایجاد می کند، مبنی بر اینکه ما مردمان چه کسانی هستیم. ولی هیچ کدام از امکانات برای اشخاصی که به فن آوری دسترسی ندارد، موجود نیست، که خود یا به دلیل فقدان زیر ساخت یا سرمایه لازم است، یا بدان سبب که محیط های تنظیم کننده مانع این کار می شود. جهان به مراحل اولیه از یک انقلاب فن آوری دیگر وارد شده است. این وضع را می توان در رشته های پزشکی و داروسازی و بیوتکنولوژی مشاهده کرد. این مرزهای نو هم امیدبخش و هم ترسناک است.

بهداشت بهتر و امنیت غذایی بیشتر در دسترس ما است، ولی ضمن استفاده از فرصت هایی که بیوتکنولوژی در اختیار ما قرار می دهد، نباید از ریسک های موجود غافل باشیم. مخصوصاً باید اطمینان حاصل نماییم که اطلاعاتی که پژوهشگران در نتیجه کشف رمز ژنتیک بدست می آورند، آزادانه در دسترس همه قرار گیرد. کلیه رموز ژنتیکی مربوط به زندگی انسانی به کل بشریت تعلق دارد. در دهه های اخیر، نوآوری پزشکی، پیشرفت در مراقبت های پایه ای بهداشت و سیاست های توانمند اجتماعی افزایش چشمگیری در طول عمر و کاهش قابل ملاحظه ای در مرگ و میر کودکان به دنبال داشته است. بهداشت بهتر، به نوبه خود، موجب رشد اقتصادی شده و در همین حال فقر و نابرابری درآمد را تقلیل می دهد. در واقع سرمایه گذاری در مراقبت پزشکی مخصوصاً برای مستمندان که جهت امرار معاش عمدتاً متکی به کار خود هستند، مفید است. همه مناطق به یک سطح پیشرفت دست نیافته اند. شرق آسیا بهترین وضع و جنوب صحرا در آفریقا بدترین وضع را داشته اند. یکی از دلایل اساسی که مستمندان همچنان فقیر می مانند این است که به مراقبت های پزشکی دسترسی ندارند. در اکثر کشورهای کم درآمد هزینه بهداشت برای هر شخص کمتر از مبلغ ۱۰ دلار است.

از اوایل دهه ۷۰ حدود ۵۰ میلیون نفر دچار عفونت HIV شده اند، که ۱۶ میلیون نفر آنها مرده اند. تنها در سال ۱۹۹۹، تعداد ۶/۵ میلیون نفر به ویروس ایدز HIV آلوده شدند، که بیش از نیمی از آنان کمتر از ۲۵ سال داشتند. این بیماری به شدت به جوانان حمله می کند و بدترین اثر آن در کشورهای فقیر متمرکز شده و مجال وحشتناکی برای بسط و سرایت دارد. از ۳۶ میلیون نفر در سرتاسر جهان که اکنون با ویروس ایدز زندگی می کنند، بیش از ۲۳ میلیون نفر در آفریقا، جنوب صحرا هستند. همچنین ظهور ویروس کرونا و نمونه های آن روابط اجتماعی و اقتصادی را در جهان نامتعادل ساخته است.

تغییر ماهیت تهدیدات نسبت به صلح و امنیت که مردم دنیای امروز با آن روبرو هستند نشان می دهد تا چه اندازه ما از یک دنیای صرفاً

بین المللی نقل مکان کرده ایم. پیش فرض مواد منشور آن بود که تهاجم خارجی، یعنی حمله یک کشور علیه کشور دیگر جدی ترین تهدید است، ولی در دهه های اخیر تعداد خیلی بیشتری از مردم در جنگ های داخلی، پاک سازی قومی و کشتار دسته جمعی افراد یا نژاد خاص و با سلاح هایی که در بازار جهانی اسلحه در دسترس همه است، کشته شده اند. فن آوری های کشتار دستجمعی در دنیای زیرزمینی مبتنی بر بازار غیر قانونی جریان دارد، و تروریسم بر حکومت های با ثبات سایه افکنده است... از دهه ۱۹۹۰ جنگ ها عمدتاً داخلی و وحشیانه بوده و جان بیش از ۵ میلیون نفر را گرفته است. این جنگ ها بیش از آنکه به مرزها تجاوز کرده باشد به انسان ها متعرض شده است. کنوانسیون های بشر دوستانه بارها نقض شده، غیر نظامیان و کمک رسانان به اهداف استراتژیک تبدیل شده اند و کودکان مجبور شده اند که دست به قتل بزنند. جنگ های فوق که غالباً از جاه طلبی سیاسی یا طمع ناشی می شوند بر سر اختلافات قومی و مذهبی شعله ور شده، و توسط منافع اقتصادی خارجی ادامه یافته و به وسیله یک بازار خیلی فعال عمدتاً غیر قانونی اسلحه تغذیه شده است. به دنبال این مخاصمات، درک جدیدی درباره مفهوم امنیت در حال تکوین است. زمانی امنیت به معنای دفاع از سرزمین در مقابل حملات خارجی تلقی می شد ولی الزامات امروزی حمایت از جوامع و افراد در مقابل خشونت داخلی را نیز در بر می گیرد. تداوم خطراتی که سلاح های کشتار دستجمعی مخصوصاً اسلحه هسته ای برای بشریت ایجاد کرده لزوم اتخاذ یک رویه انسانی تر نسبت به امنیت را تقویت می کند، دامنه و اهداف این قبیل سلاح ها، در صورتی که مورد استفاده قرار گیرند، از نامشان پیداست. مخاصمات مسلحانه بیش از هر چیز دیگری برای نیل به اهداف دستیابی به رشد و مبارزه با فقر زیانبار است. تعداد تلفات ناشی از سلاح های سبک در مقایسه با تلفات ناشی از سایر انواع اسلحه زیاد است، و در اغلب سال ها از تلفات ناشی از بمب های اتمی، که هیروشیما و ناگازاکی را ویران ساخت، بیشتر است. سلاح های سبک از نظر کشتاری که موجب می شوند در واقع می توانند به عنوان "سلاح های کشتار جمعی" توصیف شوند. معهدنا هنوز هیچ نظام جهانی برای عدم تکثیر که گسترش آن را محدود سازد، به آن صورت که در مورد سلاح های شیمیایی، بیولوژیکی و هسته ای وجود دارد، در دست نیست. تکثیر سلاح های سبک صرفاً یک موضوع امنیتی نیست، بلکه یک امر حقوق بشری و توسعه ای نیز هست. تکثیر سلاح های سبک مخاصمات مسلحانه را تداوم بخشیده و تشدید می نماید، محافظان صلح و کارکنان اقدامات بشر دوستانه را به مخاطره می اندازد، احترام نسبت به قوانین بین المللی بشر دوستانه را تضعیف می کند، دولت های قانونی ولی ضعیف را تهدید کرده، و به نفع تروریست ها و مرتکبین جنایات سازمان یافته تمام می شود. بسیاری از مازاد سلاح های سبک جنگ سرد از خطرناک ترین مناطق جنگی دنیا سر درآورده اند، و هر قدر که

سبک زندگی و تغییرات آینده

Life style یا سبک زندگی اصطلاحی است که از آغاز قرن بیستم توجه بسیاری را به خود جلب نموده است و اندیشمندان از زوایای گوناگون اقتصادی و اجتماعی و روان شناختی و سیاسی به آن نگاه کرده و نظریه های مختلفی پیرامون آن ارائه شده است. در ۱۹۲۰ میلادی مفهوم سبک زندگی با دیدگاهی روان شناختی و مبتنی بر فرد مطرح شد. در این دیدگاه ارزش های فرد نقش تعیین کننده ای در سبک زندگی او دارند و به تعداد افراد انسانی می توان سبک زندگی متصور بود. به سرعت دیدگاه فردی سبک زندگی مورد انتقاد جامعه شناسان قرار گرفت و آنها آن را پدیده ای جمعی خواندند. در دهه ۱۹۴۰ میلادی سبک زندگی ابزار سیاسی تمایز بین بلوک بندی های غرب و نازی ها و شرق شد و در ۱۹۵۰ میلادی سبک زندگی نمایانگر جایگاه و هویت اجتماعی افراد در برابر دیگران شد. در این دهه و دهه ۱۹۶۰ میلادی تاثیر رسانه های جمعی بر ترویج مصرف گرایی و تبلیغات کالاها و سوق دادن طبقات متوسط جامعه به استفاده از کالاهای انبوه بازار و ایجاد نیازهای کاذب مطالعات از سبک زندگی به سمت مصرف سوق یافت و در دهه ۱۹۷۰ میلادی بعنوان خرده فرهنگ گروه ها و افراد خاص مورد توجه واقع شد. در ۱۹۹۰ میلادی سبک زندگی به حوزه ای بین رشته ای تبدیل شد و از آن به بعد سبک زندگی زمینه توسعه تغییرات فرهنگی غرب در راستای جهانی سازی

تعداد این سلاحها افزایش یابد، قیمت آن پایین می آید. در نتیجه حتی فقیرترین کشورها توانسته اند بدن دسترسی پیدا کنند. کار کنترل بر تکثیر به نحو موثر سخت تر از حد لازم شده است؛ و علت آن رفتار غیر مسئولانه بعضی از کشورها، و ناتوانی بعضی دیگر، توأم با پرده اسرار آمیزی که بر روی تجارت اسلحه کشیده شده است. وحشیگری نسبت به غیر نظامیان مخصوصاً زنان و کودکان در نبردهای مسلحانه همچنان ادامه دارد. زنان خصوصاً در مقابل خشونت و استثمار جنسی آسیب پذیر می شوند، در حالی که کودکان به طعمه آسانی برای کار اجباری تبدیل شده و غالباً مجبور می شوند خود جنگ کنند. جمعیت غیر نظامی و زیر ساختارها غالباً به پوششی برای عملیات برای جنبش شورشیان، هدف انتقام جویی و قربانیان وحشیگری های آشفته تبدیل می شوند که معمولاً به دنبال فروپاشی اقتدار دولتی به وقوع می پیوندند، در حالات افراطی افراد بی گناه غالباً به اهداف اصلی مرتکبین پاکسازی قومی و کشتار دسته جمعی تبدیل می شوند. در زمانی که تحریم های قوی و جامع اقتصادی علیه رژیم ها اعمال گردد، مسئله متفاوتی بروز می کند. در اینجا معمولاً مردم صدمه می بینند، نه نخبگان سیاسی. طی نیم قرن گذشته دنیا به منافع بی سابقه اقتصادی دست یافته است، کشورهایی که فقط یک نسل پیش برای مبارزه با توسعه نیافتگی تلاش می کردند اکنون به مراکز نیرومند پر سر و صدای فعالیت اقتصاد جهانی و رفاه داخلی تبدیل شده اند. علی رغم گذشته دهه های آزادسازی، سیستم تجارت جهانی زیر بار تعرفه ها و سهمیه ها باقی مانده است. اغلب کشورهای صنعتی هنوز از بازارهای خود در مقابل محصولات کشاورزی و تمامی آنها از بازارهای خویش در مقابل منسوجات محافظت می کنند، یعنی دو بخشی که در آن کشورهای در حال توسعه دارای مزیت نسبی شناخته شده می باشند. علاوه بر این کمک های کشاورزی در کشورهای صنعتی قیمت های جهانی را پایین می آورد، که این امر لطمه بیشتری به کشاورزان کشورهای فقیر وارد می آورد. همانطور که به آینده می نگریم می توانیم خطر واقعی، یعنی از بین رفتن منابع، مخصوصاً کمیابی آب شیرین، و نیز اشکال نابودی زیست محیطی که ممکن است تنش های اجتماعی و سیاسی را به صورت غیر قابل پیش بینی ولی بالقوه خطرناک افزایش دهد، مشاهده کنیم. امروزه سرعت تحولات غالباً بیشتر از آن است که نهادهای ملی و بین المللی بتوانند خود را با آن تطبیق دهند. تعداد زیادی از موضوعات در آن واحد در حال تغییر است که هیچ سازمانی به تنهایی نمی تواند همه آنها را ردیابی و دنبال نماید، مخصوصاً با توجه با اینکه تغییرات فوق معمولاً از مرزهای سنتی بین موضوعات دانشگاهی و زمینه های حرفه ای گذر می کند. هیچ کشور و سازمانی به تنهایی نمی تواند کلیه این مسایل را حل کند و نیز هیچ کشوری نباید تصور کند که اگر دولت و شهروندان آن از صمیم قلب دست به اقدام نزنند، سایر کشورهای مسایلش را حل خواهند کرد. برای آنکه قرن بیست و یکم امن تر و عادلانه تر از قرن بیستم شود، مستلزم آن است که کلیه کشورها و افراد اقدامات قاطعانه ای بعمل آورند.



دارد و وجه عینی آن که رفتارها هستند از بخش ذهنی آن تفکیک می شود. بخش اول فرهنگ، الگوهای شناختی شامل ارزش ها و باورها و آگاهی ها و نگرش ها است و بیشتر افراد به این بخش توجه می نمایند در صورتیکه بخش دیگر این زنجیره فرهنگی الگوهای هنجاری و رفتاری هستند که با الگوهای شناختی در تعامل مداوم بوده و بر هم تاثیر می گذارند. در کشور ما پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران توجه به فرهنگ به سمت ابعاد ذهنی آن یا بخش اول شامل الگوهای شناختی یعنی باورها و ارزش ها سوق یافت و ابعاد عینی آن یعنی رفتارها کمتر مورد توجه بود تا اینکه در دهه های دوم و سوم انقلاب با پدید آمدن رفتارهای غربی در زندگی برخی افراد و گروه ها در جامعه اندیشه های فرهنگی به سمت الگوهای رفتاری سوق یافت.

غربی ها از دهه ۱۹۵۰ میلادی به بعد با ظهور رسانه های مانند تلویزیون و عمومی شدن الگوهای تبلیغاتی و توانایی آن در ترغیب به مصرف و مد سازی، بتدریج و بصورت تجربی متوجه شدند که برای تغییر فرهنگی افراد و جوامع، لازم نیست بصورت مستقیم تغییرات ارزشی و باورهای آنها را هدف بگیرند بلکه اگر بتوانند الگوهای هنجاری و رفتاری افراد و گروه ها را تغییر دهند بتدریج تغییر در ارزش ها و باورهای آنان نیز روی خواهد داد. این مهم از آن جهت برای آنان ارزش داشت که این الگو سازی می توانست در راستای هم شکل کردن مردم جهان و فروش کالاهای مصرفی بصورت انبوه یاری رساند و در راستای برنامه های اقتصادی و تجاری آنها و تئوری های جهانی سازی و یک شکل کردن جهان بکار رود. آنچه سبک زندگی را از فرهنگ و شیوه زندگی تا حدودی متمایز نموده است روش و بینشی است که در سبک زندگی وجود دارد. فرهنگ مانند انباره ای از آگاهی ها، عقاید، باورها و رسوم و رفتار است و انباشتی از معرفت های گوناگون. اگر برای ورود به این انبار بزرگ روش و بینشی نداشته باشیم با مجموعه ای از لایه ها و اجزاء

شد و بیش از گذشته مورد توجه سیاستمداران غربی قرار گرفت. بدین ترتیب طیفی از نظریات سبک زندگی در رشته های گوناگون علمی و دیدگاه های گسترده ای در میان اندیشمندان، بازرگانان، تولید کنندگان کالا، متخصصان تبلیغات و سیاستمداران و اندیشمندان دینی در مورد سبک زندگی وجود دارد و قلمرو مهم و پیچیده ای در روش و نگاه به زندگی پدید آورده است. در این مدت ابتدا علاقه اندیشمندان روانشناسی و جامعه شناسی و سپس اقتصاد دانان به شناخت ابعاد گوناگون سبک زندگی موجب ترویج این اصطلاح شد و سپس از آنان علاقه تولید کنندگان کالاها و سرمایه داران به شناخت مصرف و تشخیص انواع سلیقه ها و گرایش ها و مد سازی و مصرف گرایی، سبک زندگی را مورد توجه قرار داد و بعد از آنان دولت های سرمایه داری نیز برای کسب درآمدهای اقتصادی حاصل از تولید انبوه کالاهای مصرفی، جهان را به سمت سبک سازی زندگی مدرن و مصرفی سوق دادند.

با ظهور تلویزیون و مشخص شدن توانایی آن در تبلیغات تجاری و افزایش مصرف کالاهای مختلف بتدریج رسانه ها به رسانه های سبک زندگی تبدیل شدند. سبک زندگی، هنگامی که مباحث مربوط به جهانی شدن گسترش یافت؛ بیش از گذشته اهمیت یافت و موجب شد مطالعات در مورد تاثیر باورها و عقاید و اعتقادات مذهبی بر سبک زندگی و چگونگی حفظ هویت های ارزشی در برابر تغییرات سبک زندگی بیش از گذشته مد نظر پژوهشگران قرار گیرد.

اگر زندگی جمعی انسان ها را به زنجیره ای از ارزش ها و باورها و آگاهی ها و نگرش ها و هنجارها و رفتارهای مشترک تعبیر کنیم که به آن فرهنگ جوامع انسانی نام نهاده اند؛ در یک سر این زنجیره الگوهای شناختی وجود دارد که ذهنی بوده و در سر دیگر زنجیره الگوهای رفتاری مشاهده می شود که عینی و قابل تشخیص هستند. معمولاً تعبیر فرهنگ به هر دو بخش ذهنی و عینی اختصاص

زندگی اش در روش انتخاب و گزینش و چینش او قابل مشاهده است. به کارگیری کلمه سبک به همین منظور است. فرد مانند یک هنرمند به تحصیل شناخت و تجربه ای متفاوت از دیگران و به روش خود زندگی اش را بازگویی می کند. در این حوزه، مفاهیم و مصادیق و نمادها و اسطوره های جدیدی بوجود آمده و باز تعریف می شوند. نقش رسانه ها در سبک سازی زندگی غربی بر هیچکس پوشیده نیست، اما چگونگی کارکرد رسانه ها و نقش و تاثیر آنها وقتی با اهمیت تر می شود که ظهور رسانه های نوین در فضای مجازی مانند سایت ها و پرتال های اینترنتی و شبکه های اجتماعی و تلویزیون های تعاملی دوره طلایی رسانه های سبک زندگی را بوجود می آورد که تمام کاستی های گذشته رسانه ها را جبران کرده و می تواند با پردازش اطلاعات دقیق کاربران و تشخیص هویت آنان، افکار و اذهان عمومی را بصورت طبقه بندی شده و بصورت روشمند و مرحله ای شناسایی و گسترش داده و سلیقه و ذائقه افراد و گروه ها و جوامع را بصورت دقیق و حساب شده جهت دهی نماید.

سبک های زندگی مجموعه ای از طرز تلقی ها، شیوه های رفتار، حالت ها و سلیقه ها در هر چیزی را در برمیگیرد. در بیشتر مواقع مجموعه عناصر سبک زندگی در یک جا جمع می شوند و افراد در یک سبک زندگی مشترک می شوند. به نوعی گروه های اجتماعی اغلب مالک یک نوع سبک زندگی شده و یک سبک خاص را تشکیل می دهند. سبکی شدن زندگی با شکل گیری فرهنگ مردم رابطه نزدیک دارد. مثلا می توان شناخت لازم از افراد جامعه را از سبک زندگی افراد آن جامعه بدست آورد. اما چون معمولا منزلت اجتماعی افراد متفاوت است؛ در یک جامعه هم زمان سبک های گوناگون زندگی مشاهده می شود.

ضرورتی برای یک شکل کردن سبک های زندگی وجود ندارد، چرا که انسان ها در موقعیت های گوناگون سنی و جنسی و منزلتی و در قشرهای گوناگون زندگی می کنند. اما اگر برای هر گروه اجتماعی سبک زندگی ویژه ای طراحی شود این گروه ها بتدریج می توانند الگوهای رفتاری از خود نشان دهند که در درازمدت به شکل گیری ارزش های و الگوهای شناختی منجر می شود و این گروه ها می توانند در ارزش های نهایی هم رنگ شوند در حالیکه سبک زندگی آنها تفاوت هایی با هم دارد. به کمک رسانه ها الگوسازی سبک زندگی، ساده تر و عملی تر انجام می شود؛ چرا که نیازمند وجود مصادیق واقعی و حقیقی نیست. سینما و تلویزیون و انیمیشن و بطور کلی رسانه ها می توانند با خلق شخصیت ها و داستان ها و اشیاء و وقایع و تصویر سازی مجازی هر چه را قابل تصور است بصورت عینی به بیننده ارائه نمایند و انواع الگوهای غیر واقعی را مجسم؛ ترغیب و معرفی و تبلیغ نمایند. دنیایی از نمادها به کمک رسانه ها به تولید باز تولید هویت افراد و جمع ها می پردازند و تغییرات اساسی را در سبک زندگی و بتدریج در الگوهای ارزش و فرهنگی جوامع بوجود می آورند.

فرهنگی روبرو خواهیم شد که می توانیم فقط بخشی که در مقابل ما در قفسه ها قرار گرفته است را مشاهده نماییم. اما اگر این انبار بزرگ را به روشی جدید و بر اساس بینشی متمایز دسته بندی کنیم، کالاها و اجناس و اجزاء موجود در انبار را به گونه ای دسته بندی شده قابل مشاهده می یابیم. روش و بینش در سبک زندگی به آدمی می آموزد که چگونه به اطلاعات و داده های فرهنگی خود سامان دهد و آنچه می پسندد را چینش جدید و دسته بندی سلیقه ای و قابل تحلیل و بازخوانی نمایند و بینش ظرفیت و قالب انسجام یافته ای دارد که ترجیحات، گرایش ها و ارزش های هر فرد را مشخص می کند و روش مسیر اندیشیدن را به ما نشان می دهد. بدون تردید انتخاب بینش و روش متفاوت به نتایج متفاوتی خواهد انجامید و در صورتیکه خطایی در انتخاب بینش و روش وجود داشته باشد اهداف و نتایج نیز دارای اشتباه و خطا خواهد شد. در حوزه فرهنگ افراد جامعه به کمک ارزش ها و باورها و عقاید و رسوم و هنجارهای مشترک و جمعی حرکت و رفتار می کنند و شعور جمعی و عقاید و اراده جمعی آحاد جامعه بصورت فرهنگ قابلیت و تسهیل در تصمیم گیری و رفتار را برای ما فراهم می آورد. اما در سبک زندگی، شناخت از زندگی و تصمیم گیری در مورد رفتار و نحوه عمل و حرکت ما در جامعه بر بستر فرهنگ جامعه انجام نمی شود بلکه نسبی، فردی، خرده گروهی، محدود و غیرعمومی است. بینش فرهنگی در سبک زندگی از جایی آغاز می شود که فرد «خود» را به عنوان نقطه حرکت قرار می هد (و نه جمع را). آرمان من چیست؟ و چگونه می توانم به آن دست یابم؟ طرز تلقی من، برداشت من، ذهنیت من و در مجموع بینش من تنها معیار برای تشخیص منافع من و روش زندگی من است. بدین ترتیب بینش در سبک زندگی به مرز فرهنگ جمعی و منافع جمعی و خاستگاه جمعی و اولویت ها و ارزش های جمعی نمی رسد و در مرز خودبینی و ذهنیت فردی قرار می گیرد. افراد بازیگران اصلی صحنه فرهنگ می شوند و هدف های جمعی جای خود را به هدف های فردی و خرده گروهی می دهد. ترجیحات فرد بعنوان ارزش تلقی می شود و معیار تشخیص فرد متکی به دریافت ها و معرفت قبلی او از جهان است. آگاهی فردی و اطلاعات دریافت شده فرد از محیط عنصر اساسی تصمیم گیری او می شود و در مجموع بینش فرد شکل می پذیرد. در پی این بینش در سبک زندگی، روشی نیز نهفته است راه رسیدن به هدف با نظم و توالی خاصی از انتخاب ها و گزینش ها صورت می گیرد، قواعد ساده و مشخصی ترسیم می شود و قاعده بازی جدیدی به اجرا در می آید. هر فردی می تواند عناصر و اجزاء زندگی خویش را آنچنان که مطلوب و مناسب با اهداف خود می داند انتخاب، گزینش و چینش نماید به نحوی که ترکیب منسجمی از اجزاء و کالاها و انتخاب هایی که قابل تحلیل و ارزیابی است پدید می آید و در ورای این ترکیب نگاه فرد به زندگی آشکار می شود. جهان بینی، هستی شناسی، فهم و ارداک و شناخت او از محیط

آینده جهانی سازی



انقلاب قدرت (تغییر در توان و قدرت کشورها) صرف نظر از بحث های زیاد و کلان، فرهنگ را مجموعه ای پیچیده ای از دانستی ها، باورها، هنر ها، اخلاق قوانین، آداب و رسوم و گرایش ها، قابلیت ها و عادات های روزانه که آدمی در پرتو عضویت در یک اجتماع بدست می آورد در نظر می گیریم به عبارت دیگر، مجموعه عناصر عینی و ذهنی که در سازمان های اجتماعی جریان می یابند و از نسلی به نسل دیگر منتقل می شوند، میراث اجتماعی یا میراث فرهنگی و یا فرهنگ می نامیم. با توجه به برداشت از فرهنگ می توان این سوال را مطرح کرد که مراد از جهانی شدن فرهنگ چیست؟ در پاسخ می توان برداشت های متفاوتی را مطرح کرد. یک برداشت اینست که جهانی شدن فرهنگ به این معنی است که در اثر رشد بی سابقه رسانه های ارتباط جمعی و تکنولوژی اطلاعات؛ یک نوع به هم پیوستگی فزاینده ای فرهنگی در سراسر جهان بوجود آمده است و جوامع نسبت به هویت و فرهنگ و هنجارهای دیگر بیشتر از هر زمان دیگر دسترسی دارند؛ در مقابل گرایشی هم وجود دارد که در مغایرت کامل با این نگرش است. در مجموع می توان گفت که سه تفسیر از جهانی شدن فرهنگ ارائه کرد:

الف) استفاده از شبکه های اطلاعاتی و فرهنگی برای بین المللی کردن فرهنگ های ملی، قومی، مذهبی؛ در این تلقی شبکه های اطلاعاتی ابزاری است که فرهنگ های ملی و محلی را بین المللی کرده و آن را در اختیار جوامع جهانی قرار می دهد. در این حالت

«جهان به سرعت در حال دگرگونی به فضای اجتماعی به طور نسبی واحد است که توسط نیرو های اقتصادی- فناوری، اجتماعی و سیاسی شکل می گیرد، به گونه ای که گسترش ابعاد مورد نظر در نقطه ای از جهان بر روی تغییرات زندگی افراد، نهاد ها، بنگاه ها در نقطه دیگر جهان، تاثیر و نتیجه شگرفی به جای می گذارد»

واژه جهانی سازی از سال های پایانی دهه ۲۰۰۰ میلادی مورد بررسی قرار گرفت و به گسترش پیوند های جهان، سازمان دهی زندگی اجتماعی در مقیاس جهانی و تحکیم جامعه جهانی اشاره دارد و در چند عامل سرمایه گذاری و تجارت بین المللی، صنایع، اطلاعات، خدمات و فناوری، اشخاص و نیروی کار و مهاجرت و ایده و فرهنگ و هویت خلاصه می شود. فناوری اطلاعات و ارتباطات و بهبود فرآیند دسترسی به اطلاعات و کاهش هزینه مبادلات بستر اساسی رشد نظریه جهانی شدن یا جهانی سازی بوده است جهانی سازی از اقتصاد شروع می شود و حوزه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را در بر می گیرد. برخی جامعه شناسان معتقدند که جهانی سازی جهان را به سمت چهار انقلاب اجتماعی می برد:

انقلاب اقتصادی پس از کمیایی
انقلاب طبیعت انسانی شده (تهدید های زیست محیطی صنعتی شدن)
انقلاب حقوق و دموکراسی (نقض حقوق دموکراتیک و تغییر در دولت- ملت ها)

شد. در آغاز دهه ۷۰ به دنبال طرح «دهکده جهانی» مک لوهان این مفهوم به صورت ابتدایی و با تمرکز رسانه‌ها و به ویژه تلویزیون وارد حوزه مطالعاتی شد. جنبه‌ها و محورهای اساسی جهانی شدن عبارتند از اقتصاد، فرهنگ، سیاست، و مسائل زیست محیطی. در بعد اقتصادی جهانی شدن شرایط اقتصاد کنیزی را به چالش کشیده و عرضه و تقاضا دیگر صرفاً در چارچوب مرزهای ملی محدود نیست. ظهور یک نظم (یا بی‌نظمی) اقتصادی جدید قدرت فوق العاده به شرکت‌های چند ملیتی داده و ظهور همگرایی فراملی در بخش سرمایه سبب شده است که مدیریت اقتصادی احتیاج به روابطی در ورای ساختارهای دولت - ملت دارد. در بعد فرهنگی امروزه وجود رسانه‌های جمعی، جریان مهاجرت انسان‌ها، توریسم و ظهور فرهنگ‌های سوم کارکنان نهادهای اقتصادی و سیاسی جهانی، به هم پیوستگی فزاینده فرهنگی انجامیده است. آن چه اهمیت دارد توجه به این نکته است که: جهانی شدن فرهنگی به معنای گرایش به حاکمیت یک فرهنگ واحد جهانی نیست بلکه به معنای جهانی شدن فرهنگ‌ها است که توأم با روندهای محلی می‌باشد. در بعد زیست محیطی مسائلی چون آلودگی فرامرزی (باران‌های اسیدی منطقه‌ای) وجود وابستگی متقابل زیست محیطی و آلودگی منابع مشترک زیست محیطی به وضوح با سیاست‌های جهانی مرتبطند. در بعد سیاسی، اهمیت یافتن نقش سازمان‌های بین‌المللی و رژیم‌های بین‌المللی حقوق بشر، سبب تقسیم شدن حاکمیت دولت ملی شده و تضعیف یا تغییر نقش آن را در پی داشته است. راجع به پیامدهای جهانی شدن نیز دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که وجه مشترک آنها این عقیده است که پدیده مذکور جبری و اجتناب ناپذیر است. گرچند اندیشمندان، جهانی شدن را فرایندی چند بعدی، ناهمگون و پر از احتمال و عدم قطعیت می‌دانند، اما در مجموع آن را جریانی اجتناب ناپذیر و به سوی تکامل تلقی می‌کنند که نتایج آن غیر قابل پیش بینی است. هرگونه تصور راجع به جهانی شدن وجود داشته باشد آن چه امروزه به عنوان یک واقعیت در حال وقوع است فراملی شدن روابط و پدیده‌های غیر دولتی و فراگیری قواعد، هنجارها و رژیم‌های فراملی در سطح جهانی است. در این که جهانی شدن چیست تعاریف متعددی ارائه شده است که برای نمونه می‌توان به این تعریف اشاره کرد. مک گرو می‌گوید: «جهانی شدن عبارتست از برقراری روابط متنوع و متقابل بین دولت‌ها و جوامع که به ایجاد نظام جهانی کنونی انجامیده است و نیز فرایندی که از طریق آن، حوادث، تصمیمات و فعالیت‌ها در یک بخش از جهان، می‌تواند پیامدهای مهمی برای سایر افراد و جوامع در بخش‌های کره زمین داشته باشد. آنچه که بیش از همه به عنوان تعریف این پدیده ذکر شده، آن است که «جهانی شدن عبارت است از فرآیند فشرده‌گی فزاینده زمان و فضا که به واسطه آن، مردم دنیا کم و بیش و به صورتی نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند.»

جهانی شدن فرهنگ به سوی جهان چند فرهنگی حرکت می‌کند و شرایط بوجود آمده این فرصت را به فرهنگ‌های ملی و مذهبی و قومی می‌دهد که مخاطبان خود را افزایش دهد.

ب) گسترش جهانی فرهنگ‌های مسلط از طریق بازارهای جهانی : در این تفسیر جهانی شدن مترادف با امپریالیسم فرهنگی قلمداد شده است. و جهانی شدن فرهنگ به معنی حرکت بسوی الگوی فرهنگی واحد و یکپارچگی فرهنگی جهان می‌باشد.

ج) بین‌المللی شدن و همگونی فرهنگی طبق ارزش‌های ملل توسعه یافته. که در این برداشت جهانی شدن فرهنگ الزاماً بمفهوم گسترش فرهنگ مسلط نیست اما بصورت طبیعی روند ایجاد شده به استیلای فرهنگی ملل توسعه یافته و عقب نشینی دیگر فرهنگ‌ها می‌انجامد.

در مجموع تعاریف جهانی شدن فرهنگ مانند سایر ابعاد جهانی شدن برآیندی از دینوع نگاه بد بینانه و خوش بینانه به این مقوله است در نگاه خوش بینانه جهانی شدن فرهنگ بمعنی بین‌المللی شدن فرهنگ‌های ملی و محلی است که معادل کثرت‌گرایی فرهنگی است در حالیکه در نگاه بد بینانه به جهانی شدن فرهنگ به همونی شدن و استیلای فرهنگ جوامع توسعه یافته اشاره می‌کند. به نظرمی رسد که در جهانی شدن، فرهنگ ارتباطات نقش کلیدی دارد و از ارتباطات می‌توان بعنوان شاکلید جهانی شدن فرهنگ نام برد.

جهانی شدن از مفاهیم و اصولی است که کمتر حوزه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی را می‌توان یافت که از این مسئله تاثیر نپذیرفته باشد به‌ویژه که با آغاز هزاره سوم میلادی جهان دچار تغییرات بنیادین شده است و ما شاهد موج جدیدی از این فرایند هستیم. در حوزه عینی فرایند دموکراتیک شدن جهان، گفتمان حقوق بشر و شهروندی جهانی، گسترش رژیم‌های فراملی، به حرکت درآمدن جنبش‌های اجتماعی هویت جو، مؤلفه‌های اساسی تحولات اجتماعی در مقیاس جهانی است. در اثر این فرایند است که امروزه تحلیل‌های سیاست، در چارچوب دولت - ملت کافی نیست. زیرا پدیده‌های سابقاً ملی در اثر فرایند جهانی شدن دستخوش تحول معنایی شده و از این تحول می‌توان تغییر پارادایم در جامعه‌شناسی سیاسی نام برد. می‌توان این سوال را مطرح کرد که جهانی شدن چه فرصت‌ها و چه تهدیدهای فرهنگی را فراروی جهان سوم قرار داده است و جهان سوم در برابر این موج چه سیاست‌های فرهنگی را می‌تواند اتخاذ نمایند؟

مفهوم جهانی شدن (globalization) برای نخستین بار در حیطه اقتصاد در کنفرانس «برتن» و در بعد از جنگ دوم جهانی مطرح شد. تشکیل صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی از نموده‌های بارز آن محسوب می‌شود. مباحثی که در حوزه ارتباطات در رسانه‌ها مطرح بود ابتدا جنبه صرفاً فرهنگی داشت و بعدها بود که به مثابه پشتوانه تئوریک نگاه اقتصادی جهانی تلقی



مسئولیت دولت ها در آینده

تغییرات عصر جدید نشان می دهد که به اشکال مختلف سطح رفاه عمومی در کشورهای پیشرفته تنزل یافته است و در بسیاری از کشورهای جهان مسئولیت دولت ها در قبال شهروندان به معنای واقعی نادیده گرفته شده است. بی ثباتی و آشوب، گسترش مهاجرت ها، فقر، مشکلات زیست محیطی و ابر شهرها و ... دارای وسعت جهانی هستند. دولت ها و اجتماعات محلی زیر ضربه مشکلات جهان شمول در مانده و فاقد استراتژی عمل هستند. علی رغم ادعای همگانی بر پایبندی به اصول دموکراسی و مشروعیت بخشیدن به فضای سیاسی، دولت های بی شماری در جهان از تامین حقوق عموم مردم باز مانده اند و مفهوم دموکراسی به فرایندی برای گزینش حکمرانان تبدیل شده است.

تفکر مدرن بتدریج در تعریف شهروند و حقوق شهروندی نیز با چالش های جدیدی روبرو شده است. حکومت های سرزمینی در جهان معاصر نتوانسته اند نماینده منافع کل جمعیت های سرزمین خود باشند و فقط بخش از طرفداران را راضی نگه می دارند و با کاهش آراء مشارکت کنندگان، تفرقه و چند دستگی عمیقی بین مردم در جوامع مختلف پدید آمده است.

بسیاری از برنامه های جهان گرا تمایلات تبعیض آمیز دارند و بر اغتشاشات و جنبش های اجتماعی مخالف دولت های محلی می افزایند. جلوه دادن ماهیت حقوق بشر با تمایلات نزدیک به فرهنگ غرب، توسط سازمان های بین المللی موجب شده است که بر مشاجرات و انتظارات خرده فرهنگ های متعارض دامن بزنند. بروز احساسات قوم پرستی در نقاط مختلف دنیا، روند ملت سازی را با چالش روبرو ساخته است.

نظم جهانی و سازمان دهی فراکشوری بدلیل دخالت های منفعت جویانه ابر قدرت ها روز به روز بی اعتبارتر می شود و روند نظارت و نظم جهان را با مشکلات جدید روبرو می سازد. جایگاه در حال تغییر زنان و ترکیب آن با نظریات افراطی بر تعارض وضعیت زنان در کشورهای مختلف افزوده است. دولت ها در بحران جهانی ذخیره منابع، گرفتار آمده اند و موفقیت یا عدم موفقیت آنان در ایفای نقش مدیریت منابع با اثرات جانشینی و نوآوری های تکنولوژیک و صرفه جویی و کاهش هزینه ها و تغییر الگوی مصرف و ... همراه است که شهروندان را دچار محدودیت ها و اعتراضات دائمی می نماید.

آموزش و پرورش، دین و رسانه ها در جهان به شیوه کثرت گرایی فرهنگی ترویج می شوند و بر مشکلات دولت ها و بروز تعارض های تازه محلی، دامن می زنند. دانشگاه ها بدلیل عقب ماندگی از تحولات و تغییر وضعیت علوم و تئوری های جدید و همگرایی فناوری ها و ساختارهای اجتماعی و ترکیب فناوری نانو، زیستی، اطلاعات و فناوری های نوین ارتباطی از ارائه راهکارها برای حل مسائل و باری رساندن به دولت های محلی غافل مانده اند.

فرصت های بهنگام سازی و روزآمد سازی و تصمیم گیری مناسب کاهش می یابد و بنابر این مقاومت دولت ها در مقابل چالش های در پیش روی و نیروهای بیرونی جهانی سازی، روز بروز کمتر می شود و دولتمردان را به قربانیان عصر جدید تبدیل می نماید.

فضای ارتباطی آینده

فراغت، دانش، فنون، ارزش ها و نگرش ها، اعتقادات، رسوم، شیوه زندگی، ادراک، قابلیت ها و رفتار مردم اثر گذار باشد. فناوری ها دارای دو بُعد نرم افزاری و سخت افزاری هستند. نرم افزار آن دانش بکارگیری فن، و سخت افزار آن، ابزار است. می توان با خلاقیت و جستجوی روش های نوین و سازنده فرصتی برای بازمهندسی برنامه ها و ساختارها فراهم آورد.

برنامه ریزی فرایند مداومی است برای نیل به آینده مطلوب که با تشخیص هدف ها آغاز می شود و از طریق تعیین فعالیت ها و اتخاذ تصمیمات جدید برای تغییر در محیط تلاش می نماید. داشتن تصویری از آینده و انتخاب درست اهداف و چشم انداز و بررسی راه های رسیدن به آینده و انتخاب راه مناسب و بررسی اثرات تصمیمات و ارزیابی آنها و سپس اجرا، شرط لازم برنامه ریزی است. برنامه ریزی با بکارگیری استدلال و منطق و تصمیم گیری و محیط و الگوها و روش ها و انتخاب اهداف گره خورده است و هدف آن بالا بردن کارایی امکانات و منابع نسبت به اهداف و توانایی بکارگیری ابزارها و روش ها و اندیشه به منظور ارتقای سطوح مختلف زندگی است. تعریف نسبتا دقیقی از برنامه ریزی اینست که: برنامه ریزی فرایند عقلانی و منطقی مجموعه ای از فعالیت های منظم و متوالی در یک پیوستار زمانی است برای دستیابی به اهداف با توجه به پیش بینی وضع آینده و در نظر گرفتن منابع و امکانات موجود.

برنامه ریزی دو صورت دارد:

برنامه ریزی معطوف به آینده

برنامه ریزی معطوف به حل مشکل

هرگونه عمل برنامه ریزی در هر سیستم بر روی یکی از اجزاء موجب تغییر و تاثیر بر دیگر اجزاء می شود. شناخت متغیرهای موثر بر موضوع از اهمیت فراوانی برخوردار است بعضی از متغیرها قابل کنترل و برخی غیر قابل کنترل هستند. به نسبت شناخت متغیرها و توانایی کنترل آن ها امکان برنامه ریزی دقیق تر افزایش می یابد. پس برنامه ریزی از تصور آینده آغاز می شود و آینده بصورت چشم انداز ترسیم می شود و چشم انداز بصورت اهداف شناخته می شود.

توسعه در کشورهای مختلف دنیا ترتیب می یابد. ساختار پیوسته مابین جامعه و فرهنگ موجب می شود تغییرات برنامه ریزی شده آگاهانه در کنار دیگر تغییرات ناخواسته همزمان بر فرهنگ جوامع تأثیر گذارد و شاهد بروز تغییرات فرهنگی باشیم. بدین ترتیب همانگونه که برنامه های توسعه برای بدست آوردن نتیجه و اهداف تعیین شده، نیازمند ایجاد شرایط لازم و تهیه مقدمات بسیار است، بطور همزمان نیازمند برآورد و محاسبه دقیق تأثیرات آن بر فرهنگ جامعه است. فن آوری های جدید موجب افزایش تغییرات در جوامع شده و شاهد تغییرات فرهنگی بسیاری در جوامع سنتی، نیمه سنتی و مدرن بوده ایم.

چالش های فرهنگی در جهان معاصر و در کلیه کشورهای دنیا حاصل بسیاری از تغییرات برنامه ریزی شده توسعه ای و فن آوری است که قابل پیش بینی بوده است. تغییرات ساختاری حاصل فنون و علوم و فن آوری ها و ابداعات جدید بشر و بروز انقلاب صنعتی و انقلاب الکترونیک و انقلاب رسانه ای ... آگاهانه یا ناآگاهانه کلیه جوامع را فرا گرفته است و پیچیدگی های بسیاری برای تمدن و فرهنگ بشری همراه آورده است. بخش قابل توجهی از اثرات منفی تغییرات فن آوری های مدرن و بسیاری از تأثیرات تغییرات برنامه ریزی شده توسعه ای را می توان با توجه به الگوهای توسعه ای متناسب با فرهنگ جوامع ارزیابی، کنترل و نظارت و تنظیم و هدایت کرد. بدون تردید نباید هرگونه نوآوری و تغییر را منفی انگاشت. گذشت زمان همراه خود تغییرات زیادی را همراه دارد ولیکن برنامه های تغییر توسعه ای می توانند ناخواسته به شدت و نوع تغییرات فرهنگی اثر گذار باشند در حالیکه می توان به نحوی عمل کرد که برنامه ها در چارچوب توانایی های فرهنگی و ساخت اجتماعی - اقتصادی و متناسب با ارزش های فرهنگی جامعه سازگار و کمترین آسیب و بیشترین امکان رشد فرهنگی را فراهم آورد.

فن آوری می تواند بر سطح زندگی مردم، وضعیت اقتصادی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش، گذران اوقات

فضای ارتباطی آینده جهان، بشدت متأثر از فناوری های نوین است. فرهنگ با مدیریت آینده و اجرای سیاست ها و برنامه های اقتصادی و سیاسی، خواسته و ناخواسته، تلاقی و پیوند ناگسستنی یافته است. تجربه گذشته نیز نشان داده است توسعه اگرچه در ظاهر معطوف به بهبود زندگی مردم و افزایش سطح اقتصادی و سیاسی کشورها است، اما بدون توجه به کلیه ابعاد زندگی بشر مانند ارزش ها و باورهای یک ملت راه روش پر ثمر و موثری نخواهد بود. برنامه های توسعه می تواند ناخواسته سبب ازهم پاشیدگی شیوه مرسوم و سنتی زندگی و نابسامانی فرهنگی مردم شود و الگوهای رفتاری فردگرایانه و مادی گرا را تقویت نماید. توسعه امری فراگیر است و بدلیل وابستگی آن به انسان، پدیده ای کیفی است و هزینه انسانی و فرهنگی فراوانی دارد که در ظاهر موجب تغییر در فناوری، ابزارها و وسایل تولید و منابع طبیعی می شود، اما در باطن شکل دهنده "فضای اجتماعی" و "فضای فرهنگی" جوامع است.

ساخت و تشکیلات و نظام روابط اجتماعی (جامعه) از طریق راه و روش زندگی که تحت تأثیر عقاید و نظام های ارزش و انگیزه ها و طرز تلقی ها قرار دارد (فرهنگ)، محصول ترکیبی غیرقابل تفکیکی فراهم می آورد که بدان جامعه و فرهنگ می گویند.

نظام اجتماعی - فرهنگی در همه جوامع موجودیتی است به هم مرتبط که با هم ارتباط منطقی داشته و بر هم اثر می گذارد و این اثرها موجب تغییرات خواسته و ناخواسته، مثبت یا منفی می شود. تغییر در یک نهاد اجتماعی موجب تغییراتی در سایه نهادهای اجتماعی می شود و این تغییرات ساختاری بر افکار و آراء و رفتارهای دسته جمعی مردم اثر می گذارد و از سوی دیگر پذیرش عقیده، آراء و ارزش های جدید نیز موجب تغییرات در نظام روابط اجتماعی می شود.

بعضی از تغییرات ایجاد شده در جوامع تغییرات برنامه ریزی شده و آگاهانه است که افراد و نهادهای اداره کننده برای دست یابی به موقعیت های بهتر برای جامعه تدبیر می نمایند که امروزه تحت عنوان برنامه های



سازمان های آینده

روش ها و رویه های مدیریت، سبک ها و نظریه های مدیریت نیز افزایش یافته است. سرعت تحولات در محیط زندگی و محیط اجتماعی و فراهم شدن انتظارات جدید از سازمان ها، نیاز به درک جدیدی از مفاهیم مدیریت را ضروری ساخته است. تغییرات گسترده جوامع و چالش های در پیش رو، قلمرو مدیریت را متحول نموده و انگاره های نظری و الگوهای پیشین را تغییر داده است.

بتدریج اسطوره وجود یک قهرمان که همه مشکلات را حل کرده و موانع را از پیش رو برمی دارد به تاریخ سپرده می شود و مدیریت سازمان ها را بر اساس تیم مدیریت و همکاران و ساختار گروه مدیریت ارزیابی می نمایند. توجه به ارزش ها در مدیریت سازمان، تولید، مصرف و مخاطبین، راهبردهای مدیریت و قلمرو آنرا به سمت مدیریت فرهنگی سوق داده و حوزه فعالیت مدیران را از درون سازمان به محیط بیرونی و خط مشی های عمومی تغییر داده است.

اجزاء مهم هر سازمان عبارتند از:

- ۱ - ارزشها و اهداف
- ۲ - سیستمی از مقیاس ها و تقسیم کار
- ۳ - پایگاه ها یا موقعیت های تعریف شده
- ۴ - اعضاء آموزش دیده با نقش ها و وظایف مشخص
- ۵ - فرایندهای تصمیم گیری، ارتباط، جریان اطلاعات، کنترل و پاداش
- ۶ - روابط تعاملی بین اعضاء و بخش ها
- ۷ - هماهنگی داخلی و خارجی
- ۸ - جریان تجزیه و تحلیل
- ۹ - داده ها
- ۱۰ - محصول نهایی

امروزه بخش بزرگی از انسان ها در شهرها زندگی می کنند و شهرها بعنوان یک واقعیت بیرونی و تأثیرگذار، خود را به سایر واقعیت های اجتماعی تحمیل می نماید. شهر نوعی خاص از سازمان یافتگی زندگی اجتماعی در انطباق با فضا تلقی می شود و عناصر سازمان همچون تقسیم کار اجتماعی و روابط انسانی و اهداف در آن قابل مشاهده

زندگی اجتماعی، مجموعه ای از وقایع تصادفی نیست و الگوهای طبیعی، شناختی و رفتاری به زندگی انسان ها نظم و منطق بخشیده و جوامع انسانی را از الگو و فرآیندهای دارای نظم برخوردار نموده است. جوامع انسانی شامل انواع گروه ها و شبکه های اجتماعی و سازمانی هستند و الگوی سازمان بندی اجتماعی در نوعی تقسیم کار و برحسب سن و جنس و همراه با تخصص های حرفه ای و به نسبت نوع جوامع و معیشت و فن آوری آنها متفاوت است. خانواده، جوامع محلی، گروه های مذهبی، اتحادیه ها، صنوف، احزاب، نهادهای مردمی و سازمان های رسمی و غیر رسمی از انواع گوناگون سازمان بندی اجتماعی به شمار می روند. انسان ها در دسته ها و گروه های کوچک و بزرگ زندگی می کنند، رشد می یابند و نیازهای مادی و معنوی خویش را دنبال می کنند. در طول تاریخ بشر، جامعه ای مشاهده نشده است که بدون داشتن نوعی گروه بندی و سازمان اجتماعی، قوام داشته باشد. انواع جوامع انسانی شامل جامعه شکارچی، جامعه بوستانکار، جامعه کشاورز و جوامع صنعتی از نوعی تقسیم کار و تشکلهای کوچک و بزرگ برخوردار بوده است. با سرعت گرفتن آهنگ نوآوری فنی و تراکم تدریجی اطلاعات و دانش و ثروت و پیچیدگی تولیدات و ارتباطات جوامع، سازمان های اجتماعی و وظایف و کارکردهای آن نیز متحول و همراه با رشد جوامع انسانی، گسترده تر شده است. رشد شهرنشینی، مهاجرت از روستا به شهر، تغییر در نقش خانواده، دگرگونی در نهادهای اجتماعی، تحول نقش زنان، تغییر در نقش اجتماعی هنرها، دگرگونی نقش جوانان، فراهم آمدن فرصت های تفریح و سرگرمی، تولید هنر جمعی، ظهور رسانه های جمعی، تحولات شدید فن آوری، تنوع روزافزون فرآورده های مادی، مصرف انبوه فرهنگی و هنری، ... چالش های اجتماعی جوامع را افزون ساخته و پدید آمدن شکاف ها و کشمکش های عقیدتی، فکری، روانی و تربیتی، نقش سازمان های آموزشی و فرهنگی و هنری را مهم تر نموده است.

با گسترش و پیچیده شدن جوامع و افزایش موسسات و سازمان ها و توسعه کمی و کیفی آنها، نقش مدیران متخصص و لایق و اهمیت

ارزشی، اجتماعی و سیاسی برای سازمان‌ها پر هزینه خواهد بود. جامعه دارای فرآیندهای (PROCESSES) پیچیده است و با تغییر مداوم زمانی، انتظارات جمعی تغییر می‌یابد و از منطقه‌ای به منطقه دیگر تفاوت‌هایی آشکار دارد. اگر ساختار سازمان‌ها انعطاف‌پذیر نباشد در مقابل فرآیندهای اجتماعی محیط بیرونی امکان هم‌نواپی و هم‌سازی کمتری خواهند داشت. هنوز هستند کارشناسانی که در مراکز نوسازی و تحول اداری، که ساختار این مراکز را شبیه به هم طراحی می‌نمایند. همانگونه که بعضی به ساختارهای اجتماعی نگاه متصلب دارند و کمتر به عامل انسانی و نقش آن توجه دارند در نظام سازمانی نیز گروهی ساختارهای سازمانی را متصلب و تغییر ناپذیر تعریف می‌کنند و امکان انعطاف سازمان را کاهش می‌دهند.

علاوه بر این در ساخت سازمان رسمی، سازمان غیر رسمی (informal organization) نیز امکان پدیدار شدن دارد. روابط اعضای در سازمان رسمی بر اساس مقررات تعریف شده است. اما برخلاف سازمان رسمی ممکن است اعضا خود بخود بر اثر حشر و نشر و مناسبات دوستانه و علائق و سلائق مشترک روابط نخستین یابند. این روابط که در سازمان غیر رسمی پدید می‌آید، می‌تواند بر یگانگی سازمان رسمی و قدرت و کارکرد آن بیافزاید و یا ممکن است در روند انجام وظایف رسمی سازمان مانع و اخلال شود. در سازمان‌های فرهنگی، آمادگی زیادی برای تشکیل سازمان غیر رسمی وجود دارد و روابط کارکنان در انجام وظایف سازمان بشدت تأثیرگذار است. مدیران فرهنگی می‌توانند از روابط سازمان غیر رسمی برای ترغیب همکاران به فعالیت و افزایش کارایی سازمان بهره‌گیرند و فرصت‌هایی را برای بروز مشترکات فراهم آورند. مدیریت جهانی به سمت مدیریت فرهنگی و استفاده از شیوه‌ها و روش‌های آن تغییر جهت داده است. امروزه بسیاری از سازمان‌های غیر فرهنگی در جهان از شیوه‌ها و روش‌های مدیریت فرهنگی برای افزایش کارایی بهره‌می‌برند اگر چه که ممکن است از عنوان مدیریت فرهنگی استفاده نمایند. مدیریت فرهنگی و مولفه‌های آن اهمیت بسیار دارند. برای نمونه می‌توان بر این مولفه‌ها تأکید نمود:

ارزش‌ها و عقاید بنیادی

نگرش‌ها، هنجارها، روابط میان فردی، عادات، زمینه‌های وفاق، افکار عام و افکار مشترک، اخلاقیات و رسوم، عواطف، آرمان‌ها، منافع شخصی و عمومی، هویت یابی، شرایط اجتماعی و فرهنگی، انگیزه‌ها، خواست‌های عقلانی، خواست‌های احساسی، نیازها... شناخت تعارضات جامعه و تشخیص شکاف بین انتظارات جامعه با خط مشی‌های سازمان، از وظایف مدیریت است. شبکه‌ها به عنوان جایگاه کنش اجتماعی قلمداد می‌شوند و اهمیت دانش شبکه‌ها و روابط بین داده‌ها به حدی است که اساس تحقیقات و نظریه پردازی جامعه‌شناسان و سیاستمداران، بر پایه آن قرار دارد. با شناخت گروه‌ها این امکان بوجود می‌آید که درون آنها شفاف‌سازی شود و بدانیم در آنها چه اتفاقاتی در حال وقوع است و نیز با بکارگیری دانش ریاضیات و آمار به همراه الگوریتم تفاوت‌ها و شباهت‌ها و تشخیص توان اتصالات ضعیف و قدرتمند بین روابط افراد، به سادگی امکان مدیریت را می‌توان افزایش می‌دهد.

است. سازمان‌ها بعنوان دست ساخته‌های انسانی و به مثابه واقعیتی انسانی و اجتماعی مورد توجه انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان قرار گرفته‌اند و سازمان‌ها بعنوان گروه‌های ثانوی اجتماعی که مجموعه‌ای از عملکردها و روابط و عادات مشترک را دارا هستند مورد مطالعه اندیشمندان قرار گرفته‌اند. بر خلاف تصور بعضی افراد که سازمان‌ها را در قالب تحولات فن‌آوری صنعتی و پیشرفت‌های بعد از انقلاب صنعتی می‌بینند، سازمان‌ها در ابعاد گوناگون زندگی بشر از گذشته تاکنون حضور داشته و انسان‌ها به کمک سازمان‌دهی و سازمان‌یافتگی‌های متنوع در حوزه اجتماع توانسته‌اند فعالیت‌ها و اهداف خود را عملی سازند. کارکرد سازمان‌ها با دوام ساختن زندگی نوعی انسانی بوده است و انواع سازمان‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی موجب حفظ و دوام جوامع شده است. هر اجتماع بشری دارای نوعی سازمان اجتماعی بوده که به اهداف آرمانی به لحاظ محتوایی؛ و به ابزار و فن‌آوری به لحاظ صورت وابسته است.

جامعه یک سیستم کل است و سازمان‌ها، موسسات مستقل از اجتماع نیستند و بایستی هماهنگ با سیستم کل عمل نمایند. موضوعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در محیط خارج از سازمان مورد توجه قرار گرفته است و سازمان، سیستمی باز است که بیشترین ارتباط با جامعه دارد و مرز میان سازمان و محیط بیرونی تضعیف و نقش فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آنها مهم شده است. تصمیمات در سازمان‌ها نیازمند در نظر گرفتن منافع عمومی و ملاحظه محیط بیرونی سازمان است. گسترش رسانه‌های جمعی نقش مؤثری در رشد و شکل‌گیری نگرش‌های جدید داشته است و عملکرد سازمان‌ها بصورت شفاف در معرض دید عموم قرار دارد و چشم‌پوشی از روندهای





آینده و تفکر به هم پیوند خورده اند

دو گونه می توانیم به آینده نگاه کنیم یک نوع آینده توسعه است که با برنامه ریزی معنا می یابد. نوع دیگر، آینده جهان و عصر جدید است. آینده نگری به قصد تغییر آینده به استراتژی نزدیک می شود اما همواره به همان نتایجی که سیاستمداران در نظر دارند، نمی رسد.

آینده نگری با پدید آمدن اندیشه تکنیک بعد از رنسانس گسترش یافت. ابتدا اندیشمندان آینده ای متفاوت از قرون وسطی و وضع موجود را توصیف کردند. آینده نگری با زمان و مکان نسبت می یابد. آدمی موجودی زمانی و تاریخی است. علم وابسته به تفکر است و تفکر با زبان و زمان قوام می یابد.

آینده و گذشته به هم پیوند دارند. مردمی به آینده می اندیشند که گذشته را از نظر گذرنده باشند. آینده مقصد نیست آینده راه است.

آینده با اندیشه پیشرفت گره خورده است. در هر زمان مردم از امکانات و توانایی هایی برخوردارند که مردمان قبلی از آن بهره مند نبودند. امکانات عالم بصورت مساوی تقسیم نشده است. تشخیص اندازه توانایی ها و امکانات در هر دوره زمانی اهمیت دارد. هر فرد و قوم وملتی مقصد خود را دارد و نمی تواند مسیر و مقصد دیگران را تقلید نماید.

اندیشمندان کار علم را پیش بینی علمی دانسته اند و نه پیش گویی. وقتی بشر متجدد شأن خود را تغییر جهان دانست بدنبال این سؤال رفت که چه جهانی را در نظر داریم و چه جهانی را می توانیم بسازیم؟ آینده را نمی توان موزاییکی ساخت، بلکه آینده مجموعه تفکر فلسفی و علم و عزم و اراده و سنجش توانایی ها و امکانات است.

جهان آینده در تفکر شکل می گیرد. در تفکری که پدید می آید آینده شکل خود را پیدا می کند. آینده با تفکر ظهور می کند.

آینده ابتدا در ذهن متفکران متولد می شود و سپس در وقت عمل به بهره دهی می رسد. آینده داشتن یعنی مسئله داشتن ، یعنی کجا بودیم ؟ و اکنون کجا هستیم ؟ و به کجای می توانیم برویم ؟.

ما باید بیاندیشیم که چه آینده ای می خواهیم.

کارشناسان دفتر آینده پژوهی

یکی از اندیشمندان معاصر کشور، دکتر رضا داوری اردکانی در کتاب خود با عنوان " فلسفه و آینده نگری " تعابیر دقیقی را مطرح نموده اند که برداشت کارشناسان دفتر آینده پژوهی از مطالب ایشان زینت بخش پایانی این ماهنامه خواهد بود: آینده نگری مسبوق به قصد تغییر و اصلاح و تعیین بخشیدن به آینده است. از آنجا که آینده دگرگون شده اکنون است (وضع فعلی) ، اگر با اکنون آشنا نباشیم و آن را نشناسیم ، آینده را در نمی یابیم. آینده نگری از سنخ غیب دانی و غیب گویی نیست. آینده ای که قابل پیش بینی است حاصل کار انسان ها و دست ساخته آنهاست. آینده نگاری کشورها نیازمند قدرت و عزم و اراده ملی است و نمی تواند مستقل از وضع فعلی باشد. آینده نگری صرف یک علم نیست بلکه نتیجه تلاش جمعی انسان ها برای شکل دادن به آینده است.

آینده بینان محاسبه کننده توانایی ها و عزم و اراده و فکر و علم و همت رهروان و شناختن امکان ها و موانع و درک زمان می باشند . آینده نگاری حکایت آرزوهای مردمان نیست بلکه درک امکان و توانایی تغییر و اصلاح است.

آینده و تفکر به هم پیوند خورده اند و راه آینده در آثار متفکران ما گشوده می شود. در آینده نگاری نمی توانیم بدون آگاهی از جهان عمل نماییم. آینده ما از آینده جهان مستقل نمی باشد و از سوی دیگر نیز آینده نگاری با تقلید از دیگران امکان پذیر نیست.

بسمه تعالی

برگزاری دوره مجازی آینده نگری

دوره آینده نگری در ۲۰ جلسه ۴۰ دقیقه ای و با حضور علاقمندان در فضای اینترنت بصورت کارگاه گفتگو برگزار می شود.

محتوای این دوره عبارت است از:

- مولفه های آینده نگری
- روش شناسی آینده پژوهی
- آینده نگری در قلمرو افق زمانی
- آینده نگاری
- پیش بینی تحولات فرهنگی و اجتماعی
- سازمان های آینده نگر
- آینده نگری فردی و اجتماعی

برای ثبت نام با ایمیل زیر مکاتبه نمایید:

Fekrvarzi@gmail.com



علاقتمندان می توانند PDF کتاب در جستجوی آینده را از طریق مکاتبه با ایمیل زیر خریداری نمایند:

Fekrvarzi@gmail.com



محسن فردرو چهره شناخته شده ای در فعالیت های فرهنگی و هنری، مدیریت و تحقیقات فرهنگی و مطالعات فناوری های نوین ارتباطی و مشاوره علمی و اجرایی ارتباطات فرهنگی در فضای سایبر است. تفکر خلاق و نوآور و اندیشه های دلسوزانه و شوق به عمل و تلاش برای پیشرفت کشور، اخلاق و ارتباط سازنده با دیگران، او را به فردی مورد وثوق برای کارشناسان و مدیران دستگاه ها و سازمان های فرهنگی و رسانه ای تبدیل نموده است. محسن فردرو کارشناس تولید تلویزیون و کارشناس ارشد امور فرهنگی و دانش آموخته دوره دکترای مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی است و بیش از بیست سال در دستگاه ها و سازمان های فرهنگی و هنری کشور مدیریت ارشد داشته است. تدریس و انتشار حداقل سی جلد کتاب مطالعاتی، موجب ارتباط گسترده وی با دانشجویان و اساتید دانشگاه ها و موسسات علمی شده است. وی در سال ۱۳۸۴ موسسه مطالعات توسعه فرهنگی را با هدف فعالیت در تولید برنامه ها و تحقیقات فرهنگی و هنری راه اندازی نمود و در سال های اخیر با توجه به اهمیت آینده پژوهی فناوری های نوین ارتباطی تلاش نموده است دفتر آینده پژوهی رسانه های نوین در بخش خصوصی فعال و نهادها، سازمان ها و دستگاه های کشور را به اهمیت و همکاری با این حوزه ترغیب نماید. چشم انداز فعالیت های متمرکز آینده پژوهی رسانه های نوین اینگونه ترسیم شده است:

- جذب و همکاری با اعضاء هیات علمی دانشگاه ها و موسسات آموزشی
- جذب و همکاری متخصصین با تجربه و کارشناسان خبره در گروه های علمی
- جذب و همکاری دانش پژوهان جوان
- تفاهم نامه همکاری با دانشگاه های معتبر داخل و خارج از کشور
- تفاهم نامه با موسسات آینده پژوهی معتبر داخل و خارج از کشور
- همکاری و سرمایه گذاری در پروژه های فناوری اطلاعات و ارتباطات
- انتشار نتایج مطالعات و تحقیقات آینده پژوهی رسانه های نوین



در جستجوی آینده
مروری بر تحولات فرهنگی، اجتماعی، ارتباطی

تحقیق و تدوین: محسن فردرو





معرفی منابع برای مطالعات بیشتر:

همانگونه که در ابتدا گفته شد این مجموعه ویرایش جدیدی بود از کتاب در جستجوی آینده به قلم محسن فردرو که توسط انتشارات مه آسا منتشر شده است. دوستان می توانند برای کسب اطلاعات بیشتر به این کتاب مراجعه نمایند. مطالبی که در این کتاب آمده است حاصل مطالعه منابع زیر بوده است:

- مدیریت در فضای نوین ارتباطی- لطف اله سیاهکلی و محسن فردرو- انتشارات عباسی ۱۳۹۰-
- یک قدرت و رسانه های نوین- لطف اله سیاهکلی و محسن فردرو- انتشارات مه آسا- ۱۳۹۱
- تولید محتوا در رسانه های نوین- لطف اله سیاهکلی و محسن فردرو- انتشارات مه آسا- ۱۳۹۲
- سبک زندگی و رسانه های نوین - تحقیق و تدوین محسن فردرو- انتشارات مه آسا- ۱۳۹۳-
- تاریخ تمدن اسلام - دکتر علی اصغر حلبی- انتشارات اساطیر- ۱۳۶۵-
- تکامل اجتماعی انسان - متفکر شهید استاد مرتضی مطهری - انتشارات جهان بینی توحیدی - استاد مرتضی مطهری - انتشارات صدرا
- تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم ها- دکتر شمس السادات زاهدی - دانشگاه علامه طباطبایی - ۱۳۸۳
- عصر اطلاعات ۱ و ۲ و ۳ ، مانوئل کاستلز ، ترجمه چاووشیان - انتشارات طرح نو ۱۳۸۰
- جنگ نرم ۱ و ۲ و ۳- ۴- موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران ۱۳۸۳
- مدیریت فرهنگی ۱ و ۲ ، محسن فردرو - انتشارات مه آسا ۱۳۸۵
- مدیریت آینده- پیتر دراکر- ترجمه دکتر عبدالرضا رضایی نژاد- موسسه خدمات فرهنگی رسا- ۱۳۸۷-
- جهانی شدن - مالکوم واترز - ترجمه مردانی و مریدی- سازمان مدیریت صنعتی ۱۳۷۹-
- نظریه های جهانی شدن و دین - دکتر حسین کچوئیان - نشر نی- ۱۳۸۵
- موج سوم - الوین تافلر- ترجمه شهیندخت خوارزمی - نشر فاخته ۱۳۷۴
- شوک آینده - الوین تافلر ترجمه حشمت اله کامرانی- نشر سیمرغ ۱۳۷۴
- تنوع فرهنگی و وحدت ملی - محسن فردرو و همکاران - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۸۱
- وسایل ارتباط جمعی دکتر کاظمی معتمد نژاد - دانشگاه علامه طباطبایی ۱۳۷۱
- جوامع سنتی و تغییرات فنی - جرج.م. فاستر - ترجمه دکتر ثریا- نشر کتاب فرا ۱۳۷۸

- فهم آینده-گردون آدام- ترجمه دکتر طیبه واعظی- پژوهشکده مطالعات راهبردی ۱۳۹۰-
- چالشهای توسعه فرهنگ دینی - محمد جواد ابوالقاسمی و دکتر سید مهدی سجادی -انتشارات عرش پژوه ۱۳۸۳
- جامعه و فرهنگ ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ - محسن فردرو و همکاران- انتشارات مدرس ۱۳۸۰
- نامه پژوهش فرهنگی - فصلنامه تحقیقات فرهنگی ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ ۱۳۷۸
- ارغنون شماره ۲۴ - فصلنامه فلسفی ، ادبی ، فرهنگی ۱۳۸۳
- پژوهش فرهنگی - محسن فردرو و همکاران - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۸
- پژوهش در فرهنگ عمومی - محسن فردرو و همکاران - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۸
- شاخص های فرهنگی - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۸۲
- مطالعات فرهنگی- ساین دوررینگ ، ترجمه حمیرا مشیرزاده - موسسه فرهنگ آینده پژوهان ۱۳۷۸
- فرهنگ و جامعه - دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور -نشر شریف ۱۳۷۷
- جهانی شدن و فرهنگ - جان تاملینسون - ترجمه محسن حکیمی - دفتر پژوهش فرهنگ ۱۳۸۱
- مقدمه ای بر جغرافیای فرهنگی - جردن و همکاران - ترجمه دکتر تولایی و همکاران- پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات ۱۳۸۱
- بررسی و شناخت روش های مطالعه آینده- گروه پژوهشی دانش و فناوری آینده اندیشی-مرکز آینده پژوهی علوم دفاعی
- اصول و قدرت چشم انداز- مایلس مونرو- ترجمه فرزانه میرشاه ولایتی- مرکز آینده پژوهی علوم دفاعی ۱۳۸۹-
- چالشهای ارزشی جوانان - دکتر زهرا داریاپور - انتشارات ایلیا گستر- ۱۳۸۳
- آناتومی جامعه- دکتر فرامرز رفیع پور - شرکت سهامی انتشار- ۱۳۷۸
- نظریه های گوناگون در باره جهانی شدن، سمت- سلیمی، حسین- ۱۳۸۴
- جهانی شد و مخالفان آن - هلد دیوید، مک گرو، آنتونی- ترجمه عرفان صابتی چاپ اول ققنوس - ۱۳۸۲
- فلسفه و آینده نگری - دکتر رضا داوری اردکانی-انتشارات سخن ۱۳۹۲-
- جهانی شدن و هویت خاص گرایی فرهنگی در جهان معاصر- گل محمدی، احمد دانشگاه تهران ۱۳۸۰
- تاثیر تحولات ژئوپولیتیک آمریکا جلد ۱ و ۲ - دکتر حسین متفکر - انتشارات آثار معاصر ۱۳۸۶
- استعمارگری، استعمارزدایی و جهان سوم- مهراں توکلی استعمار- نشر نی- چاپ اول ۱۳۸۵
- اقتصاد اطلاعات - دکتر جعفر عبادی- انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۹۱-
- اقتصاد استراتژی- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور ۱۳۸۵-
- ریشه های اقتصادی فروپاشی شوروی- دکتر الهه کولایی- انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۷۸
- اقتصاد مدیریت- مگ گایکن و مویر- ترجمه محمدرضا حمیدی زاده- جهاد دانشگاهی ۱۳۷۱-
- سرمایه داری و حیات مادی- فرنان برودل- ترجمه بهزاد باشی- نشر نی ۱۳۷۲-
- جغرافیای تحول جهانی - ترجمه نسرين نوریان - دانشکده فرماندهی و ستاد ۱۳۸۳-
- مجموعه مقالات جهان شمولی اسلام و جهانی سازی- به اهتمام مجمع تقریب مذاهب
- فصلنامه فرهنگ عمومی شماره ۶ تا ۳۴ - سردبیر محسن فردرو - دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور
- نقش فناوری های همگرا در بهبود عملکرد انسانی- ترجمه فرشچی و مهرورزی-موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع نظامی ۱۳۹۱-



حامیان این شماره از ماهنامه جلا
(نیاز اندیشه روز)

پایگاه اطلاع رسانی فکر ورزی به آدرس Fekrvarzi.ir و کارگاه تجربی برنامه ریزی
فرهنگی می باشند.

راه های ارتباط با ما:

اینستاگرام:

@fekrvarzi

@fardroo

@jalamonthly

یوتیوب:

fekrvarzi.ir

در این شماره می توانید این مطالب را مطالعه نمایید:

- آینده نگری بعنوان یک ضرورت اساسی
- سؤال اساسی در آینده نگری
- روش شناسی آینده پژوهی
- اهمیت پیش بینی
- هنر فکر کردن به آینده
- فهم درست آینده
- پالایش پیش بینی
- آینده نگری در قلمرو و افق زمانی
- آینده نگری بعنوان فرایندی پویا
- مولفه های آینده نگری
- محورهای آینده نگری
- قدرت تبیینی نظریه ها
- گرد آوری اطلاعات
- آینده نگاری
- فلسفه آینده نگاری
- سیستم های اجتماعی
- تحولات فرهنگی و اجتماعی